

# تأثيرات فساد اداری بالای فعالیت های اقتصادی در ممالک رو به انکشاف



۱۴۰۳ هـ.ش

شبنام "باختری"

Shabnam "bakhtari"

## شناسنامه کتاب

نام کتاب: تاثیرات فساد اداری بالای فعالیت های اقتصادی در  
ممالک رو به انکشاف

مؤلف: شبیم "باختری"

Shabnam.bakhtari3@gmail.com

ایدیت و اهتمام: محمد رضا اخلاقی

ناشر: مطبعه مهر

نوبت: چاپ اول

سال چاپ: 1403:

تیراژ: ۱۰۰

محل چاپ: کابل افغانستان- شماره تماس: ۰۷۹۸۳۰۲۰۰۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## پیشگفتار

سپاس بی قیاس ذات بی نیاز را که تعقل، تفکر و تفحص در قضایا و محیط پیرامونی به منظور کشف هر چه بیشتر حقایق هستی و استفاده بهینه از نعمات مادی را در سرشت انسان عجین وبالوسیله به سوی دریافت های جدید رهنمون می سازد و درود نا محدود بر سرور و پیشوای انسانیت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم که پیام دانش پژوهی را گسترده و جاودانه ساخت و بر راهروان آن که با بر افراشتن پرچم علم و دانش مصدر خیر و سعادت در جامعه بشری گردیده و تا واژگونی هستی و قیام داد سرای عدل الهی همچنان بر نقش قدم آن راه می پیمایند.

خدا را شکر گزارم که این توانایی را برایم عطا نمود که در طی چند ماه توانستم کتاب تاثیرات فساد اداری بالای فعالیت های اقتصادی در ممالک رو به انکشاف را تکمیل نموده و به دست نشر بسپارم. موضوعات این کتاب در عصر حاضر مورد عنایت جدید جوامع بشری قرار گرفته است. چنانچه امیدوارم تا این اثر با ارزش و گنجینه گهر بار، بتوفیق باری تعالی جایگاه خود را در ردیف ذخایر علمی حفظ نموده، وسیله رهنمایی علمی برای اندیشمندان و دانشجویان محترم قرار گیرد. در این اثر بنده اگر نواقص دیده می شود با بزرگی خود بنده را مورد عفو قرار بدهید.

بااحترام

شب‌نم "باختری"

## فهرست مطالب

صفحات

عناوین

---

### فصل اول

#### کلیات و مفاهیم

۱. پیشگفتار ..... ۴
۲. فصل اول ..... ۱۱
۳. کلیات و مفاهیم ..... ۱۱
۴. مقدمه ..... ۱۱
۵. اهمیت و ضرورت تحقیق: ..... ۱۴
۶. اهداف تحقیق: ..... ۱۴
۷. تعریف فساد اداری ..... ۱۵
۸. تعریف ممالک روبه انکشاف ..... ۱۶

### فصل دوم

#### تاریخچه فساد اداری

۱. تعریف فساد ..... ۲۱
۲. تعریف فساد بر مبنای افکار عمومی جامعه ..... ۲۵

۳. فساد اداری سیاه ..... ۲۵
۴. فساد اداری خاکستری ..... ۲۶
۵. فساد اداری سفید ..... ۲۶
۶. تعریف فساد اداری از دیدگاه منافع عمومی ..... ۲۶
۷. تعریف فساد اداری بر اساس نقش وابستگی های خانوادگی و اجتماعی در تصمیمات کارکنان ..... ۲۸
۸. انواع فساد اداری ..... ۲۹
۹. فساد تصادفی (اتفاقی) و فساد نظام مند (حاد) ..... ۲۹
۱۰. فساد سازمان یافته یا فساد فردی ..... ۳۰
۱۱. فساد کلان، فساد خورد ..... ۳۲
۱۲. پیامدهای فساد ..... ۳۳
۱۳. علل و عوامل مؤثر بر بروز فساد اداری ..... ۳۶
۱۴. عوامل اداری و مدیریتی ..... ۳۶
۱۵. عوامل فرهنگی و اجتماعی ..... ۳۷
۱۶. عوامل سیاسی ..... ۳۸
۱۷. عوامل اقتصادی ..... ۳۸
۱۸. فساد اداری در ممالک رو به انکشاف ..... ۴۰
۱۹. مقایسه فساد در کشورهای روبه انکشاف و انکشاف یافته ..... ۴۰
۲۰. ضعف نهاد ها، عامل فساد ..... ۵۱

۲۱. بر جسته گی نقش دولت ..... ۶۱
۲۲. ضعف قوانین و مقررات ..... ۶۴
۲۳. پایین بودن حقوق و دستمزد ها ..... ۶۷

## فصل سوم

### استراتیژی مبارزه با فساد در کشور های رو به انکشاف

۱. راه کار های مبارزه با فساد در کشور های روبه انکشاف.... ۷۸
۲. ایجاد نهاد های مستقل مبارزه با فساد..... ۸۷
۳. نقش نظارت های قانونی در کاهش فساد ..... ۹۱
۴. قوه قضائیه سالم..... ۹۳
۵. نظارت مدنی ..... ۹۴
۶. نظر خواهی از مردم ..... ۹۸
۷. آزادی مطبوعات ..... ۹۹
۸. بر گزاری سیمینار ها ..... ۱۰۰
۹. تدوین سیاست های مناسب اقتصادی ..... ۱۰۲
۱۰. رقابت در ارائه خدمات ..... ۱۰۲

۱۱. خصوصی سازی شفاف ..... ۱۰۳
۱۲. تعیین حقوق و دستمزد مناسب ..... ۱۰۵
۱۳. شفافیت در فعالیت های اقتصادی ..... ۱۰۸
۱۴. شفافیت در امور مالی و بودجه ..... ۱۰۸
۱۵. سپردن کار به اهل کار ..... ۱۰۹
۱۶. بلند بردن سطح تعلیمی و فرهنگی مردم ..... ۱۱۰
۱۷. همکاریهای بین المللی ..... ۱۱۰
۱۸. تاثیر فساد بالای فعالیت های اقتصادی ..... ۱۱۲
۱۹. تاثیر فساد بالای پلان های انکشافی ..... ۱۱۲
۲۰. تاثیر فساد بر شکاف اجتماعی ..... ۱۱۵
۲۱. تاثیر فساد بالای سیاست های اقتصادی ..... ۱۱۶
۲۲. تاثیر فساد بر سرمایه گذاری ..... ۱۲۰
۲۳. تاثیر فساد بر مصارف ..... ۱۲۳
۲۴. تاثیر فساد بر فعالیت های سکتور خصوصی ..... ۱۲۴
۲۵. تاثیر فساد بالای فعالیت های اقتصادی ..... ۱۲۸
۲۶. تاثیر فساد بالای پلان های انکشافی ..... ۱۲۹
۲۷. تاثیر فساد بر شکاف اجتماعی ..... ۱۳۱



۲۸. تاثیر فساد بالای سیاست های اقتصادی ..... ۱۳۲
۲۹. تاثیر فساد بر سرمایه گذاری ..... ۱۳۶
۳۰. تاثیر فساد بر مصارف ..... ۱۳۹
۳۱. تاثیر فساد بر فعالیت های سکتور خصوصی ..... ۱۴۱
۳۲. فساد اداری در افغانستان ..... ۱۴۵
۳۳. بررسی تاریخی فساد اداری در افغانستان ..... ۱۴۸
۳۴. انواع فساد اداری ..... ۱۵۰
۳۵. فساد اداری ..... ۱۵۲
۳۶. فساد اقتصادی ..... ۱۵۳
۳۷. فساد سیاسی ..... ۱۵۶
۳۸. عوامل فساد اداری در افغانستان ..... ۱۵۸
۳۹. پیامد های فساد اداری در افغانستان ..... ۱۶۲
۴۰. روش های مبارزه با فساد در افغانستان: ..... ۱۶۶

## فصل چهارم

### نتیجه گیری

نتیجه گیری ..... ۱۶۸

منابع و مآخذ ..... ۱۷۰

## فصل اول

### کلیات و مفاهیم

#### مقدمه

اداره سالم در یک کشور باعث سرافرازی، رشد و انکشاف یک جامعه شده و تمام امور زنده گی اعم از اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، روابط ذات البینی و بین المللی یک کشور از مزایایی آن مستفید میشود. بر عکس اداره فاسد تمام عرصه های زنده گی یک جامعه را به رکود مواجه ساخته و بنیاد جامعه را مانند موربانه از بیخ و بن می پوساند. فساد با انواع گوناگون آن در تمام کشورها اعم از عقب مانده و پیشرفته کم و یا بیش وجود دارد و تأثیرات سوء خود را بالای رشد و انکشاف جامعه وارد می نماید. در کشور ما افغانستان طی سه دهه اخیر فساد به یک آفت مزمن و تقریباً غیر قابل کنترل بدل شده است که سالانه میلیونها افغانی سرمایه ملی علاوه از اینکه به جیب اشخاص و افراد استفاده جو میرود میلیونها افغانی دیگر صرف مبارزه با این پدیده شوم و مضر میگردد. فساد زمینه های سرمایه گذاریها را (اعم از داخلی و خارجی) از ما میگیرد، فاصله دولت و ملت را زیاد ساخته هزینه خدمات را افزایش داده و بیکاری و فقر را گسترده تر میسازد. در

بسیاری موارد فساد باعث نا رضایتی جوانان شده و زمینه را برای نا امنی و تقویۀ صفوف دشمن در کمین نشسته مساعد میسازد. در افغانستان اکثریت مطلق جامعه از ناهنجاریهای فساد اداری در سالهای اخیر شکایت داشته و به شکل از اشکال از آن آسیب دیده اند. این پدیده شوم دامن همه کشور های روبه انکشاف را گرفته و فرصت های رشد و توسعه را به چالش میکشد. فساد، مسئلهای است که در تمام ادوار، گریبانگیر دستگاه ها و سازمانها بوده و هسته اندیشه بسیاری از صاحب نظران را تشکیل داده است. فساد اداری نیز به عنوان یکی از عمومی ترین اشکال فساد، پدیده ای است که به جامعه خاص تعلق ندارد. بلکه در زمان ها و مکان های مختلف وجود داشته است. فساد را میتوان فرزند نا خواسته سازمان تلقی کرد که در نتیجه تعاملات گوناگون در درون سازمان و نیز به مناسب تعامل میان سازمان و محیط آن بوجود آمده است. "فساد اداری ، بخش از مجموعه مسایلی است که سازمانها در دوره عمر خود به ناگزیر آن را تجربه میکنند"<sup>۱</sup> این مجموعه مسائل به معضلاتی اشاره دارد که به طور عمده ریشه های آن در خارج از سازمان قرار داشته ولی

---

<sup>۱</sup> - سید احمد نجیب محمود، (و دیگران) ، فساد اداری در افغانستان و راه های حل آن، مرکز ملی تحقیقات پالیسی ، پوهنتون

آثار آن، سازمانها را متأثر می کند. مشکل فساد اداری نه تنها منحصر به کشور های عقب مانده و در حال گذار بوده بلکه در کشور های پیشرفته و در حال توسعه هم دیده میشود. فساد اداری یک وسیله مناسب برای نابودی ساختار سیاسی ، اقتصادی ، و اجتماعی است . فساد موجب کاهش رشد اقتصادی ، کاهش سرمایه گذاری ، افزایش فقر ، تهدید نظام اخلاقی و بی ثباتی سیاسی میشود. بدین ترتیب فساد موجب تخریب کل نظام اجتماعی شده سیاست دولت را در تضاد با منافع جامعه قرار می دهد و باعث هدر رفتن منابع ملی میشود، به کاهش اثر بخشی دولت ها در هدایت امور می انجامد و از این طریق اعتماد مردم نسبت به دستگاه های دولتی و غیر دولتی کاهش یافته ، بی تفاوتی ، تنبلی و بی کفایتی افزایش می یابد. فساد در هر جامعه ای ممکن است وجود داشته باشد ولی در برخی از جوامع بیشتر و در برخی دیگر کمتر است. بدون شک افغانستان یکی از آن کشور های است که در دو دهه اخیر فساد در آن به شکل وسیع و گسترده در اکثر ادارات وجود دارد. در نظام اداری ناکار آمد، انواع بی نظمی به صورت و اشکال گوناگون ظهور میکنند. از جمله پیچیده گی بیش از حد ، نارسایی و نقص در قوانین و مقررات و اجرای آنها، بی توجهی نسبت به قوانین و دستورات مقامات و رده های بالا توسط ماموران و رده های مراتب

پائین ، ضعف نیروی انسانی ، سازش کارگزاران دولتی با افراد و گروه‌های با نفوذ، شالوده‌های سست و نامتناسب سازمانی، انحصار مشاغل ، ضعف سیستم مدیریت و ... که در نهایت این بی‌نظمی‌ها و به عبارت دیگر این الگوهای رفتاری بر روی هم تأثیر گذاشته و حتی اثر یکدیگر را تشدید می‌نمایند. از این رو با پدیده‌های از جنس فساد اداری که ریشه در زمینه‌ها و عوامل گوناگون و متنوعی دارند باید به صورت نظام مند (سیستمی) رو برو شد و به ارائه راه‌حلهای جامع اندیشید . در تحقیق حاضر مسئله فساد اداری در کشورهای رو به انکشاف و راه بیرون رفت از آن به بررسی گرفته میشود.

### **اهمیت و ضرورت تحقیق:**

چون فساد اداری یکی از مهمترین رکن کشورهای بخصوص کشورهای رو به انکشاف میباشد. بنا بر این نیاز اساسی است تا در رابطه به این موضوع تحقیقی را انجام دهیم .

### **اهداف تحقیق:**

۱. بررسی فساد در ممالک رو به انکشاف

۲. بررسی فساد اداری در افغانستان

۳. تاثیر فساد اداری در نظام اقتصادی افغانستان

## تعریف فساد اداری

فساد اداری بخش از مجموعه مسایلی است که سازمانها در دوره عمر خود به ناگزیر آن را تجربه میکنند این مجموعه مسائل به معضلاتی اشاره دارد که به طور عمده ریشه های آن در خارج از سازمان قرار داشته ولی آثار آن سازمانها را متأثر میکند فساد اداری، سوء استفاده مقام اداری از وجوه عامه به منظور در آمدش به طور غیر قانونی میباشد. فساد اداری عملی است که باعث از بین رفتن و یا متنفر شدن ارزش های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک جامعه میگردد. فساد اداری عبارت از عمل نامعقول کارمندان دولتی برای کسب منفعت شخصی بوده و ضوابط پذیرفته شده اداره را نقض میکند.

---

۱- رفیع پور، فرامرز، توسعه و تضاد، شرکت سهامتتشار، تهران، ۱۳۷۹.

## تعریف اقتصاد

اقتصاد مجموعه بزرگی از فعالیت های بهینه مرتبط تولیدی و مصرفی دانسته می شود که به تعیین چگونگی تخصیص منابع کمیاب کمک می رسانند، اقتصاد همچنین به صورت شبکه‌ای از تولید کنندگان و مصرف کنندگان کالاها و خدمات در یک مکان، منطقه یا کشور است.

## تعریف ممالک روبه انکشاف

کشور در حال توسعه یا کشور روبه انکشاف کشوری است با استاندارد های نسبتاً پایین زندگی پایه صنعتی توسعه نیافته و شاخص پایین توسعه انسانی (HDI). این اصطلاح با عبارات قبلی ساخته شده در این مورد تفاوت دارد از جمله با اصطلاح جنگ سرد که جهان سوم را تعریف نموده و معنای ثانویه ای را به ذهن می آورد که منفی است . مترادف دیگر اصطلاح کشور در حال توسعه عبارتست از کشور کمتر توسعه یافته (LDC) یا کشور کمتر توسعه یافته از لحاظ اقتصادی (LEDC). کشور کمتر توسعه یافته از لحاظ اقتصادی اصطلاحی است که از طرف جغرافیدان جدید برای توصیف کشور هایی استفاده میشود که بطور دقیقتر به عنوان کشور های



در حال توسعه طبقه بندی شده اند با این خصوصیت که آن ها از لحاظ اقتصادی کمتر توسعه یافته اند، و معمولاً بیشترین همبستگی را با عوامل دیگری همچون توسعه پایین انسانی دارند. توسعه بین المللی توسعه مستلزم ساختاری جدید (هر دو صورت فزیک و سازمانی) و نوعی فاصله گیری از بخشهای با ارزش افزوده پایین همچون کشاورزی و استخراج منابع طبیعت است. کشور های توسعه یافته معمولاً در این مقایسه دارای نظامهای مبتنی بر رشد اقتصادی خود جوش در بخش ثالث سوم و بخش چهارم صنعت بخشهای چهارم و استانداردهای بالای زندگی میباشند کاربرد اصطلاح کشور در حال توسعه برای تمام کشور های کمتر توسعه یافته را می توان نامناسب دانست: تعدادی از کشور های فقیر در حال بهبود او ضاع اقتصادی خود نیستند(همان طور که این اصطلاح ذکر میکند) بلکه دوره های طولانی را از افول اقتصادی تجربه نموده اند. کشور های که دارای اقتصادی های پیشرفته تر در میان مثل در حال توسعه می باشند، اما هنوز بطور کامل نشانه های یک کشور

---

<sup>۱</sup> آقای رضا مقایسه تطبیقی کنوانسیون های بین المللی، نشریه راهبر دفتر، مطالعات اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ش. ۱، تهران، ۱۳۸۶.

توسعه یافته در آن‌ها تثبیت نشده است، تحت اصطلاح کشور تازه  
صنعتی شده دسته بندی می‌شوند.

## فصل دوم

### تاریخچه فساد اداری

مطالعه تاریخ تمدن های باستان بیانگر این است که فساد در جوامع بشری قدمتی به اندازه تمدن دارد و اکنون نیز یکی از مسائل مبرم و در خور توجه در کشورهای جهان است. فساد در تمام زمان ها ، گریبان گیر دولت ها و دغدغه فکری بسیاری از اندیشمندان و متفکران سیاسی بوده است. چنانچه دانتیه یکی از دانشمندان قرن چهاردهم ، در کتاب کمدی الهی به مسئله فساد توجه کرده و فساد را از نظر درجه بندی در اعماق جهنم قرار داده است. دانشمندان دیگری نیز مانند ماکیاولی ، مونتسکیو، روسو ، بنتام و برخی دیگر از فلاسفه در این مورد اظهار نظر کرده اند. به عقیده ماکیاولی ، فساد جریانی است که طی آن موازین اخلاقی افراد ، سست و فضیلت و تقوا آنان از بین می رود. از آن جا که بیش تر افراد ضعیف و عاری از تقوا و پرهیزگاری هستند، زمینه فساد در آنها همواره موجود است.

از دید منتسکیو ، فساد باعث میشود که یک سامانه سیاسی صحیح و خوب به یک سامانه ناپسند تبدیل گردد. به اعتقاد وی در حکومت مشروطه ، شرافت به قدری ارزشمند است که از هر پیشکشی بهتر

است و نیازی به روی آوردن به فساد نیست، اما در حکومت استبدادی که نه تقوا وجود دارد و نه شرافت، نمی توان به انجام کاری دست زد مگر به امید استفاده مفسدانه. ابن خلدون یکی دیگر از دانشمندانی است که به بحث در خصوص فساد پرداخته است و علت اصلی آن را تمایل شدید منفعت جویی طبقات حاکم را وادار میکند که به فساد اداری متوسل شوند. فساد نا بسامانی های بسیار برای جامعه بشری به دنبال داشته و جنگ های پی در پی ، خشونت ها و قیام علیه تمدن های حاکم، از بین رفتن سازمان ها و در هم ریختن جوامع همیشه ناشی از فساد بوده است، در مجموع ، فساد در کنار بقیه عوامل، از عوامل مهم فرو پاشی تمدن ها بوده است.<sup>۱</sup> در طی قرون و اعصار ، همواره رابطه معکوسی بین استفاده درست و بجا از قدرت و قلمرو گسترش فساد وجود داشته است و زمانی که از قدرت به طور مطلوب استفاده می شده ، میزان فساد کاهش می یافته است. حکومت ها و دولت ها از قرن ها پیش به مشکل سوء استفاده کارگزاران دولتی رو به رو بوده اند و در متون باستانی نیز اشارات متعددی به این پدیده شده است که نشان می دهد حکومت ها همیشه نگران سوء استفاده شخصی صاحب منصبان و کارگزاران

---

<sup>۱</sup>- رابرت و- دولت، کاکس، فساد و فرصت های اجتماعی، نظریه هایی در اقتصاد سیاسی توسعه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۸۰.

دولتی از موقعیت و امتیاز شغلی خود بوده اند. جرایمی نظیر اختلاس، ارتشا و جعل، جرایم جدیدی نیستند و قدمتی به اندازه خود دولت دارند، فراهم شدن موقعیت، منجر به ارتکاب جرم می گردد. و مسئولیت ها و اختیاراتی که طبق قانون به کارمندان دولت تفویض می شود، زمینه مساعدی را برای سوء استفاده فراهم می کند. هزینه های اضافی متعددی که این جرایم به جامعه و دولت تحمیل می کنند، باعث شده است کار شناسان علوم سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی در دهه های اخیر به پدیده تخلفات اداری و ابداع روش های موثر و کم هزینه برای مقابله با آن توجه نشان دهند.<sup>۱</sup>

## تعریف فساد

در جوامع گوناگون، بر حسب نگرش ها و برداشت ها، تعاریف گوناگونی از فساد به عمل آمده است. ریشه فساد فعل لاتین "rumpere" به معنای ((شکستن)) است. بنابراین این در فساد چیزی می شکند یا نقض می شود. این چیز ممکن است رفتار اخلاقی یا شیوه قانونی یا غالباً مقررات اداری باشد. (۷: ۴۲). گونار میردال فساد را در معنای وسیع تری مورد مذاقه قرار می دهد. به

---

<sup>۱</sup> - رابرت و- دولت، کاکس، فساد و فرصت های اجتماعی، نظریه هایی در اقتصاد سیاسی توسعه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۸۰.

نظر وی ، فساد به تمام شکل های گوناگون انحراف یا اعمال قدرت شخصی و استفاده نا مشروع از مقام و موقعیت شغلی قابل اطلاق است ( ۷ : ۴۳). فساد طبق تعریفی که در فرهنگ و بستر آمده عبارت است از : ((پاداشی نا مشروع که برای وادار کردن فرد به تخلف از وظیفه تخصیص داده می شود))<sup>۱</sup> بانک جهانی و سازمان شفافیت بین الملل، فساد را سوء استفاده از اختیارات دولتی (قدرت عمومی) برای کسب منفعت شخصی (خصوصی) می دانند. این تعریف مورد توافق عمومی در جهان است . تعریفی دیگر ، فساد را عبارت از شرارتی می داند که بر همه جوامع تا حدودی تاثیر می گذارد و جوامع را که شکنندگی بیش تری دارند به شدت دچار خفقان می کند . در باره فساد تعریف های زیاد از طرف علمای روانشناسی، اقتصادی و سیاسی ارایه گردیده است که از تعریف های مهم آن میتوان چنین ذکر نمود:

- فساد عبارت از سوء استفاده از اختیارات دولتی برای کسب منافع شخصی است.
- فساد به معنی سقوط فضیلت شهروندی و اندیشه های مدنی است.

---

<sup>۱</sup> - میر محمد حسین، صادقی، فساد اداری، نشر میزان، چاپ چهارم، ۱۳۸۳، ص ۱۳۴.

- فساد تخطی از قانون و سوء استفاده از صلاحیت های اداری است.
- فساد عامل کاهش اعتماد مردم به مقابل دستگاه دولتی و غیر دولتی است.
- فساد عبارت از شرارتی است که به همه جوامع تا حدودی تاثیر گذار است.
- فساد عبارت از عدم تطبیق قوانین و مقررات موضوعه در یک جامعه است.
- فساد به نظر منتسکیو عبارت از انحراف از یک نظام سیاسی خوب و تبدیل آن به یک نظام شیطانی است.
- فساد اداری، سوء استفاده مقام اداری از وجوه عامه به منظور درآمدش به طور غیر قانونی میباشد.
- فساد اداری عملی است که باعث از بین رفتن و یا متنفر شدن ارزش های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک جامعه می گردد.
- فساد اداری عبارت از عمل نا معقول کارمندان دولتی برای کسب منفعت شخصی بوده و ضوابط پذیرفته شده اداره را نقض می کند.

- فساد سیاست های دولت را در تضاد منافع اکثریت مردم قرار میدهد و باعث به هدر رفتن منافع ملی می شود.
- و فساد اعتقاد ارزش های اخلاقی جامعه را متزلزل میسازد.

به طور کلی ، از تعاریف فوق می توان دریافت که فساد در هر جامعه نسبی است و با نظام ارزشی هر جامعه قابل ارزیابی است. در حالی که فردی با عملکرد خاص ،ممکن است در یک جامعه فاسد تلقی شود، در جامعه دیگر چنین تلقی وجود ندارد. مثلاً در برخی از کشور ها دادن رشوه به مدیران طرف قرار داد جرم محسوب میشود. علاوه بر آن برخی از کشور های غربی این امر ، با ضوابط خاص ، در اسناد معامله قید می شود . علاوه بر آن فساد بیش تر شامل دستگاه دولتی می شود. اگر چه در گذشته فرض بر آن بود که کارمند دولت بیش از کارمند بخش خصوصی به مصالح اجتماعی پای بند است ، لیکن تجربه سال های اخیر نشان داده است که فساد در بخش دولتی گسترش بیش تری دارد. به همین دلیل در سال های اخیر به ویژه در کشور های جهان سوم خصوصی سازی رونق جدی گرفته است. علاوه از تعاریف فوق بعضیها به این نظرند که با در نظر داشت تفاوت های فرهنگی و اجتماعی جوامع لازم است تا فساد بر مبنای افکار عمومی تعریف و طبقه بندی شود.



## تعریف فساد بر مبنای افکار عمومی جامعه

چون ارزش های فرهنگی و اخلاقی هر جامعه با سایر جوامع متفاوت است و در داخل یک جامعه نیز ، این ارزش ها در طول زمان تغییر می کند. بنابر آن برخی از محققان معتقدند که فساد اداری را باید با توجه به دیدگاه های عمومی مردم تعریف کرد. از این رو، اقدامی در چارچوب فعالیت های اداری/ دولتی ، مصداق فساد را می یابد که از دید مردم جامعه غیر اخلاقی و مضر باشد . تعریف مک مولن و نای این گونه است. لکن مشکل مهمی که در این گونه تعاریف وجود دارد این است که دیدگاه مردم غالباً یکسان نیست. در خصوص رفتار اداری، به طور غالب ، دیدگاه نخبگان سیاسی و توده های مردم با هم اختلاف دارد با توجه به این اختلاف ها ، یک محقق علوم سیاسی به نام ، هیدن هیمر ، فساد اداری را به سه گونه سیاه خاکستری و سفید تقسیم می کنند،<sup>۱</sup> که ذیلاً به توضیح آنها پرداخته میشود.

## فساد اداری سیاه

کاری که از نظر توده ها و نخبگان سیاسی منفور است و عامل آن باید تنبیه شود را بنام فساد سیاه می خواند. بطور مثال می

---

<sup>۱</sup> - سوزان زرا، اکرمین، فساد و دولت، علت ها، پیامدها و اصلاح، مترجم، منوچهر صبوری، تهران، انتشارات، گنج دانش، ۱۳۸۵، ص ۲۰.

توان از دریافت رشوه برای نادیده گرفتن معیار های ایمنی در احداث مسکن نام برد.

### **فساد اداری خاکستری**

کاری که از نظر اکثر نخبگان منفور است، اما توده های مردم در مورد آن بی تفاوت اند را فساد خاکستری می خوانند. مثلاً کوتاهی کارمندان در اجرای قوانین که در بین مردم از محبوبیت چندانی برخوردار نیستند و کسی غیر از نخبگان سیاسی به مفید بودن آن ها معتقد نیست .

### **فساد اداری سفید**

کار که ظاهراً قانونی است، اما اکثر اعضای جامعه (نخبگان سیاسی و اکثر مردم عادی) آن را آن قدر مضر و با اهمیت نمی دانند که خواستار تنبیه عامل آن باشند. بگونه مثال ، چشم پوشی از موارد نقض مقرراتی که در اثر تغییرات اجتماعی و فرهنگی، ضرورت خود را از دست داده اند. بر علاوه فساد اداری را باید از دید منافع و مصالح عمومی نیز تعریف و توضیح نمود.

### **تعریف فساد اداری از دیدگاه منافع عمومی**

برخی از صاحب نظران ، فساد اداری را آن دسته از فعالیت های کارکنان و مسولان دولت می دانند که اولاً به منافع عمومی

لطمه بزند و ثانیاً هدف از انجام آن، رساندن فایده به عامل (کارمند اقدام کننده) یا به شخص ثالثی باشد که عامل را برای انجام این اقدام اجیر کرده است. بر این اساس آرنولد روگو واچ. دی. لاسول چنین اظهار میدارند که یک دستگاه فاسد در تمام نظام اجتماعی اختلال ایجاد می کند.<sup>۱</sup> کارل فردریچ نیز مدعی است که هر جا صاحب قدرتی که مسوول اداره سازمانی است، بر اثر دریافت رشوه ای نقدی یا غیر نقدی اغوا شود و به انجام کار های غیر قانونی مبادرت ورزد، این فرد به منافع عمومی زیان رسانده است.<sup>۲</sup> در این تعریف هم مانند تعریف قبلی، با این مشکل مواجه ایم که ممکن است همه اقشار مختلف جامعه در مورد منافع عمومی برداشت یکسانی نداشته باشند. تضاد بین طبقات مختلف اجتماعی نظیر صاحبان سرمایه و کارگران ممکن است سبب شود اقدامیکه از نظر یک گروه موافق منافع عمومی است، از نظر گروه دیگر مغایر و مضر با منافع عمومی باشد.

---

<sup>۱</sup>- محمد علی، اقتدار، اداره امور استخدامی، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۴، ص ۷۴.

<sup>۲</sup>- محسن، فرهادی نژاد، فساد اداری و شیوه های کنترل آن، مجموعه مقالات دومین همایش علمی و پژوهشی نظارت و بازرسی در کشور، چاپ اول، انتشارات دانشگده مدیریت، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰، ص ۱۱۴.

## تعریف فساد اداری بر اساس نقش وابستگی های خانوادگی و اجتماعی در تصمیمات کارکنان

این دیدگاه را تانزی طرح نموده است . تانزی در خصوص نقش اقتصادی دولت می گوید مسؤولان دولتی هرگز مایل نیستند منافع شخصی یا علایق خانوادگی و اجتماعی بر روی تصمیمات اداری آنها تأثیر بگذارد. اما در دنیای واقعی ، هم کارمندان و هم مسؤولان ، در اتخاذ تصمیمات حرفه ای خود تحت تأثیر روابط شخصی و خانوادگی قرار می گیرند و میزان تأثیر این عوامل بر تصمیمات اداری ، به خصوصیات فرهنگی هر جامعه وابسته است . با توجه به نکات فوق ، تانزی معتقد است مسؤول دولت یا کارمند زمانی مرتکب فساد اداری شده است که در اتخاذ تصمیمات اداری تحت تأثیر منافع شخصی یا روابط و علایق خانواده گی و دوستی های اجتماعی قرار گرفته باشد . به عبارتی دیگر ، فساد از نظر وی ، نقض اصل رفتار بر حق ، بی طرفانه و مبتنی بر ضابطه است ، که بنابر آن ، مناسبات خانوادگی یا شخصی نباید در تصمیمات اقتصادی سازمان های غیر دولتی یا مقامات دولتی نقشی ایفا کند. به نظر وی ، فساد در بستر شرایطی که دولت ایجاد کرده است می روید ؛ شرایطی که به برخی افراد اجازه می دهد تا موانع را دور برنند یا بکوشند تا با دادن رشوه به کسانی که در رأس برخی

دستگاه های دولتی هستند امتیاز های به دست آورند.<sup>۱</sup> نظریه رایج در باره نقش دولت چنین می انگارد که اصل بی طرفی و پرهیز از هر نوع غرض ورزی و جانب داری نا حق از این و آن ، مورد احترام مأموران و مقامات دولت است و در تصمیمات اقتصادی که شامل حال بیش از یک طرف می شود، روابط شخصی نباید نقشی ایفا کند. با ارائه تعاریف فساد اداری باید دانست که فساد اداری به چند نوع است و چه پیامد های دارد.

## انواع فساد اداری

فساد اداری به انواع و اشکال گوناگون تبارز میکند که در ادامه مهم ترین آنها به توضیح گرفته میشود.

### فساد تصادفی (اتفاقی) و فساد نظام مند (حاد)

درجه شیوع فساد در میان جوامع مختلف متفاوت است و از درجه کم و استثنا تا درجه بسیار رایج و قاعده مند تغییر می کند . اگر فساد کم باشد به آسانی قابل کشف و مجازات و نا بودی است اما وقتی فساد در جامعه بسیار رایج شود و به شکل قاعده مند در آید ، احتمال کشف و مجازات کاهش و انگیزه های فساد افزایش

---

<sup>۱</sup> - احمد، مرتضی، مبارزه با فساد اداری در کشورهای در حال توسعه، چهارمین اجلاس بازرسان کل آسیان، تهران، ۱۳۸۷، ص ۴۶.

می یابد، زیرا بر خلاف حالت اتفاقی، طرفین تمایلی به گزارش کردن خلاف ندارند. هر جا که فساد قاعده مند شده باشد، نهادها، قوانین و ضوابط رفتاری، با الگوهای غارتگری دیوان سالاران و کارگزاران دولتی تطابق می یابند. در این حالت رشوه نیز می تواند باعث کند شدن رسیده گی به پرونده ها ( و کاهش احتمال مجازات) شود. یکی از متفکران به نام (( هریرت ورلین ))، فساد اتفاقی را به انجام خطا در بازی فوتبال تشبیه نموده است، که داور با ارائه یک کارت بازیکن را جریمه می کند. در حالیکه فساد نظام مند (حاد) مانند تشویق خشونت در بازی فوتبال است، به طوری که بازی تغییر ماهیت می دهد و به ضد خود یعنی عامل تفریح تبدیل می شود. این شکل از فساد، توسعه اقتصادی بسیاری از کشورهای در حال توسعه را تهدید می کند (گسترش فساد مالی و اقتصادی در ایران و روش های مبارزه با آن، ۱۳۸۰)

## **فساد سازمان یافته یا فساد فردی**

در نظام اداری که فساد سازمان یافته دارد، سرمایه گذاران می دانند به چه کسانی رشوه دهند و چیزی در قبال رشوه به دست آورند و اطمینان دارند که مجوزهای لازم را برای بنگاه های خود می گیرند. فساد سازمان یافته، هنگامی اتفاق می افتد که وجه

(رشوه) مورد نیاز و دریافت کننده، به خوبی مشخص است و پرداخت وجه تضمین می کند که سفارش خواسته شده، اجرا شود. برخی چنین استدلال می کنند که فساد سازمان یافته، ضرر کم تری دارد، چون در چنین نظامی، یک دیوان سالار فاسد، سهم کاملاً معینی از سود بنگاه را طلب می کند و نفع او در موفقیت بنگاه است. در فساد فردی، سرمایه گذاران باید به چندین مقام رسمی رشوه بدهند و ضمانتی هم نیست که با تقاضای رشوه بیش تری رو به رو نشوند و مجوزهای لازم نیز تهیه شود. فساد سامانه ای، یعنی فساد فراگیر، سازمان یافته و گسترده در کلیه سطوح مختلف دولت که مأموران دولتی و سیاستمداران، هر دو، به نحوی یکسان تقریباً در تمام دستگاه های دولتی در آن مشارکت دارند.<sup>۱</sup> فساد سامانه ای در واقع پدیده ای سیاسی است، یعنی کسانی که در مواضع قدرت هستند از دولت برای انتقال منافع و عواید نا مشروع به خود و وابستگان استفاده می کنند. سر آمدان (نخبگان) حاکم با بسط وظایف دولت در زمینه های مالی، تنظیم و نظارت، بازار و تصدی و نیز با حذف یا تضعیف رقابت سیاسی، در صدد بر خواهند آمد که جریان منافع و عواید نا مشروع را از طریق مجاری

---

<sup>۱</sup> - جین، کی، آرویتد، اقتصاد سیاسی فساد، مترجم علی بختیاری زاده، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارت دانشگاه تهران، ۱۳۸۶، ص ۱۴۵.

رسمی گسترش دهند. امروزه در افغانستان در بسیاری موارد فساد نظام مند و سازمان یافته حاکم گردیده است. خصوصاً در پروژه های کلان بازسازی بدون کدام ترس و هراس فیصدی معینی از قیمت پروژه از سرمایه گذار تقاضا میگردد. این امر سبب میشود تا پروژه چندین دست معامله شود و هر کس سهم خود را گرفته و خود را از عرصه فعالیت کنار بکشد که در نهایت کیفیت کار پایین آمده و فیصدی اندکی برای عملی ساختن یک پروژه بزرگ به مصرف می رسد، چنین عملی در پروژه های ساختمانی در طولانی مدت عواقب ناگواری را در پی دارد.

## فساد کلان، فساد خورد

فساد در سطح کلان با فساد در سطح خورد کاملاً متفاوت است به گونه ای که فساد رؤسای دولت ، وزیران و کارمندان عالی رتبه را فساد کلان و فساد کارمندان پایین رتبه ، مثل افراد پلیس و مأموران گمرک را فساد خورد می گویند . کنترل فساد کلان مقدم بر فساد خورد است. زیرا بدون کنترل فساد کلان، امید به حل مشکل فساد خورد نیست. فساد کلان فساد است که توسط افراد و مقامات رده بالایی اداری ، به صورت بانندی و یا ارقام قابل توجه صورت می گیرد. مرتکبان این نوع فساد ، جز و گروه مجرمان



بزرگ و از صاحبان زر و زور هستند » که زیان ها و خسارات غیر قابل جبرانی بر پیکر جامعه وارد می سازند، کم تر تحت تعقیب دستگاه عدالت جزایی قرار می گیرند ، این گروه با برخورداری از ((توان توجیه )) یا ((حمایت)) یا ((امکان فرار )) اصولاً مصون از تعقیب می مانند. مطالعات نشان می دهد که در کشور های مختلف فساد اداری در رده های میانی و پایینی نظام اداری ، تا حد زیادی به میزان فساد در بین سیاست گذاران و کارمندان عالی رتبه ، بستگی دارد ، هنگامی که قسمتی از هیئت حاکمه ، فاسد باشد ، برای دست یابی به درآمدهای فاسد از یک سو به کمک مدیران میانی ، نیازمند است و از سوی دیگر ، ناچار است نهاد های نظارتی و حسابرسی ، مطبوعات ، سازمان های بازرسی و دستگاه های قضایی را تضعیف کند.

### پیامدهای فساد

فساد صرفاً پیامدهای منفی در بر ندارد ، بلکه در شرایط نامساعد اقتصادی و اجتماعی ، فساد و پیامدهای آن می تواند هم از لحاظ اجتماعی و هم از لحاظ فردی کار ساز باشد ، اما اکثر محققان برای فساد ، پیامدهای منفی را در نظر گرفته اند و آن را

برای رشد و توسعه ، مخرب می دانند که از جمله این پیامد ها عبارت اند از :

۱. فساد از طریق خدشه وارد کردن بر سیاست های دولت در مقابله با منافع و اهداف اکثریت ، باعث ائتلاف منابع ملی می شود ، از آن جا که فساد منابع ملی را از هدف اصلی منحرف می سازد این منابع نمی تواند کمک چندانی به رشد اقتصادی کشور بکنند و هنگامی که دولت ، این عامل اصلی اقتصادی ، در چنگال شبکه های غارتگران می افتد ، این مشکل به مشکلی اساسی بدل می شود .

۲. فساد مانع از رشد رقابت و موجب خنثی شدن تلاش ها در جهت کاهش فقر و تبعیض اجتماعی می شود.

۳. فساد با تضعیف انگیزه ها ، موجب زیان های اجتماعی و یا تضعیف نهاد های موجود زیان های سیاسی و یا توزیع نا عادلانه منابع و بالاخره زیان های اقتصادی می شود؛

۴. فساد از میزان اثر بخشی و مشروعیت دولت ها می کاهد، امنیت و ثبات جوامع را به خطر می اندازد و ارزش های دموکراسی و اخلاقیات را مخدوش می سازد و از این طریق مانع توسعه سیاسی و اجتماعی جامعه می شود.

۵. فساد به افزایش هزینه معاملات و کاهش امکان پیش بینی های اقتصادی منجر می شود و مانع از توسعه پایدار میگردد؛
۶. فساد منجر به هدر رفتن سرمایه گذاری های انجام شده روی منابع انسانی، کم رنگ شدن فضایل اخلاقی و ایجاد ارزش های منفی در سازمان می شود.
۷. فساد موجب تضعیف اعتقاد مردم به توانایی و اراده سیاسی دولت برای جلوگیری از زیاده طلبی ها و نیز باعث قطع امید مردم به آینده بهتر می شود.<sup>۱</sup>

برای به حد اقل رساند پیامد های فساد و گسترش حفظ اعتماد عمومی نسبت به سازمان، به برخورد با مسائل و شیوه منطقی و نظام مند، بست و بکار گیری راه حل های متناسب با نیاز های سازمان ها و منعکس کننده محیط عمل کردی خاص آنها نیازمندیم.

---

<sup>۱</sup> - شیر علی، تزی، عوامل و پیامد های اقتصادی فساد اداری، مجموعه مقالات سمینار عوامل فساد اداری و راه های بیرون رفت از آن، اکادمی علوم افغانستان، کابل، ۱۳۸۶، ص ۱۰۱.

## علل و عوامل مؤثر بر بروز فساد اداری

اگر چه این عوامل در کشور های مختلف با روش های متفاوت بررسی میشوند ، میتوان جمع بندی تحلیل های مختلف از فساد را به شرح زیر فهرست کرد:

### عوامل اداری و مدیریتی

۱. قوی نبودن فرهنگ سازمانی و عدم دل بسته گی کارکنان و مدیران به سازمان و اهداف آن؛
۲. مسائل و مشکلات اقتصادی کارکنان و بی توجهی به وضع زنده گی کارکنان و نیز بیم از افزایش تورم و عدم اطمینان با آینده شغلی؛
۳. عدم ثبات مدیریتی و ابهام در سیاست ها ؛
۴. توزیع نامتناسب درآمد ها بین گروه ها در سازمان و بین کارکنان بخش های دولتی و غیر دولتی ؛
۵. اعطای اختیارات بیش از حد و قدرت زیاد و سوء استفاده از آن ؛
۶. نقصان و پیچیده گی قوانین و مقررات و عدم تطابق با واقعیت های ملموس؛

۷. عدم توجه به شایسته سالاری و واگذاری فعالیت های اساس به افراد غیر متعهد و بی تجربه ؛
۸. نبود انگیزه ناشی از عدم وجود نظام تشویق و تنبیه مناسب ؛
۹. انحصار فعالیت های اداری برای گروه های خاص؛
۱۰. ضعف ساختار های نظارتی و فقدان هماهنگی های لازم در بعد نظارت؛
۱۱. نبود شفافیت و پاسخگویی در فعالیت های نظام اداری؛<sup>۱</sup>

## عوامل فرهنگی و اجتماعی

۱. فقدان وجدان کاری، انضباط اجتماعی و عدم توجه به مبانی ارزشی جامعه؛
۲. ناآگاهی یا آگاهی کم افراد از حدود وظایف و فعالیت های دستگاه های گوناگون؛
۳. نظام تامین اجتماعی نا کار آمد به ویژه برای حمایت از کارکنان دولت.

---

<sup>۱</sup> - محمد ناصر، ستانکزی، مقاله های عملی، تحقیقی، اداری و اقتصادی افغانستان، انتشارات سعید، ۱۳۹۴، ص ۲۳۱.

## عوامل سیاسی

ساختار سیاسی اجتماع ، میزان قدرت و مسؤولیت سیاستمداران را مشخص می کند آنان از این طریق بر منافع و هزینه ها نظارت می کنند. سه متغیر عمده سیاسی که میتوانند بر میزان فساد تأثیر بگذارند، به شرح زیر می باشد:

۱. نحوه تقسیم قدرت سیاسی؛
۲. میزان آزادی های سیاسی به ویژه قدرت حاکمیت ؛
۳. میزان ثبات سیاسی.

## عوامل اقتصادی

در کشور های پیشرفته نقش دولت در سیاست گذاری های کلان محدود شده است، اما در کشور های در حال توسعه دولت با تمام ابعاد زنده گی مردم، نه تنها به عنوان کار فرما ، بلکه به عنوان تنظیم کننده امور و تولید کننده و توزیع کنند بزرگ ارتباط دارد<sup>۱</sup>. و به دلیل فقدان بخش خصوصی ، دامنه فعالیت های دولت در این کشور ها روز به روز افزایش می یابد، این امر به علاوه محدودیت

---

<sup>۱</sup> James c.sscott, comparative political corruption' prentice hall, inc,1972.

های که از جانب دولت در زمینه های مختلف برای تنظیم امور اقتصادی و اجتماعی جامعه ایجاد میشود ، زمینه ساز فساد است. برخی از صاحب نظران در بررسی میزان تأثیر فساد بر رشد اقتصادی ، معتقد اند که کاهش فقر و رشد اقتصادی ، فساد را کاهش می دهد. بررسی شواهد نشان می دهد که طی قرن گذشته و هم زمان با رشد اقتصادی کشور ها ، به طور کلی ، فساد سیر نزولی داشته است ، هر چند در برخی از کشور ها به دلیل وجود سایر متغیر ها ، با توجه به اینکه فرایند رشد وجود دارد ، فساد نیز همزمان با آن افزایش می یابد . بطور کلی میتوان گفت پدیده فساد با این عوامل ارتباط دارد:

باز شدن فضایی سیاسی ، آنهم در غیاب حزب های سازمان یافته ای که بتوانند نقش میانجی را میان شهر وندان و دولت ایفا کنند؛ توسعه شتابان شهر ها و مهاجرت گسترده روستائیان که انبوه از شهروندان جدید و سر گشته را پدید می آورد و آنان را با دستگاه پیچیده و سرد و خشک بروکراسی روبرو میکند؛ پیشرفت سریع ابزار های مدرن تولید که همه چیز را تابع قوانین بازار می کند؛ هم سطح

سازی و مدرن سازی شتابان فرهنگی نظام ها و ارزش های متفاوت  
و اغلب متعارفی را در هم آمیزد.<sup>۱</sup>

## فساد اداری در ممالک رو به انکشاف مقایسه فساد در کشورهای روبه انکشاف و

### انکشاف یافته

به رغم عمومیت داشتن پدیده فساد در میان دولت های  
مختلف شامل توسعه یافته و توسعه نیافته ها<sup>۱</sup> فساد سیاسی و  
اقتصادی در کشور های انکشاف یافته از وضعیتی متفاوت برخوردار  
دار است . اگر فساد در تعدادی از دولت ها به عنوان یک نارسایی  
اداری تلقی می گردد، در کشور های جهان سوم فساد سیاسی و مالی  
به عنوان یکی از مشخصه های و ویژگی های دولت ها قلمداد می  
شود.

((رانت جویی)) یا به بیان ساده تر ((فساد)) همواره وجه  
شناخته شده ای از عملکرد دولت های جهان سوم می باشد؛ بطور  
مثال : برخی دولت ها با مازاد که به زور تصاحب و مصرف می کنند  
بخش خصوصی را به فعالیت های سازنده به سوی رانت جویی های

---

۱- همان، ص ۳۴۰



فاقد بهره‌وری برای جامعه منحرف ساخته و نمیتوانند کالا های همگانی را ارائه نمایند. شکی نیست که همه دولت ها در مقاطع مختلف مرتکب چنین گناه ها میشوند اما واقعیت های تجربی دولت های جهان سوم در کانون توجه نشان می دهد که این یک روند جاری است که به تجدید دور باطل فساد کمک بیشتری مینماید.

یکی از تفاوت های بارز و مشخص اختلاف در شیوه گسترده گی و تمرکز بیشتر فساد در سطوح مختلف است. بررسی ها در کشور های صنعتی و ثروتمند حاکی از آنست که فساد بیشتر در رده های بالای قدرت متمرکز است حالانکه به نظر میرسد در کشور های در حال توسعه فساد تمام سطوح زنده گی اقتصادی و اجتماعی را در بر گرفته است، در کشور های روبه انکشاف که حاکمان خاندان قبیله ها مانند کشور های نفت خیز عربی و تعداد از دولت های افریقایی دولت های را در دست دارند بروز فساد بیشتر در میان رده های بالا به طور کلان رواج دارد<sup>1</sup>. این وضعیت در میان دولت های کودتایی و یک حزبی اقتدار گر نیز به میزان کمتر به چشم می خورد. بررسی ها نشان می دهد در اینگونه از دولت

---

<sup>1</sup> Donatella.dellaporta, unesco courier ,jun 1996, vol 49 , issue.-

ها با فساد سطح پایان به شدت برخورد شده و لذا فساد سطح دوم در این جوامع کمتر به چشم میخورد.

یکی دیگر از تفاوت ها این است که در جوامع جهان سوم یک نوع نگاه ((عادی انگارانه)) به فساد در میان کارکنان دیوان سالاری و حتی فرهنگ عامه وجود دارد. این وضعیت باعث عدم ترس و واکنش کار گزاران فاسد شده و به نحوی باعث تشدید ((دور فساد)) می گردد، در مقابل، میان جوامع جهان اول حساسیت های مدنی زیادی در این موارد وجود دارد.

قوانین، رویه ها، تلقی ها، نظام های هنجاری، سیستم های مراقبت و کنترل و نظام مجازات درمورد فساد، در جوامع جهان اول واضح و از شفافیت برخوردار است، این در حالی است که در کشور های جهان سوم، ((همه چیز در هاله ای از ابهام است.))<sup>۱</sup>

یکی دیگر از تفاوت ها را می توان در ارتباط بین سطوح مختلف فساد و خاصیت ((جابه جایی، انتشار)) آن در دولت های جهان سوم، جست و جو کرد.

---

<sup>۱</sup> - همان، ص ۳۵۰

در دولت های جهان اول فساد بیشتر در فعالیت های اقتصادی احزاب بزرگ، نخبه گان سیاسی نقش شرکت های فراملیتی آنها نهفته است در سطوح پایان نیز دیوان سالاران بطور مجزا و پنهانی امکان اعمال فساد آمیز را دارند اما رابطه سریع تعریف شده و مشخص عمومیت یافته در سطح بالا قابل مشاهده نیست اما در دولت های جهان سوم به راحتی میتوانیم یک سلسله مراتب نظام مند مشخص را بین سطوح مختلف فساد مشاهده کرد.

اخیراً در تعداد از نوشته های محققین جهان اول به رسوخ و انتشار فساد در جهان سوم از طریق شرکت های چند ملیتی یا شرکت های صادر کننده جهان اول اشاره داشته اند .

در خواست پورسانت از طریق خریداران جهان سوم و هم چنان گرفتن سهمیه در قبال واگذاری پروژه های عمرانی و مقامت سیاسی و شرکت های بزرگ غربی بخش از روند فساد در ارتباط بین دو جهان را شکل داده است.

## علل و آثار فساد در کشور های روبه انکشاف

توسعه نیافتگی و فساد ، همانند یک دور باطل ، کماکان یکدیگر را تقویت نموده و فساد سیاسی و اقتصادی را به بخشی از خصوصیت و ویژه گی این نوع دولت ها تبدیل نموده است.

بررسی دولت هایی که دارای رتبه های بالا در میان کشور ها فاسد بوده اند و نیز دولت های جهان سوم به طور عمومی ، توجه به موارد ذیل را برای این دولت ها ضروری می سازد؛

- ۱- فساد اداری بر رشد اقتصادی و استحکام دولت های جهان سوم و جوامع شان ، اثر معکوس دارد و از این رو، اتخاذ اقدامات پیشگیرانه و مقابله ای ، جدی و مهم ارزیابی می شود .
- ۲- علل ساختاری فساد اداری در تمامی کشور ها ، عمدتاً بر گستردگی حجم دولت ، حساب پس دهی اندک و انگیزه های ضعیف خدمت رسانی کار کنان بخش دولتی استوار می باشد<sup>۱</sup>.

---

<sup>۱</sup>- اندریا، مبلومیارفار، رشل، فساد و آشنا بازی. ترجمه افشین جهان دیده ، پیام یونسکو، ش، ۲۵، ۴۱۳، تهران

۳- فساد اداری ، خاستگاه اجتماعی و فرهنگی نیز دارد که از جمله می توان به میزان حاکمیت روابط بر ظوابط و نحوه ارتباط مردم با حکومت ، دید گاه های ارزشی و هنجاری نسبت به فساد و نظایر آن اشاره داشت.

۴- فساد اداری پدیده انکارنا پذیر و دیرپا در جوامع گوناگون است. هر چه علل و خاستگاه های آن نمایان تر بوده ، فساد شدید تر خواهد بود . مبارزه با فساد نیز در یک فرایند زمانی معقول و مبتنی بر نگرش به خاستگاه های آن امکان پذیر است.<sup>۱</sup>

خصوصی سازی ، آزاد سازی، رقابتی تر کردن فرایند تهیه و توزیع کالا و خدمت ، رقابتی کردن خدمات دولتی ، بهبود روند حساب پس دهی ، شفافیت اطلاعات مربوطه به ظوابط و مقررات ، شفافیت های مالی و بودجه ریزی ، بهبود سیستم مالیاتی و جلوگیری از فرار مالیاتی ، مبارزه با پول شویی، تنبیه شدید مرتکبین به جرایم و افزایش ریسک فساد اداری ، تقویت نظام های مدیریت مالی، ادارات حسابرسی ، نظارت های قانونی ، نظارت های عمومی و در نهایت ، کاهش مداخلات دولت و افزایش نظارت های

---

<sup>۱</sup> محمد ناصر ، ستانکزی ، مقاله های علمی ، تحقیقی ، اداری و اقتصادی افغانستان ، انتشارات سعید، ۱۳۹۴، ص

آن از جمله سیاست‌گذاریهایی است که باید به صورت همه‌جانبه و با همکاری همه نهاد‌های مرتبط، جامه عمل بپوشد.

بررسی کشور‌های جهان سوم حاکی از آنست که، عوامل متعددی در فرایند فساد در این کشورها موثر بوده و دلایل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ساختاری، مانع از برنامه‌ریزی برای برون‌رفت از این وضعیت می‌باشد. همچنین عوامل پیش‌گفته در مزمین شدن این وضعیت نقش‌آفرینی می‌نمایند.

فساد سطح اول در سطوح نخبگان سیاسی، امری طبیعی قلمداد شده و افراد و جریان‌هایی که به خصوص در نظام‌های بی‌ثبات کودتایی بر مسند قدرت می‌نشینند، سریعاً به دنبال استفاده از فرصت‌ها و رانت‌های به وجود آمده برای مقاصد شخصی و سیاسی خود می‌گردند.

عبارت ((من برای خودم هستم)) را، لی‌کوان‌یو نخست‌وزیر سنگاپور در پاسخ به انتقادات از او مبنی بر اینکه امتیاز شخصی مهمی را از معامله اخیر اپارتمان‌های مجلل (مقامات دولتی) به دست آورده، بیان کرده است.

وی در تشریح آن گفت: ((آن یک میدان بازی هموار نیست (( یقیناً در همه نظام های سیاسی ، بعضی از عناصر حمایت ویژه گرایانه یافت می شود. به خصوص در جا هایی که فساد و رانت خواری آشکارا رواج داشته پناهگاه های بر جسته وجود دارد.<sup>۱</sup>

سیاستمداران در کشور های روبه انکشاف به لحاظ نوع به دست آوردن قدرت، که عمدتاً ناشی از یک رقابت سالم سیاسی نبوده ، و به دنبال انتقال قدرت موروثی و یا اقدام نظامی حاصل می شود ، به نوعی خود از مالک دارایی های دولت قلمداد می کنند، نه عناصری که بر حسب وظیفه اداری کشور را بر عهده دارند.

به نوعی می توان گفت دولت از دید گاهی کاملاً متفاوت ، ابزاری اقتصادی برای تامین پول هایی است که سیاستمداران دنبال آن هستند و بدون اینکه در برابر کسی پاسخ گو باشند ، مصرف می کنند. این سیاستمداران بخشی از مازاد این پول ها را بین طرفداران و وابستگان اجتماعی خود تقسیم کرده و از این طریق به عدم پاسخ گویی خود مشروعیت می بخشند. بنابر این ، عجیب نیست که بخش دولتی اقتصاد که زمانی برای اصلاح تاثیرات نا مطلوب شرکت های

---

<sup>۱</sup> - علی، ربیعی، زنده یاد فساد، چاپ سوم، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۳، ص ۵۵.

سرمایه داری ایجاد شده بود ، به تدریج به نهاد واپس گرای توسعه بدل شد که مظهر فساد داخلی ، عدم کارایی و سلطه غیر مسولانه سیاستمداران فاسد به منابع کشورها است.

مطالعات صورت گرفته نشان می دهد مجموعه خصوصیات کشور های جهان سوم منجر به شکل گیری یک دسته از ویژگی ها و فساد از انواع جهان سومی گردیده؛ زیرا میان کشور های ثروتمند و فقیر جهان سومی ، هیچ تفاوت مثبت در میزان فساد وجود ندارد. شاید کشور های ثروتمند تر دارای فساد بیش تر و از جهت دموکراسی دارای حکومت های نامناسب تری نیز باشند . این فرضیه به علاوه وجود رابطه معکوس بین توسعه یافتگی و فساد، بر تفاوت های بین ثروت و توسعه در رابطه به میزان فساد نیز تاکید دارد.<sup>۱</sup>

در سر تا سر جهان سوم ، کشور های که با یستی ثروتمند باشند، فقیر مالی مانده اند، حتی با وجود مواهبی از منابع معدنی ارزشمند مانند نفت، الماس و طلا مردم آنکولا ، نیجریه ، قزاقستان و دیگر کشورها در فقر دست و پا می زنند، در حالی که مقامات

---

<sup>۱</sup> - همان، ص ۵۶



فاسد آن‌ها کامروا شده‌اند، پول که بایستی برای کاهش فقر و رشد اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد، دزدیده می‌شود.

شرکت‌های نفتی و استخراج معدن نقش مهمی در کشور های در حال توسعه ایفا می‌کنند. برای مثال در آنگولا، نفت حدود ۹۰٪ بودجه دولتی ۳ تا ۵ میلیاردی را شامل می‌شود که حد اقل حدود ۱ میلیارد دلار این در آمد همه ساله مفقود می‌گردد. یک رابطه نزدیکی بین استخدام منابع طبیعی و تفوق رژیم های فاسد و ظالم وجود دارد، زیرا یک منبع در آمدی مطمئن به این رژیم ها اجازه می‌دهد تا قدرت خود را حفظ کنند. این رژیم ها بدون نیاز به حمایت عمومی، شهروندان خود را سرکوب می‌کنند و نیاز های اساسی آنان مانند بهداشت و آموزش را نادیده می‌گیرند.

این مشکل به ویژه در افریقا بسیار حاد است. جای که بخش منابع طبیعی حدود ۷۵ در صد تجارت این قاره را به خود اختصاص می‌دهد انگولیا سیرالیون چاد ، کانگو برازوال ، جمهوری دموکراتیک کانگو ، گینه استوایی ، گابن ، نیجریه و سودان همگی کشور های هستند که منابع طبیعی بخش عظیمی از درآمدی های دولتی آنها تشکیل می‌دهد ، در عین حال فساد در آنجا غوغا می‌کند، بطور کلی کشور های افریقایی که از نظر منابع طبیعی غنی

هستند و یا فقر منابع طبیعی دارند. هر دو در فقر با یکدیگر برابر اند. اما کشور های غنی تر حکومت های بد تری دارند.

به نظر میرسد این نظریه فورمول نسبتاً کار ایی برای تحلیل فساد در میان کشور ها و دولت های رو به انکشاف بدست میدهد: انحصار به اضافه قدرت پنهان کار ، معنای جوا بگویی و فاش گویی مساوی میشود به فساد. انحصار چه دولتی باشد چه خصوصی ، این امکان را می دهد ، که انحصار گر خود قیمت ارائه شده را تعیین کند به عبارت دیگر خدمات را بالا تر از قیمت پایان تر از مقدار مطلوب ارائه دهد . قدرت پنهان کار بدان معنا است که هر کار گذاری میتواند به تقاضا های مختلف بلی یا نه یا چقدر ، پاسخ دهد، بدون آنکه هیچ هرم قانونی برای محدود کردن قدرت او در دست باشد فقدان جوا بگویی و فاش گویی اش نیز نشان دهنده ویژه گی مخفی کاری و در نتیجه غیر قابل نظارت بودن این داد و ستد ها است<sup>۱</sup>.

---

<sup>۱</sup> - همان، صص ۵۷-۵۸

## ضعف نهاد ها ، عامل فساد

دولت های جهان سوم عمدتاً با مشکل ناکار آمدی دست به گریباندند. ناکارآمدی ها خود یکی از علل رابطه فساد انگیز در میان دولتمردان می شود و در همین رابطه پژوهش های متعددی در خصوص رابطه بین ناکارآمدی و فساد و همچنین دولت های سرکوبگر و غیر پاسخ گو ، با فساد مالی صورت گرفته است. یک نظر خواهی از ۱۵۰ مقام عالی رتبه دولتی و نمایندگان جامعه مدنی نشان داد که آنها معتقدند: فساد مالی بخش دولتی در کنار محدودیت های زیربنایی و سازمان های دولتی ناکارا موانع اصلی توسعه به شمار می آید. وجود مناقشه نظری بین موضوع ناکارآمدی و فساد ، استدلال های متفاوتی را به وجود آورده است. برخی وجود فساد را در مسیر کارآمد کردن دولت ، امری اجتناب ناپذیر تلقی نموده و به اعتقاد برخی دیگر ناکارآمدی و فساد لازم و ملزوم یکدیگر بوده ؛ به این صورت که ناکارآمدی هم موجب بروز و تشدید فساد و هم در اثر فساد خود تشدید می گردد، به طوری که شیوع فساد مالی در یک زمینه می تواند موجب گسترش آن در زمینه های دیگر شود . مدیران و مقام های زیر دست و دیگر افراد چون برای اداره امور ، غیر از اعمال خلاف راه حل عملی دیگری نمی

یابند، معمولاً فاسد می شوند. از طرفی دیگر چنانچه فساد مالی در جامعه ای حاکم شود، مسولان و مجریان قانون به نحوی تضعیف می شوند. که دیگر قادر به اداره امور نیستند. در ادامه این روند مردم نیز با فرض این که مجریان ناتوان و ضعیف قادر نیستند آن ها را مورد تعقیب قرار دهند، انگیزه بیش تری برای اعمال خلاف پیدا می کنند و بدین ترتیب ضمانت اجرایی و کارایی قوانین کم تر میشود. هر گاه مردم بر این باور باشند که دیگران اعمال خلاف زیادی مرتکب میشوند و مراجع قانونی در مقابلی ضعیف عمل می کنند و نوعی ایمنی برای افراد فاسد وجود دارد، در نتیجه فساد مالی در سطح وسیعی گسترش می یابد<sup>۱</sup>. عکس این قضیه نیز صادق است؛ زمانی که مردم فکر کنند فساد مالی و اعمال خلاف در جامعه اندک است و در صورت بروز با آن برخورد شدیدی صورت میگیرد، احتمال وقوع فساد مالی بسیار کم تر میشود. هر دوی این نظرات با شواهدی از کشور های توسعه نیافته و در حال توسعه تبیین شده اند.

---

<sup>۱</sup> تانزی، وی، ویتومسال، فساد، فعالیت های دولتی و بازار آزاد، ترجمه بهن آقایی، مجله اطلاعات سیاسی

به عنوان مثال بعضی استدلال می کنند که در فرایند مبارزه با فساد ، بالا بردن سطح پاسخ گویی نظام اداری ، موجبات توسعه را فراهم می آورد. ما یرن واینر راجع به سیاست های هند در سال ۱۹۶۲ می نویسد که ((فعالیت های اقتصادی بسیاری به حالت فلج در آمده بود ، آیا این تطبیق پذیری نیست که از طریق بخشش به پیچیده گی و جمود نظام اداری کمک شود.))<sup>۱</sup> هانتینگتون با این مسئله موافق بود که در شرایط رشد اقتصادی ، بدترین چیز ممکن وجود جامعه متقلب همراه با تمرکز گرایی شدید و دیوان سالاری دغل باز است که در کنار جامعه سخت همراه با تمرکز گرایی شدید و دیوان سالاری در دست کار قرار می گیرد. ناکار آمدی دولت ها آنها را وادار به داد و ستد سیاسی و مالی با گروه های فاسد و متنفذ ، می سازد طبق بررسی مستند و دقیقی که هاکوپیان از دولت ((میناس جرایس)) انجام داده نشان می دهد، بده و بستان سنتی خانواده های زمین دار با دولت به صورت حمایت سیاسی و در قبال برخورداری از ثمرات حمایتی دولت ، نه تنها به گذشت زمان ضعیف نشد بلکه قوی تر هم شد. با گسترش نقش دولت، بازماندگان خانواده میناس که در قدیم

---

<sup>۱</sup> - همان، ص ۵۸

حاکمیت را در دست داشتند، کنترل مستقیم مشاغل سیاسی را در سطح رهبری به دست گرفتند و از منابع دولت نیز هر چه بیش تر به عنوان منبع اصلی قدرت و ثروت استفاده کردند.<sup>۱</sup>

لازم به یاد آوری است که بین این همزیستی و الگوی توصیف شده در بررسی شیلی توسط زائیلین و راتکلیف که یکی از بهترین تحلیل های تفصیلی در مورد نخبگان امریکایی لاتین است - شباهت خیره کننده یی وجود دارد. در شیلی نیز ، الیگارشی تن به تسلیم نداد و رابطه ای همزیستانه با دستگاه دولت پدید آورد. طبق تحقیق که در باره شیلی ارائه شده است ، یکی شدن منافع زراعتی و صنعتی باعث به وجود آمدن امکان و زمینه افزایش کنترل دولت شد .

نقش بارز سیاسی خانواده های زمین دار در پدید آمدن این جوشی نخبه گرا سبب شد که نخبگان به طور کلی در برابر تحول بخش زراعت بایستند و همچنین از تمرکز یک بعدی روی صنعتی شدن به سبک کشور های شرق آسیا نیز جلوگیری کنند.

---

<sup>۱</sup> - محمد ناصر، استانکزی، پیشین، ص ۲۲.

عجین شدن نا کارامدی و فساد در دولت های جهان سوم  
منجر به نظریه ای گردید که به دنبال آن ، دسته ای از دولت های  
که قصد انجام برنامه های برای توسعه را در دست داشتند، به ناچار  
اقدام به تفکیک ساخت های اداری و ایجاد ساخت های تحت  
کنترول و سالم در کنار ساخت های قدیمی نمودند.

دولت های سرکوبگر کشور های روبه انکشاف ، به خصوص  
دولت های که از نظر منابع قابل فروش دارای فقر می باشند، به  
طوری که این نوع فساد ، تبدیل به یک ویژه گی شده است : دولت  
زئیر نیز یک نمونه از این روند ، محسوب میشود. در اواخر سال  
۱۹۷۸ در استان باندوندوی کشور زئیر ، یک مامور مالیاتی دولت به  
قتل رسید . این که نا راحتی مردم از مالیات در زئیر به کشت و  
کشتار منجر شود، یعنی آشکار ترین نماینده دولت ((زنده گی اش  
را از جیب مردم عادی تامین می کند)) زیرا (( به دلایل نا شناخته  
، حکومت موبوتو هیچ گاه قادر به پرداخت مرتب حقوق نیرو های  
نظامی اش نبوده است)). ژوزف موبوتو سسکو همین که در سال  
۱۹۶۵ کنترل زئیر را به دست گرفت همراه با دارو دسته اش در  
دستگاه های دولت زئیر به غارت نظام یافته ذخایر وسیع مس،  
کبالت و الماس کشور پرداخت و سرمایه کلانی را برای خویش فراهم

نمود که نه تنها در زندگی مجللش در کشور زئیر تجلی یافت بلکه کاخ هایش در چندین کشور اروپایی و حساب های سر سام آورش در بانک های سوئیس نیز نمادی از این غارت بودند. مردم زئیر در قبال مالیاتی که می پرداختند حتی به ارائه حد اقل زیر ساخت ها توسط دولت نیز نمی توانستند امید ببندند. مثلاً پس از پانزده سال فرمانروایی موبوتو ، شبکه جاده های کشور کاملاً از هم گسیخته است و بر پایه بر آوردی ، از شبکه ۱۴۵ هزار کیلومتری جاده ها فقط دوازده هزار کیلومتر از آن ها بر جا مانده است . در نخستین بیست و پنج سال حاکمیت موبوتو، تولید نا خالص ملی زئیر با آهنگ ۲ در صد در سال کاهش یافت و این کشور سر شار از منابع طبیعی به تدریج به سوی انتهای فهرست کشور های جهان تنزیل یافت و مردم دچار فلاکتی شدند که نظیر وضعیت شان در دوره استعمار بلژیک یا بد تر از آن بود . از بخت بد شهروندان آستان باندوندوی کارایی دولت در زمینه سر کوب ، بسیار بیشتر از کارایی اش در جاده سازی بود .

ناکارآمدی دولت منجر به تعمیل هزینه های زیادی بر دولت ها در کشور های روبه انکشاف شده است . ناکارآمدی باعث معطلی و کندی در اجرای پروژه میشد. پروژه های نا تمام و طولانی



از سویی دیگری زمینه ای برای بروز فساد مهیا میسازد. بالا رفتن هزینه پروژه ها در نهایت ، اکثر این فعالیت ها را به پروژه های غیر اقتصادی تبدیل می کنند. پیمان کاران پروژه ها در قبال کار های انجام نداده و تبانی با ماموران دولت بخش از روند فساد را تشکیل میدهد. نا کار آمدی در خرید ها و فروش ها معمولاً مزایده و مناقصه ها در جهان سوم را مقرون به صرفه نمیسازد. انتخاب ها در مزایده ها و مناقصه ها نه بر اساس صلاحیت ها بلکه با زد و بند صورت گرفته و کارمندی عالی رتبه دولت معمولاً سهم از آنها را به خود اختصاص میدهند.

دولت های ضعیف و نا توان اغلب دو نوع هزینه را بر امور اقتصادی تحمیل می کنند : نخست هزینه هایی که به دلیل از دست رفتن فرصت ها برای هماهنگی و پیروی از قوانین مبهم و متغیر صرف می شود و دوم ، هزینه های که برای پرداخت های غیر قانونی صرف می شود تا قوانین اجرا نشود یا مقام های دولتی به انجام کاری غیر قانونی ترغیب شوند. در اینجا باید انتظار داشت، کسانی که رشوه بیش تری به مقام های دولتی پرداخت می کنند با مشکلات کم تری مواجه میشوند ، زیرا اصولاً هدف آن ها از پرداخت پول اجتناب از قوانین و مقررات دست و پاگیر است . در

صورت که دولت ضعیف و نا توان باشد پرداخت رشوه به کارکنان آن می تواند باعث پیشرفت و بهبود امور فردی شود. به هر حال باید توجه داشت که استمرار فساد مالی عملکرد دولت را از آنچه هست بد تر می کند.

شواهد نشان می دهد که افزایش در آمدی های ناگهانی در کشور های رو به انکشاف ناشی از اقتصاد بیمار و ضعف ساختاری بوده و همواره با روند های فساد آمیز همراه بوده است. این نمونه ها را در کشور های نفت خیز جهان سومی می توان به خوبی مشاهده نمود.

نکته قابل توجه این است که دولت های ضعیف گاهی در یک موقعیت متناقض قرار می گیرند و افزایش منابع مالی باعث تزلزل حاکمیت سیاسی آنها می شود. وقتی که دولت ضعیف باشد رغبتی برای مشارکت در ساخت قدرت سیاسی وجود نخواهد داشت و کسی به فکر کنترل اهرام های قدرت نخواهد بود، به محض این که چنین دولتی به منابع عظیم کمک های خارجی یا منابع و ذخایر معدنی جدید دست پیدا می شود ، این نخبگان تازه به دوران به سرعت سهم خود را طلب می کنند. یا به هر نحو ممکن سعی می کنند که اداره کامل حکومت را در دست بگیرند. مگر آن که سهمی

برای آنها در نظر گرفته شود. در چنین شرایط ناخوش نودی افزایش میزان ثروت کشور بسیار مخرب خواهد بود، و به کاهش شدید دارایی افراد عادی جامعه منجر میشود. در واقع، ظرفیت یک دولت در جذب منابع و کمک های مالی خارجی به میزان توان بهره برداری شخصی طبقه حاکم معطوف میشود.

نکته حایز اهمیت دیگری که در حال حاضر مبتلا به اکثر کشور های روبه انکشاف است، پیوسته گی فساد با نا کار آمدی در عدم تحقق درآمد های دولتی است. بررسی ها حاکی است که نا کار آمدی دولت ها منجر به عدم حصول درآمد های دولت شده و بخش از روابط فساد آمیز در این گونه دولت ها فرار مالیاتی و گمرکی است بطوریکه در بسیاری از کشور های رو به انکشاف یا در حال گذار، دولت ها قادر نیستند مالیات گمرکی تعیین شده را حصول کنند. در چنین کشور های، فساد ماموران مالیاتی و کارکنان گمرک منجر به فرار مالیاتی، حسابرسی های غیر واقعی و عملیات حساب داری جعلی میشود. و همه موجب کاهش درآمد های دولت شده و در چنین فرایند نا سالمی، کاهش درآمد ها اغلب با افزایش نرخ های اسمی مالیاتی منجر میشود. و در بیشترین موارد افراد از پرداخت آن طفره میروند.

با توجه به تحقیقات که در برخی از کشورها به عمل آمده میزان کاهش در آمد ها در نتیجه وجود فساد را میتوانیم مشاهده کرد. برای مثال در گامبیا تا پیش از آنکه نظامیان در ۱۹۹۴ حکومت را بدست بگیرند ، در آمد های حاصل از حقوق و عوارض گمرکی و مالیات بر درآمد ۸ تا ۹ فیصد محصول داخلی بود. - که ۶ تا ۷ برابر به مقدار است که دولت صرف امور بهداشتی کرده است ، میزان فرار مالیاتی به تنهایی ۷۰ فیصد درآمد های پیش بینی شده بود. در تحقیقی که در ۱۹۹۲ به عمل آمد ، مشخص شد که تنها ۴۰ فیصد کشور های کوچک و متوسط مالیات پرداخته اند. بسیار از مردم اظهار نامه های مالیاتی خود را تحویل نداده اند. علل وقوع این گونه فساد را میتوانیم رویه ها و روش های مشخص و نیز نامعلوم بودن نرخ های رسمی تعرفه دانست به علاوه از آنجا که به کارکنان دولت اختیارات گسترده نیز اعطا شده بود ، فساد مالی تجدید شد و در نتیجه فرار های مالیاتی و کاهش در آمد ها را در پی داشت!

---

۱- همان، صص ۶۴-۶۵

## بر جسته گی نقش دولت

بزرگی دولت از چند جنبه بر روند فساد تاثیر گذاری می نماید : نخست بزرگی دولت منجر به گستردگی حیطه اختیارات شده و مقامات سیاسی در سطح وسیعی دارای اعمال قدرت و نفوذ می شوند. این روند در برخی کشور های رو به انکشاف به نحوی است که تقریباً حیطه بخش خصوصی با نوعی محدودیت و فضای نا کافی روبه روست . شواهد نشان داده است که گستردگی وظایف بدون تردید منجر به ایجاد رانت ها و امکانات فساد آمیز متعدد خواهد شد.

دوم ، این گستردگی موجب به وجود آمدن نیاز کاذب و استخدام کارکنان برای تصدی وظایف محول شده به دولت می شود. با روند های پیش گفته بطور معمول کارکنان ضعیف و افراد وابسته به پیرامون حامی ها و خویشاوند ها در استخدام دستگاه دولتی قرار می گیرند. بحث کارکنان نا کار آمد و تاثیر آن بر فساد ، قبلاً مورد بررسی قرار گرفته است. لهذا این روند منجر به گسترده شدن فساد میشود.

سوم، از آن جا که معمولاً مدیران نخبه و برجسته در راس ساخت سیاسی و اقتصادی دولت های توسعه نیافته قرار نمیگیرند. بنا بر این بزرگی دولت خود به خود موجب مدیریت و اداره ضعیف بخش های دولتی و بروز فساد های ناشی از آن میشود.

همان طوریکه گفته شد، فساد مالی ضرورت وضع مقررات را بیشتر میسازد. در اقتصاد های در حال گذار، رانت های اقتصاد ی هنگفت است زیرا مقدار اموال و دارایی های دولتی و قابل واگذاری بسیار زیاد است. همچنین اکثر مقام های اداری در اقتصاد های در حال توسعه و در حال گذار، اختیار های گسترده دارند. این اختیار ها به دلیل قوانین و مقررات ضعیف، همواره در حال تغییر است و بطور نا کافی تجدید میشود. در نهایت، میزان پاسخگویی معمولاً در این شرایط ضعیف است.

بزرگی دولت شرایط را بوجود میآورد که حضور دولت در همه جا قابل رویت بوده و مردم به ناچار برای گذران زنده گی بطور مکرر و معتدد با مقامات و کارکنان دیوان سالاری سر کار میابند. نیاز مردم به دولت به لحاظ عدم وجود تکنالوژی های مدرن در دستگاه های اداری تقریباً بطور کامل رو در رو و حضوری است. این امر حامل اصلی مفساد سطح دوم در کشور های روبه انکشاف

میباشد. چند ویژه گی دیگری در دیوان سالاری توسعه نیافته موجب فساد سطح اول و دوم میشود.

(( یکی افزایش روز افزون تصمیم گیری در بخش دولتی بجای بخش خصوصی ، دوم تمرکز زیاد اجرایی که موجب افزایش مراکز تصمیم گیری میشود. رشد برنامه های رفاه یی ، افزایش امتیاز های دولتی و گسترش قوانین و مقررات نیز میتواند به همان اندازه موجب رشد فساد شود. وانگهی با افزایش قرار داد های خصوصی و نیز به ساده گی شانه خالی کردن مقامات محلی از زیر نظارت دولت مرکزی ، حوضه بلقوه و به مراتب گسترده تر از فساد بر روی دولت ها گشوده میشود. ))<sup>۱</sup>

مدیران که با سیستم فساد آمیز مآلوف شدن هیچگاه حاضر به کاهش تصدی گیری نبوده و به عنوان مانعی در مقابل تلاش های اصلاحی دولت ها قرار میگیرند این امر موجب جلوگیری از هر گونه برنامه ریزی و اقدامات که به ترتیب اختیارات آنها را کاهش داده و موجب بهبود و امور اصلاحی در مقابله با فساد باشد میشود.

---

۱- رابرت ، کاکس ، .. دولت ، فساد و فرصتهای اجتماعی، نظریه هایی در اقتصاد سیاسی توسعه، چاپ دوم، تهران

## ضعف قوانین و مقررات

ضعف قانونی از دوجنبه بر روند فساد تاثیر گذاری می نمایند. نخست ضعف قوانین مناسب در مبارزه علیه فساد ، به تعبیری فقدان قانون منسجم ضد فساد به عنوان عاملی موثر در بروز و گسترش فساد عمل می نماید. سپس، قوانین نا کار آمد در بخش های تجاری ، مالی ، بانکی ، ثبت اسناد و سایر ابعاد اقتصادی خود پناهگاهی برای افراد فاسد بروز فساد مالی می شود. همیشه این سوال مطرح است که آیا فساد مالی ناشی از مقررات دست و پاگیر است یا این مقررات ناشی از فساد مالی است؟ بعضی از پژوهشگران معتقدند که مقررات دست و پا گیر بخش دولتی ، نتیجه یک راهبرد عمدی توسط دیوان سالاران برای افزایش تمایل مراجعه کننده گان به پرداخت رشوه است.

برای مثال، میردال با استناد به اطلاعات کمیته پیشگیری از فساد مالی دولت هند - که در سال ۱۹۶۴ تاسیس شد- ادعا کرده است که مقام های فاسد به تصریح ، در عمل سبب تاخیر های اجرایی میشدند. تا شورا های بیشتری به دست آورند. از نظر وینترز ، بیشترین مقاومت در برابر اصلاحات مالیاتی در اندونیزیا از سوی خود مقام های مالیاتی صورت گرفت زیرا آنها بیشترین زیان را از



غیر شخصی کردن و ساده کردن نظام مالیاتی متمایل شد. فلاترز و مک لیود نیز با اشاره به مورد اندونیزیا، مدعی هستند. که محصول آن حصول مالیات ها، در برابر ساده شدن مقررات مالیات بر اموال، دارایی و درآمد و ساختار تعرفه ها، فعالانه به مخالفت برخاستند.

قوانین غیر شفاف متعدد، متناقض و ناهماهنگ منفذ های برای کارمندان عالی رتبه و نیز رده های پایان و فرصت طلبان پدید میآورد تا به سوء استفاده از آنها بتواند در لا به لای آنها به حیات خود ادامه دهند. و در نهایت فساد مانند دژ مستحکم و تسخیر نا پذیر در ساختار های دولتی کشور های رو به انکشاف باقی بمانند.

یک ویژه گی بارز محیطی که در آن فساد مالی رخ میدهد، اختلاف است که بین قوانین رسمی و غیر رسمی حکومتی در بخش های دولتی پیش میآید. اگر چه همه کشور ها نیاز به سطوح یکسان از قوانین زیاد فساد مالی ندارد<sup>۱</sup>.

وقتی با قوانین ضعیف و ناکار آمد حتی اقدام به اصلاح امور اقتصادی نیز شود، علاوه بر ناکامی در اصلاح، روند جدیدی که بوجود می آید خود، عامل بروز فساد در کشور های در حال توسعه

---

<sup>۱</sup> - رابرت، کاکس، دولت، فساد و فرصت های اجتماعی، نظریه هایی در اقتصاد سیاسی توسعه، چاپ دوم، تهران انتشارات سمت، ۱۳۸۲ ص ۲۱۸.

و توسعه نیافته می شود. تجربه موزاییق نشان می دهد اصلاحات اقتصادی طراحی شده بر خلاف انتظار فساد مالی را تشدید کرد. در مصاحبه هایی که با مسولان بخش خصوصی و نماینده گان شرکت ها در سال ۱۹۹۶ گسترش یافته است.

بر اساس شواهد موجود ، پرداخت رشوه ابزاری برای استفاده از معافیت های غیر قانونی است که توسط کارگزاران صورت می گیرد. در سال ۱۹۹۵ چنانچه هیچ گونه معافیتی در نظر گرفته نمی شد، دولت موزاییق می توانست ۴۹٪ از در آمد های عوارض را وصول کند. مقام های گمرکی بدون دستور العمل و رویه مشخص موجب معافیت های بسیاری شدند و ارزش کالا ها را بیش از حد معمول محاسبه و نرخ های بالاتری به منظور دریافت رشوه اعمال کردند.

مالیات های دریافتی از ۲۰٪ از محصول نا خالص داخلی در سال ۱۹۹۳ به ۱۷٫۶٪ در سال ۱۹۹۴ کاهش یافت و عوارض واردات از ۵/۱٪ به ۳/۹٪ محصول نا خالص داخلی کاهش پیدا کرد. ((لو)) در تحقیق جدا گانه ای که در سال ۱۹۹۵ به عمل آورد، پیش بینی های دیگری در مورد عوارض و نقص های معافیت های تعرفه ای مطرح کرده است. برای مثال ، در کشور های مالی، تانزانیا و

زامبیا بر آورده ها برای امکان دریافت مالیات در حدود ۵۰٪ بود. باید توجه داشت که مقایسه کشور های مختلف کار مشکلی است. به هر حال ، موارد مزبور بیانگر این است که نبود نظام مالیاتی قدرتمند و سالم مشکلات بسیاری برای دولت ها و تحقق اهداف آن ها ایجاد می کند. بر اساس تحقیقات ((پریچست)) و ((ستی)) در سال ۱۹۹۴ در کشور های جامائیکا، کنیا و پاکستان همان طور که بر میزان کالا های مشمول معافیت واریانس حقوق و عوارض گمرکی پرداخت شده افزوده می شود، بر مقدار مالیات های اسمی نیز افزوده میشود. اطلاعات و شواهد موجود صحت این قضیه را اثبات نموده است.

### **پایین بودن حقوق و دستمزد ها**

دستمزد های پایین در ساختار اداری کشور های جهان سوم ، خود یکی از عوامل بروز و گسترش فساد مالی است. پایین بودن دریافت های کارکنان دولت در جهان سوم وضعیتی را به وجود می آورد که در بهترین حالت کارمندان، بخش دولتی را به عنوان سکویی برای پرتاب فعالیت های آینده خود در بخش خصوصی تلقی می کنند .

دریافت حقوق کم و مقایسه شایستگی های خود با افراد خارج از سیستم دیوان سالاری ، از عوامل مهم فساد و تن دادن کارمندان سالم به آن در کشور های روبه انکشاف می باشد.

((کارمندان دولت اگر احساس کنند که حقوق و موقعیت اجتماعی شان نسبت به شایستگی ها و صلاحیت هایشان کم تر است ، به گرفتن رشوه تمایل پیدا می کنند. به ویژه آن که بخش خصوصی به نسبت به بخش دولتی حقوق بیش تری پرداخت می کند))<sup>۱</sup>

تحقیقات نشان می دهد ، فقدان شغل های دولتی ، انگیزه امنیت شغلی است این شرایط هم برای جذب افرادی که قادر به طرح و اجرای پروژه کلی ایجاد تحول هستند، انگیزه کافی برای جذب افراد نیست. شغلی دولتی به جای آن که شغلی جذاب و یکپارچه باشد و ((بهترین ها و با استعداد ترین ها)) را جذب کند ، در جایگاه گزینه ای ثانوی برای مخاطره گریزان یا بستری برای کسب تجربه به منظور دست یافتن به شغل های بخش خصوصی قرار میگیرد.

---

<sup>۱</sup> - رابرت، کاکس، پیشین، ص ۱۵۵.

مطالعات صورت گرفته نشان می دهد در کشور های جهان سوم هر گاه اصلاحاتی در سیستم اداری و نظام حقوق دستمزد صورت گرفته ، مقداری از میزان فساد رایج در سطوح پایین اداره کاسته شده است. لذا پیگیری متناسب کردن دستمزد ها رابطه مستقیم با کاهش فساد داشته است . به عنوان مثال در دهه ۱۹۸۰ دولت غنا از یک روش بسته داخلی استفاده کرد تا بتواند امور مالیاتی و گمرکی را اصلاح کند. پیش از آن که در این کشور اصلاحاتی به عمل آید ، درآمد های مالیاتی ۴/۵٪ محصول ناخالص داخلی بود و در کنار آن فساد مالی ، قاچاق و موارد خلاف رواج داشت. حقوق کارکنان در سطح پایینی قرار داشت و مسولیت پذیری افراد اندک بود. در همین حال دولت غنا اقدام به انجام اصلاحات اداری نمود، پس از برقراری روند اصلاحات ، کارکنان فاسد اخراج یا بازنشسته شدند. دستمزد ها و شرایط کار و حقوق کارکنان افزایش یافت و در کنار آن با استفاده از روش های انگیزشی و تشویقی به افراد مجموعه های کار آمد پاداش مناسب داده شد. سپس در مرحله بعدی منابع درآمد دولت مشخص و تعیین شد و پاداشی به میزان ۳/۵٪ از درآمد های مالیاتی و ۲/۵٪ از درآمد های گمرکی به نظام نوین درآمد ملی تعلق گرفت. بین سالهای ۱۹۸۴ و ۱۹۸۸ مجموع درآمد های مالیاتی و گمرکی از ۶/۶٪ به ۱۲/۳٪

محصول ناخالص داخلی افزایش یافت اصلاحات به عمل آمده در این کشور بیانگر اهمیت تلفیق روش مطلوب پرداخت ها و روش های صحیح انگیزشی را برای کارایی بیشتر نشان می دهد. البته دولت غنا در انجام اصلاحات با مشکلات فراوانی مواجه شد.

برخی از کارمندان دولت نسبت به مزایای ویژه ای که در اختیار مأموران و کارکنان مالیاتی قرار گرفته بود اعتراض داشتند و وزارت مالیه نیز از کاهش اختیارات خود ابراز نا رضایتی می کرد. در هر حال برنامه اصلاحات بدون حمایت همه جانبه مقام های بلند پایه به هیچ عنوان قابل اجرا نبود.

پایین بودن درآمد سرانه، اقتصاد های ناپایدار و تورم زا ، گرانی های مزمن و افق نا کافی کارمندان، در کنار رشوه گیری، رایج ترین وجه فساد را به یک امر رایج در کشور های روبه انکشاف تبدیل ساخته است. بطور کلی کاهش پرداخت های دولتی باعث افزایش احتمال بروز فساد میشود. مجله کوکمین الیبو- که تحقیقات قابل توجه در این زمینه نمود است- نتیجه گیری نموده است که پس از تغییر ساختار تشویقی در ادارات دولتی امتناع نیروی انسانی کارآمد از استخدام در ادارات تغییر یافت و نگرانی در

مورد بروز فساد و سایر کار های خلاف در ادارات دولتی واقعیت بیشتری پیدا میکند.<sup>۱</sup>

مطالعات در کشور های توسعه نیافته نشان می دهد اگر از کیفیت کار دولتی فرو کاسته شود از قابلیت نهاد های دولت در ایفای نقش های شان نیز کاسته میشود. نزول کارآیی دولت نیز باعث تقویت این دید گاه ها میشود. که وجود دولت ضروت ندارد و دولت همانند طفلی است. به این ترتیب حیثیت اجتماعی کار دولتی بیشتر نزول میکند. و توجیه سرمایه گذاری در زمینه حقوق کارمندان دولت را دشوار میکند. در نتیجه چرخه منحوس فرو پاشی به حرکت در می آید.

از جمله عوارض دیگر دستمزد های پایین کارکنان دولت ، جذب و استخدام نیرو های ضعیف و نا کار آمد در نظام اداری است . این نیرو ها خود به خود نوع چرخه فساد موجود را کامل تر نموده و فساد پنهان را تقویت مینماید. این نیرو ها با سطح حقوق پایین و ناکارآمدی ، خود زمینه های فساد در ساختار دولت را بوجود میاورند.

---

<sup>۱</sup> - همان، ص ۷۲

فقر در کشور های جنوب و در حال توسعه عرصه مناسبی برای فساد پدید میآورد. اقلیت نا چیز از مردم با روش های غیر قانونی و فعالیت های غیر تولیدی به سرعت ثروت مند میشوند. حال آنکه اکثریت مردم در فقر و تیره بختی فرو میروند. در این میان ، کارمندان دولت نخسین قربانیان اند، چه تورم قدرت خرید شان را پایین میآورد. و کار فرمایی آنها ( دولت) قادر به افزایش حقوق ها نیست. این امر تا حدود زیاد نشان میدهد که چرا هسته اصلی فساد در اداره های دولتی است.

### مقایسه انکشاف و عدم انکشاف در افزایش فساد

همچنان که در مباحث پیشین ملاحظه گردید مطالعات صورت گرفته نشان میدهد که معمولاً بین انکشاف و فساد رابطه معکوس بر قرار بوده که علت آن در عوامل متعددی نهفته است. وجود رقابت در میان احزاب سیاسی و فرایند مردم سالاری در توسعه یافته ها ، به نحوی است که خود به عامل برای کنترل مقامات دولتی تبدیل می گردد. گستره آموزش و روابط قانونی در کشور های کمتر توسعه یافته ، با نقصان و کاستی روبروست .



برعکس در کشور های بیشتر توسعه یافته قوانین که در فرایند توسعه شکل یافته اند مانعی برای رفتار های فساد آمیز میگردند. ترس از مقامات در صورت افشا و پاسخگو بودن دولت ها به نهاد های مدنی را از جمله عوامل دیگر میتوان بر شمرد. شاخص های توسعه انسانی ، اجتماعی و اقتصادی هر کدام همبسته گی کاملاً معنا داری را با میزان فساد نشان میدهد. به عنوان مثال یکی همبسته گی نیرومند بین محصول ناخالص داخلی سرانه و رتبه هر کشور بر اساس شاخص های فساد مالی بر قرار است با این حال ، هیچگونه رابطه علت و معلولی بین محصول ناخالص داخلی و فساد مالی نمیتوان بدست آورد . آیا کشوری به این دلیل فقیر میباشد که فساد مالی در آن شایع بوده یا فساد یک کشور ناشی از فقر است؟

باز بودن اقتصاد و عدم تمرکز مورد اقتصادی در کشور های توسعه یافته و متقابلاً اقتصاد متمرکز و گسترش بخش های عمومی در دست دولت و محدود بودن فضای اقتصاد خصوصی ، از عوامل بروز فساد در توسعه نیافته هاست.

حقیقت آنست که هر چه فساد عرصه های بیشتری را فرا گیرد ، مهار و کنترل اقتصاد دشوار تر خواهد بود. منطق سودا گری

بر منطق تولید چربیده و دیگر از سیاست های اقتصادی کار آ و موثر خبری نیست؛ مثلاً: عدم توازن بودجه های دولتی، ناشی از نا هماهنگی میان هزینه های فزاینده و کاهش درآمد های مالیاتی است. چه درآمد های مالیاتی به دلیل نفوذ بخش اقتصاد غیر رسمی و کلاهبرداری و فرار از مالیات راکد است. البته بدون آن که فساد اداره های مالیاتی را در نظر بگیریم.

هنگام که نظام اقتصاد موازی در منطق قدرت جای میگیرد، هدف آن صرفاً تسلط بر چگونگی توزیع ثروت ملی است. این نظام چرخه شوم و غیر قابل تحمل فقر را به چرخش میآورد: فقر، پرهیزگاری مدنی را ضعیف ساخته و فقدان پرهیزگاری مدنی دموکراسی را ضعیف میکند، دموکراسی تضعیف شده روند توسعه را مختل ساخته، بدون توسعه زنده گی اقتصادی از کار می افتد و فرو پاشی اقتصاد نیز موجب افزایش فقر خواهد شد.

## فصل سوم

### استراتژی مبارزه با فساد در کشورهای رو به انکشاف

فساد مالی یک پدیده جهانی بوده که تا حدود زیادی با توجه به تحولات سیاسی و اقتصادی، ابعاد جدید تری یافته است. بارزترین وجه این تحول را در روند های جهانی سازی و اتفاقات مهم در بخش تجاری این روند می توان جستجو نمود.

این روند در کشورهای توسعه نیافته و عقب مانده ، فقط به عنوان یک مشکل اداری تلقی نمی شود بلکه در این کشور ها فساد سیاسی یا مالی به عنوان یک بیماری مزمن و خصوصیت ویژه دولت ها به شمار می آید. بررسی ها نشان می دهد، این پدیده در فرایند توسعه و خروج از بن بست عقب مانده گی به عنوان یک مانع جدی تاثیر گذاری می نماید.

به رغم پیچیدگی و گستردگی تعاریف از فساد، مفاهیم ذیل را می توان به عنوان نقطه اشتراک تعاریف مختلف یافت: داشتن اختیار در درون دولت، استفاده برای منفعت شخصی از امکانات و اختیارات ناشی از حضور در جایگاه های دولت.

بررسی های صورت گرفته، وجود ارتباط مستقیم بین فساد و نا کارآمدی در کشور های توسعه نیافته را نشان می دهد و نیز ، بین اندازه و بزرگی دولت و فساد رابطه مستقیم بر قرار می شود.

با استفاده از شاخص های مشخص ، ارتباط میان مردم سالاری و فساد از موضوعات مورد مطالعه در کشور های مختلف بوده است. تمامی این مطالعات به نوعی میان مردم سالاری و فساد رابطه معکوس را به اثبات رسانده اند.

بی ثباتی سیاسی در کشور های رو به انکشاف ، منجر به نوعی خاصی از فساد گردیده و دولتمردان با درک این که دوران ناپایداری را در سفر خواهند بود، نوعی فساد غارتگرایی را در این گونه کشور ها تجربه می نمایند.

در بررسی علل ، تاثیر عوامل مستقیم و غیر مستقیم بر پدیده فساد مشخص است . علاوه بر موارد پیش گفته ، برخی عوامل مستقیم بدین شرح می باشد: قوانین و اختیارات نا مناسب و نا مشخص ؛ عدم شفافیت قوانین به خصوص قوانین گمرکی و مالیاتی

و معاملات و مناقصات ؛ نیاز مالی احزاب سیاسی ؛ گسترده گی  
وظایف دولت؛ نبود قوانین جزایی؛ و نخبگان فاسد.<sup>۱</sup>

در عوامل غیر مستقیم ، دیوان سالاری ناکارآمد ؛ سطح  
دستمزد های نا مناسب ؛ عدم نظارت های سازمانی ؛ عدم کفایت  
مدیران و رفتار رهبران و مسولان جامعه را می توان بر شمرد.

در ادامه، تفکیک انواع فساد مانند فساد سیاسی ، مالی ،  
اداری و سطوح فساد ، از اهمیت خاص بر خوردار است. فساد سطح  
یک بیش تر شامل بالا نشینان یقه سفید و در سطح دوم رده های  
مختلف اداری را در بر می گیرد.

در بررسی علل، سوابق تاریخی و فرهنگی و زمینه های  
اجتماعی و شیوه روی کار آمدن دولت ها ، مباحث اصلی را تشکیل  
می دهند. در این میان، عملکرد برخی کشور هایی که عمدتاً در  
حال پیمودن مسیر توسعه بوده و موسوم به کشور های تازه صنعتی  
شده می باشند ، نشان می دهد که به رغم همه پیچیدگی ها و  
واقعیت بودن این پدیده ، میتوان تا حدودی آن را کنترل نمود.

---

<sup>۱</sup> - محمد احرار، احرار، فساد اداری و نحوه مبارزه علیه آن ، مشارو حقوقی کابل بانک، عقرب ۱۳۸۷، ص ۸۳.

## راه کار های مبارزه با فساد در کشور های روبه انکشاف

به نظر می رسد در مبارزه با فساد توجه به موارد زیر ضروری است مبارزه با فساد یک فرایند دراز مدت بوده و عنصر اصلی مبارزه در این فرایند ، اراده و عزم سیاسی است.

این فرایند نیازمند پشتیبانی از بالا و حمایت های پایین است. تغییر نگرش ها و فرهنگی نمودن موضوع ، لازمه این مسیر می باشد و در تمام این مراحل ، توجه به این که فساد یک پدیده اجتناب نا پذیر بوده و هیچ گاه به طور کامل حل نخواهد گردید، قابل توجه است.

توجه به سه مقوله مکمل مقابله عملی ، برنامه های پیشگیرانه و اقدامات علمی و فرهنگی ، لازمه موفقیت این فرایند خواهد بود .

البته حمایت راستین در برابر فساد می بایست از آموزش مدنی ، نظارتی که جامعه بر رفتار عمومی و خصوصی شهروندان خود اعمال نماید، از احساس تعهد مذهبی و وابستگی به سنت های اجتماعی و هویت های محلی حاصل شود.

فساد مالی ارتباط زیادی به نحوه عملکرد دولت در جوامع امروزی دارد و رشد فساد، ارتباط با رشد و گسترش فعالیت های اقتصادی دولت دارد. احتمال نمی رود که بدون اصلاح کارکرد دولت، فساد مالی به میزان قابل توجهی کاهش یابد. بنابر این مبارزه با فساد مالی ، رابطه نزدیکی با اصلاحات دولتی دارد.

گر چه مسئله فساد اداری و اقتصادی ، به خودی خود موضوع دیرپایی است و از صد ها سال پیش مورد بحث بوده ، اما فرصت های کار و برنامه ریزی در این مورد به تازگی فراهم شده است . در واقع ((فساد اقتصادی و اداری)) دیگر یک ((تابو)) نیست که نتوان در مورد آن سخن گفت بلکه به موضوعی تبدیل شده که سیاست گذاران ، کارگذاران اقتصادی ، سازمان های مربوط به جامعه مدنی و رسانه های جمعی ، بصورت آشکارا با آن دست و گریبان هستند. عوامل زیادی، چرایی توجه به این موضوع را روشن می کند: نخست ، از زمان پایان جنگ سرد، دولت های یاری رسان در کمک ها و همکاری های خارجی خود، تاکید کم تری بر زمینه های ایدئولوژیک داشته و بیش تر به تجارت و بازار های سرمایه

توجه دارند. این انگیزش تحمل آنها را در قبال هزینه و ریسک ناشی از فساد اداری و اقتصادی پایین می آورد.<sup>۱</sup>

کشور هایی که سطوح بالایی از فساد اداری و اقتصادی در آن ها رواج داشته ، در بازار جهانی رقابتی ، از توان و قابلیت کم تری در جذب سرمایه گذاری بر خوردارند.

سپس، حرکت به سمت و سوی دموکراسی ، شهروندان را قادر ساخته است تا از ابراز رای و آزادی های مدنی که رفته رفته به دست می آورند ( از قبیل آزادی بیان و آزادی اجتماعات و غیره ) برای مقابله با فساد بهره جسته و بر این اساس ، رهبران جامعه و رهبران مخالف ، ضرورت تقید به حرکت های ضد فساد را بیش تر در می یابند.

عده ای از محققین برای شناخت بیش تر فساد اداری و مالی، بررسی علل و ریشه ها و همچنین راه های پیشگیری و مقابله با فساد ، از دو رویکرد نهادی و اجتماعی بهره جسته اند.

راهکارهایی که برای بر طرف فساد اداری و اقتصادی بر گزیده می شوند ، تا آن جا که به بعد نهادی بر می گردد، باید

---

<sup>۱</sup> - محمد، تقی ابروند، آبادی، مالیه بین الملل، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۹، ص ۷۶.



بتوانند از دامنه سیطره و اختیارات دولت کاسته، روند حساب پس دهی را بهبود بخشند و انگیزش های کاری را اصلاح کنند.

از بعد اجتماعی نیز باید طرز تفکرات را اصلاح کرده و خواست سیاسی برای مداخلات پایدار علیه فساد را تقویت کنند. البته راهبردی که انتخاب می شود، باید مبتنی بر ماهیت فساد که با آن رو به رو هستیم و با توجه به فرصت ها و محدودیت های فرارو، شکل گیرد. به عباره دیگر لباس راهبردی باید متناسب با شرایط خاص کشور دوخته شود.

اگر فضای مناسبی برای مبارزه عملی با فساد اداری و اقتصادی وجود نداشته باشد، راهبردی که اتخاذ میشود باید بر اقدام های اجتماعی، به منظور ارتقای آگاهی های عمومی نسبت به مسئله و پیدایش یک حالت سازگار برای انجام اصلاحات متمرکز شود. این راهبرد باید نهاد هایی نظیر قوه قضائیه، پولیس، گمرکات، مجوزها، روند های تهیه و توزیع کالاها و خدمات و بخش مالیاتی، یعنی جا های که مشکل فساد بیش تر است، را هدف قرار دهد. البته همکاری با سازمان های چند جانبه، دو جانبه و سازمان های غیر دولتی نیز امری ضروری است.

## سیاست های کلیدی مبارزه با فساد

اولین گام در مبارزه با فساد سیاسی و مالی، در نظر گرفتن یک اعتقاد بی رحمانه است که نباید تصور شود اشخاص بهره مند شده از قدرت سیاسی، صدیق و قابل اطمینان هستند. لذا باید با اتخاذ یک سیاست کلیدی، اطمینان حاصل شود که فساد در یک بخش دیر یا زود با مخالفت بخش دیگر حکومت در برابر سوء استفاده واکنش نشان می داد، روبه رو خواهد شد.

مونته‌سکیو، از قضات شهر بوردو که یکی از پایه گذاران این روش بود، عقیده داشت که شرایط ضروری برای عملکرد عادلانه نهادها، شرایط زیر هستند: نخست آن که سه قوه اصلی حکومت – یعنی قوه های مقننه، مجریه و قضائیه – بایستی کاملاً جدا و مستقل از یکدیگر باشند؛ دوم کلیه تصمیم های رسمی باید مطابق با روش و اصول تعیین شده اتخاذ گردد، حتی اگر این کار موجب کندی کارهای دولت شود. دستگاه قدرت اداری نباید امکان آن را داشته باشد که با سرعت زیاد حرکت کند، زیرا تأخیر، فرصت کشف

و ختشی کردن هر گونه اقدام خود سرانه کار گزاران سیاسی را افزایش می دهد<sup>۱</sup>.

دولت های دموکرات جدید ، بر اساس همان الگوی کنترل و توازن قرن هجدهم با مسئله فساد مقابله می کنند. یعنی با اتکا بر رقابت میان نیرو های سیاسی ، آزادی اطلاعات وجدایی قدرت ها . این طرز بر خورد به عنوان الگو به حد کافی قابل قبول است.

در هر حال ، هر راهبردی جدی و اساسی که برای کاهش فساد مالی به کار گرفته می شود ، در عمل به چهار جبهه نیاز دارد:

۱- رهبران جامعه باید برای مبارزه با فساد مالی صداقت

داشته ، تعهد عملی خود را نشان داده و در مقابل فساد

مالی هیچ تسامح و اغمازی از خود نشان ندهند؛

۲- سیاست ها به گونه ای تغییر یابد که بتوان تقاضا برای

فساد مالی را از طریق کاهش مقررات و سیاست هایی

نظیر تشویق های مالیاتی ، شفاف کردن قوانین و

محدود کردن قدرت و اختیارات نا محدود مدیران -

---

<sup>۱</sup> - دوناتلا، لاپورتا، فساد و دموکراسی، ترجمه، افشین جهان دیده، پیام یونسکو، ش. ۲۵، ۳۱۳، تهران، ۱۳۷۵ه.

به طوری که این اختیارات به حد اقل برسد - کاهش داد؛

۳- کاهش عرضه فساد مالی، از طریق افزایش دستمزد کارکنان دولت، بالا بردن انگیزه برای درست کار کردن و اعمال نظارت های صحیح و موثر و حتی در مواردی تنبیه و مجازات کارکنان متخلف؛

۴- بر طرف کردن مشکل تامین مالی احزاب سیاسی به نحو ممکن سازمان بین المللی شفافیت مالی، سازماندهی دولت، داشتن برنامه همه جانبه و عمومی نیروی انتظامی خاص، بالا رفتن آگاهی و فرهنگ عمومی و ایجاد نهاد هایی به منظور مطالعه و پیشگیری از فساد مالی را به عنوان عناصری از یک فرایند درازمدت مبارزه با فساد بر شمرده است.

به اعتقاد بانک جهانی، یک استراتژی ضد فساد موثر، بر اساس ۵ عنصر کلیدی شکل می گیرد:

- ۱- افزایش پاسخ گویی سیاسی.
- ۲- تقویت مشارکت جامعه مدنی.
- ۳- ایجاد یک بخش خصوصی رقابتی.

۴- موانع نهادینه شده قدرت.

۵- بهبود و ارتقای مدیریت بخش دولتی.

۶- مطالعه کشور هایی که در مسیر مبارزه با فساد گام نهاده

اند ، نشان می دهد که در یک طرح جامع سه برنامه به

موازات هم که بطور مکمل عمل می نماید، قابل پیش بینی

است: مقابله با فساد ؛ پیشگیری؛ ارتقای فرهنگی.<sup>۱</sup>

تمرکز بر پیشگیری مهم ترین و اصولی ترین روش برای

اصلاح اساسی در ایجاد سلامت می باشد هر چند ، نتایج آن کوتاه

مدت نیست . در مرحله پیشگیری نیز متغیر های ساختاری اهمیت

داشته و مستلزم تحلیلی نظامند هستند. به علاوه می توان همانند

هنگ کنگ و سنگاپور، سازمانی را علیه فساد ایجاد کرد که فقط به

تحقیق و تفحص در باره جرم ها بسنده نکرده بلکه با همکاری اداره

های مختلف ، نیروی خود را وقف تدارک اصلاحات سیاسی و اصلاح

رویه های قضایی سازد. و بدین ترتیب ، آسیب پذیری در برابر فساد

را کاهش دهد.

پیش از هر اقدامی ، مطالعه از شرایط موجود و میزان تسری

فساد ، گلو گاه ها و منافذ دیوان سالاری و سپس اتخاذ یک راهبرد

---

<sup>۱</sup>- مسعود، شکر اللهی، ظرفیت سازی برای سلامت نظام اداری، کابل، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۸۷، ص ۱۹.

دقیق ، روشن و غیر مستقیم ضروری است. تبیین راهبرد، هر چند ممکن است یک اصل بسیار ساده و بدیهی به نظر آید ، اما بیش تر مبارزه های ضد فساد فاقد این اصل مهم است. منظور از این اصل ، ضرورت داشتن اندیشه ای روشن و دقیق از هدف های مورد نظر از این اصل ، ضرورت داشتن اندیشه ای روشن و دقیق از هدف های مورد نظر و امکانات موجود در کوتاه مدت ، میان مدت و دراز مدت بوده و این بدان معنا است که باید گونه های متفاوت را از یکدیگر متمایز کرد. باید پذیرفت که تمامی گونه های فساد به یک اندازه زیان بار نیستند حتی اگر نتوان به طور علنی به این نکته اشاره کرد. برای مثال، فساد یک قاضی یا یک مأمور پولیس زیان بار تر از فساد یک مأمور گمرک یا ممتحن آزمایش راننده گی است. به طور کلی بازرسان در تمامی سطوح ، مسولیتی خطیر تر از سایر کارمندان دارند و به همین دلیل باید پاک تر و از فساد مبرا تر باشند<sup>۱</sup>.

ایجاد نهادی مستقل برای پیگیری راهبرد ها و نظارت مستمر راهی است پیموده شده و قابل قبول، هر چند توجه به بیماری فساد گونه نظام اداری جهان سوم ضروری است . زیرا نهاد

---

<sup>۱</sup>-رشل آندریا،مبلومیادانا،فساد واشنا بازی ،پیام یوسنکو، شماره ۳۱۳،آذر،۱۳۷۵.

های دولتی جدید که به منظور درمان به وجود آمده اند، خود جزئی از بیماری می شوند.

برخی معتقدند ، تو هم خطرناکی است اگر تصور کنیم که پدیده های سیاسی را اساساً می توان با توسل به سرکوب تنظیم کرد. اعطای اختیارات کامل به پولیس و دستگاه بوروکراسی - به خصوص با تسهیلاتی که در اثر تکنالوژی جدید امکان پذیر شده است - بدین معناست که آنها را در عرصه جدید و گسترده ای معرض بد نامی و سوء استفاده قرار دهیم. این اعتقاد که با افزودن قدرت تصمیم گیری هایی نهاد هایی که بیش از همه در معرض فساد قرار دارند می توان با فساد مبارزه کرد، همان قدر بیهوده و مضحک است که آدم بخواهد برای در امان ماندن از چنگال جانوران وحشی در کنار آن ها پناه بگیرد.

### **ایجاد نهاد های مستقل مبارزه با فساد**

تشکیل نهادی مستقل برای مبارزه با فساد یک پیشنهاد مناسب برای کشور های در حال توسعه است. بسیاری از کشور ها به منظور کشف، پیگیری و مبارزه با فساد اداری ، ادارات مستقلی ایجاد کرده اند، در برخی کشور ها این ادارات هیچ گونه وابستگی

اداری و مالی به قوه مجریه و حتی اداره پولیس ندارند و کاملاً مستقل عمل می کنند. در سایر کشورها ادارات مبارزه با فساد در درون اداره پولیس و یا شهر داری ها تشکیل شده اند. چرا دولت ها با فساد اداری مانند سایر قانون شکنی ها برخورد نکرده و برای رویارویی با آنها نهاد های جداگانه ای ایجاد می کنند؟ دو دلیل مهم برای این اقدام وجود دارد. نخست، تخلفات اداری در برخی موارد بسیار پیچیده هستند و کشف آنها به تخصص های ویژه ای نیاز دارد. وجود یک اداره مستقل برای مبارزه با فساد سبب انباشت تجربه و تخصص های مورد نیاز شده و در نتیجه، به مرور زمان کارایی این واحد در امر مبارزه با فساد افزایش می یابد. دوم، استقلال این ادارات جلوی اعمال نفوذ مسولان در تحقیقات آنها را خواهد گرفت<sup>۱</sup>. بدون استقلال کافی این نهادها، مبارزه با فساد در رده های بالای دولت ناموفق خواهد بود. در عین حال حتی در مواردی که این ادارات زیر نظر قوه مجریه فعالیت می کنند فعالیت های آنها در راه تجسس و جمع آوری و اطلاعات نقش مهمی را در کشف موارد فساد ایفا می کند.

---

<sup>۱</sup>-لونیور، فلورا، فساد مالی پدیده جهانی، ترجمه بدری نیک فطرت، پیام یونسکو، ش. ۳۱۳، تهران، ۱۳۷۵.



مسئولیت و اهداف اداره های ضد فساد از کشوری به کشور دیگر فرق می کند. در شهر داری های امریکا این مراکز علاوه بر فعالیت های تجسسی و کشف فساد، به بررسی نقاط ضعف دستگاه های اداری از نظر فساد پذیری نیز پرداخته و هر سال ، خطر بروز فساد های مختلف را با توجه به روش های اداری موجود مورد ارزیابی قرار می دهند. در امریکا همچنین از روش دام گذاری کارمندان دولت و سیاستمداران ، بیش تر از سایر کشور ها استفاده می شود. در کشور های سنگاپور و هنگ کنگ ادارات ضد فساد به منبع درآمد و الگوی مصرف کارمندان دولت ، توجه خاصی نشان می دهند.

در هندوستان این ادارات موارد خرده فساد (فساد در سطوح پایین کارمندی) را نا دیده می گیرند و توان خود را برای مبارزه با فساد سیاسی و فساد مدیران عالی رتبه صرف می کنند.

علاوه به هنگ کنگ و سنگاپور ، تعدادی از کشور های دیگر همچون مالیزیا ، بوتسوانا، و ایالت نیو ساوت ولز در استرلیا نهاد های مشابهی دارند.

در زمینه نهاد مستقل مبارزه با فساد، مطالعاتی صورت گرفته و برخی این سؤال را مطرح نموده اند که آیا کمیسیون مستقل مبارزه با فساد مالی الگوی مناسبی برای انجام اصلاحات بوده است؟ در برخی کشور های دیگر، مانند بوتسوانا، مالاوی، مالیزیا، سنگاپور و ایالات نیوساوت ولز در استرالیا، کمیسیون ها و نهاد های مشابهی برای مبارزه با فساد مالی تشکیل شده است<sup>۱</sup>. باید توجه داشت که کمیسیون های مبارزه با فساد، نیاز ها و مشکلات خاص خود را دارند و گزارش تحقیق آنها صرفاً در اختیار یک نفر (مسئول عالی رتبه) قرار می گیرد. چنانچه مقام مسئول دریافت کننده گزارش ها فردی مستبد باشد، گزارش ها ابزاری برای سرکوب مخالفان سیاسی میشود. حتی اعضای کمیسیون های مزبور نیز در برابر خطرات و اتهام های احتمالی مصون نیستند. قدرت و اختیارات زیاد کمیسیون های مزبور در جوامعی که تعهد کمتری نسبت به حاکمیت و اجرای قانون در آنها وجود دارد، مورد سوء استفاده قرار می گیرد. از این رو در هنگ کنگ، برخی کمیته های نظارتی و یک مرجع قضایی مستقل بر عملکرد کمیسیون مبارزه با

---

<sup>۱</sup> - ویتواتازی، مساله فساد، فعالیتهای دولتی و بازار آزاد، بهن آقایی، اطلاعات ساینس اقتصادی

فساد مالی نظارت می کنند. یکی دیگر از مشکلات موجود در ارتباط با اجرای قانون و تغییر دید گاه های مردم ، عدم توجه به اصلاحات ساختاری مورد نیاز جامعه بوده است.

بدین ترتیب ، وجود نهادی ضد فساد راهی غیر قابل اجتناب و ضرورتی مشخص می باشد، بوتسوانا، سنگاپور ، مالیزیا، هنگ کنگ ، سنگاپور ، جمهوری خلق چین، نیجریه ، کره جنوبی و ایران د رایین جهت گام های مشخص را برداشته اند

### **نقش نظارتهای قانونی در کاهش فساد**

این نوع از نظارت ها توان لازم را در جهت کنترل بیش تر مقام های اجرایی فراهم می سازد. هر گونه تدابیر نظارتی نیازمند اقدامات ذیل است:

- کادر اداری حرفه ای؛
- کمیته های قوی؛
- استقلال بودجه ای؛
- توان قابل ملاحظه نظارت بوروکراتیک؛

گاهی اوقات بدنه های قانون گذاری در معرض اعمال نفوذ یا ارتشاء از ناحیه مقام های عالی رتبه قرار می گیرند. برنامه هایی که بتواند شیوه های قانون گذاری را بروز و متناسب نماید و جلسات کاری کارشناسی که نماینده گان پارلمان را در درک درست نقش شان در تقویت حاکمیت در عرصه ظرفیت نظارتی مدد رساند، امری بسیار ضروری به حساب می آید.

از اواخر دهه ۱۹۷۰ تاسیس دموکراسی، یا برقراری دوباره آن در بسیاری از کشورهای روبه انکشاف، اقتدار بیش تر قانون گذاری را به ارمغان آورده است. در بارزترین نمونه آن میتوان به احضار رئیس جمهور برزیل، فرناندو کولور دوملو، مبتنی بر دادخواست تقدیمی از سوی یکی از کمیسیون های پارلمان اشاره نمود. در نمونه جدید تر آن، مجلس سنای برزیل یک کمیته ویژه جهت بررسی ادعای مربوط به دخالت مقام های عالی رتبه دولتی برای تقلب در فروش اوراق قرضه دولتی، تشکیل داد. مثال دیگر آن پارلمان کویت می باشد که به نظر می رسد نقش مهم تری ایفا نموده و عملکرد خاندان سلطنتی را مبنی بر درخواست زیر میزی در خرید های مربوط به وزارت دفاع فاش ساخته است.

## قوه قضائیه سالم

تنبیهات بیش تر در زمینه تدوین قوانینی دال بر جزایی کردن فساد اداری و اقتصادی متمرکز است. معدودی از کشورها، نظیر تایلند و هنگ کنگ، پا را از این فراتر نهاده، حتی بار اثبات اتهام را بر دوش متهم نهاده اند (که با اصل برائت در تعارض است). این دولت ها معتقدند الزام دولت به اثبات نا مشروع بودن کسب مال، رویه ای نا کار آمد و غیر موثر بوده و این فرد متهم است که باید ثابت کند مال خود را به استناد مدارک و شواهد خاص، از راه قانونی کسب کرده است.

((یک نوع نظارت و کنترل مربوط است به حوزه قضایی اداری یا جزایی، در این حوزه، تاثیر و قاطعیت مجازات ها بستگی دارد به میزان استقلال قضات و بر خور داری آن ها از امکانات و ابزار های مادی و قضایی))<sup>۱</sup>

وجود قضات سالم در جهت مقابله با فساد لازم و ضروری است. با دستگاه قضایی نا سالم، مبارزه با فساد، توهمی بیش نخواهد بود. کشور های جهان سوم قادر به سالم سازی دستگاه قضایی خود

---

<sup>۱</sup> - محمد تقی ابروند آبادی، پیشین، ص ۳۹.

نمی باشند. زیرا این دستگاه نیز جزئی از نظام اداری فاسد محسوب می شوند. بنابر این ، تجربه نشان می دهد که بر گزیدن گروهی از قضات با دست های پاک همراه با تامین مالی و معنوی آنان و قرار داد آنها در کنار نهاد تشکیل شده برای مبارزه با فساد، می تواند راهکار موثری باشد.

## نظارت مدنی

بالا بردن نظارت اجتماعی و رسانه های آزاد ، عامل مهمی در جهت جلوگیری از فساد به شمار می روند. رابطه مستقیم بین فساد و عدم آزادی های سیاسی کاملاً مشخص شده است. رقابت اقتصادی و سیاسی ، شفافیت ، پاسخ گو بودن دولت و مردم سالاری، ابزار های لازم برای کنترل فساد مالی کلان – به معنای سوء استفاده از قدرت است. بسیاری از این ساز و کار ها که در مباحث مربوط به کنترل نظام یافته و درون زای فساد مالی مطرح می شود، عمدتاً همان ساز و کار هایی است که برای تعمیق و گسترش اصول مردم سالاری و مدیریت کارآمد پیشنهاد می شود.

از جمله برنامه هایی که به عنوان پیشگیری از فساد پیش بینی می گردند، بالا بردن ظرفیت برای پاسخ گویی بوده ، چرا که

پاسخ گویی به مردم یک ضرورت برای کنترل فساد است. هم حکومت های مطلقه و استبدادی و هم حکومت های مردمی می توانند شدیداً فاسد باشند و هر یک می توانند به شیوه های مختلفی پاسخ گو باشند. انتخاب می تواند سیاستمداران را محدود و مقید سازد، اما همان گونه که دیده ایم آنها ابزار های کاملی نیستند. پاسخ گویی به مردم ، حتی در کشور هایی که فاقد انتخابات هستند یا یک حزب حاکم دارند، که همیشه برنده انتخابات بوده ، امکان پذیر است. قبول این قیود و محدودیت ها برای حاکمان مستبد مشکل تر است تا برای مقاماتی که از طریق انتخابات به مسولیت دست یافته اند. اما حتی مقامات مردمی در مقابل اصلاحاتی که آنها را در معرض بررسی موشکافانه و نقادی مردم و اجتماع قرار می دهند، مقاومت میکنند. فساد را میتوان هم با ساختار ها و سازمان های درون دولت که کار های خلاف قانون را محدود می کنند کنترل کرد و هم از طریق فشار از خارج و توسط جامعه و مردم . اعمال نظارت بر قدرت سیاستمداران و نهاد های سیاسی همراه با نظارت و اقدامات مستقل از فشار های گوناگون ، می تواند راهبرد های قدرتمند برای مبارزه با فساد باشند.

مطبوعات آزاد ، نهاد های صنفی و اتحادیه ها و احزاب سیاسی رقیب ، هریک می تواند به سهم خود در کنترل انواع فساد موثر باشد. به طور کلی ، سازمان های حاضر در ((جامعه مدنی)) عبارت اند از : گروه های غیر دولتی ، سازمان های غیر دولتی ، اتحادیه های تجاری ، انجمن های تجاری ، مراکز مطالعاتی، دانشگاه ها، سازمان های مذهبی و رسانه ها . این سازمان ها به منزله رابطی میان دولت و مردم عمل کرده و می توانند نقش مهمی در تحدید فساد ایفا کنند. این مسئله هم در سطح یک کشور و هم در سطوح بین المللی صادق است . مفهوم پاسخ گویی سیاسی، به محدودیت ها و قیودی اشاره دارد که سازمان ها و حوزه های انتخاباتی (با قدرت که در اعمال تنبهاات دارند) برفتار مقامات دولتی وارد می کنند. هر چقدر میزان پاسخ گویی سیاسی افزایش یابد، هزینه مقامات دولتی برای اتخاذ تصمیماتی که برای منافع خصوصی آنها باشد، به بهای منافع وسیع عمومی نیز افزایش یافته و بدین ترتیب ، به عنوان یک بازدارنده و مانع برای اقدامات فساد آور عمل می کند.



پاسخ گویی عمدتاً متکی به موثر بودن مجازات ها و توانایی پاسخ گویی نهاد ها برای نظارت بر اقدامات ، تصمیمات و منافع خصوصی مقامات دولتی می باشد.

هر چند برخی معتقدند خنثی کردن فساد ، آن قدر به شدت عمل زرادخانه سرکوب بستگی ندارد که به وجود نظام حقیقتاً دموکراتیک ، احزاب سیاسی نیرومند، جامعه مدنی مسول ، احترام به حقوق و آزادی های همه افراد، قوه مستقل قضایی و واحد های موثر تنظیم امور مالی<sup>۱</sup>.

ارتباط بین آزادی های مدنی و کاهش فساد از طریق ابزار های مدنی مثل آزادی مطبوعات و آزادی احزاب را ، فیسمن و گاتی در مقاله خود تحت عنوان ((تمرکز زدایی و فساد : شواهد بین کشوری)) مورد بررسی قرار دادند. این مطالعه نشان می دهد که افزایش آزادی های مدنی از طریق افزایش کنترل بر فعالیت های فساد آلود دولت ، فساد را کاهش می دهد.

چهار مولفه موثر در پاسخ گویی سیاسی عبارتند از :

---

<sup>۱</sup> - همان، ص ۱۶۳

الف- رقابت سیاسی

ب- تامین اعتبار احزاب

ج- شفافیت

د- قوانین و ابزار های حقوقی

تقویت مشارکت مدنی، افزایش پاسخ گویی سیاسی و دادن امکان برای نظارت رسانه ها و نهاد های مدنی توسط دولت ها و با قوانین تضمین کننده ، می تواند در مبارزه با فساد راه حلی اساسی تلقی شود.

### **نظر خواهی از مردم**

انجام نظر خواهی در مورد درک دامنه فساد، از آحاد مختلف جامعه و صاحبان کسب و کار می خواهد که تجربه خود را در این عرصه بیان نمایند. این نظر خواهی ها ، می تواند امکان فساد در رشته های گوناگون فعالیت های اداری و یا در سطوح متفاوت دولتی را با یکدیگر ، در عرصه ملی و بین المللی فراهم سازد.

جدا از نظر خواهی های مربوط به وجود فساد، نظر خواهی های مربوط به ارائه خدمت، در مقابل ، از مردم در مورد رضایت مندی آنها از خدمات دریافتی از شرکت های عام لمنفعه ، شرکت های خانه سازی، بنگاه های مربوط به بهداشت و درمان یا آموزش سوال می کند. این پرسش نامه ها ، در حالی که کل هزینه ، زمان انتظار ، زمان مذاکره و نظایر آن را مورد سنجش قرار داده ، سخنی از ارزیابی سطح فساد به میان نمی آورد. این سنجش ها اطلاعات ارزشمندی را جهت طراحی اصلاحات ، دیده بانی و نظارت نتایج و در نهایت انعطاف پذیر بیش تر ارائه شده به شهروندان ، فراهم می کند.

## **آزادی مطبوعات**

مطبوعات می توانند طرز تفکر مبارزه با فساد را تقویت نموده و خواست سیاسی را برای انجام اصلاحات تجهیز و بسیج سازند. گزارش های تحقیقی خبرنگاران که مصادیق فساد اداری را مورد بررسی قرار می دهد، موجب می شود تا هوشیاری عمومی بر ضد فساد، نمود بیش تری یافته و فشار بر دولت در جهت انجام اصلاحات را افزایش دهد. البته صرف وجود مطبوعات آزاد برای این

منظور کافی نیست و شرط کافی ، آموزش خبرنگاران و تجهیز آنها به فنون دقیق تحقیقات مطبوعاتی است. تجربه نشان می دهد ، آزادی مطبوعات رابطه مستقیم با کاهش فساد داشته و دولت را وادار به احتیاط و بر خورد موثر می نماید.

### **برگزاری سیمینارها**

این گونه سیمینارها ، متشکل از بالا ترین سطوح دولتی و جامعه مدنی در قالب رهبران اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ، نقش به سزایی در فرهنگ سازی و ایجاد عزم سیاسی در مبارزه با فساد دارد.

وجود اجزای متعدد، تا اندازه زیادی در کاهش فساد و مراقبت رقبا از اقدام فساد انگیز موثر است.

((نظارتی صرفاً سیاسی وجود دارد که بر جاگزینی قدرت استوار است. به عبارت دیگر ، جناح های مخالف از افشای فعالیت های غیر قانونی جناح حاکم سود می برند و از آن ، در جهت افزایش امکان به قدرت رسیدن خود استفاده می کنند. فقدان یک آلترناتیو و بدیل سیاسی در دراز مدت ، عاملی است که به فساد دامن می

زند. همچنین ، ممکن است هیئت حاکمه فساد منافع و سود ها را  
میان حزب خود و حزب های مخالف تقسیم کند.<sup>۱</sup>

چنانچه احزاب در رقابت سیاسی برای کسب قدرت وارد  
شوند، به ناچار باید شعار های مورد نظر مردم را سر داده و مقابله  
با فساد را سر لوحه تبلیغات خود قرار دهند. وجود احزاب و انتخاب  
آزاد می تواند در کنترل فساد موثر باشد.

در پرتو آن ، شهروندان می توانند رای خود را از کسانی  
که در معرض فساد اداری قرار دارند، دریغ داشته به جناح مخالف  
که منتقد فساد اداری است روی آورند.

به عنوان مثال ، این پدیده در مکزیک ، تانزانیا و بلغاریا  
اتفاق افتاد است. البته شفافیت در تأمین مالی هزینه های انتخاباتی  
و چگونگی تأمین آن نیز در امر مبارزه با فساد بسیار موثر است.

از آنجا که در یک جامعه بزرگ و پیچیده ، دولت نمی تواند  
نفوذ گروه های مختلف ذی نفع را به نحو موثری مهار کند ، آسان  
تر آن بود ، که به آنها اجازه داده شود از طریق رقابت میان خود  
سوء استفاده ها را محو کنند. طبیعی است که احزاب سیاسی

---

<sup>۱</sup> - محمد صالح، ابوی، عوامل فساد اداری و راه های بیرون رفت از آن، کابل اکادمی علوم افغانستان، ۱۳۸۶، ص ۶۲

بخواهند قوانین و مقررات را برای پیشبرد مقاصد خود زیر پا گذارند؛ اما احزاب چند گانه تقبیح تخلفات رقبای خویش را بر عهده می گیرند.

## **تدوین سیاست های مناسب اقتصادی**

در بررسی، کشور های جهان سوم که موفق به برون رفت از فساد سیاسی و مالی شده اند، مشخص گردید که یکی از اقدامات موثر آنها، اتخاذ سیاست های اقتصادی و مالی بوده که زمینه را برای سالم سازی اقتصادی و کاستن از فساد های سیاسی و اقتصادی فراهم ساخته است. برخی از این اقدامات به شرح ذیل می باشند:

## **رقابت در ارائه خدمات**

این سیاست با برداشتن توان انحصاری ادارت دولتی، فرصت پیدایش فساد اداری را از میان برده و زمینه اخاذی را می کاهد. چرا که مصرف کننده اگر با مأموری مواجه شود که مطالبه غیر معمول دارد، می تواند به اداره رقیب مراجعه کند. در مورد اداراتی که محور به حساب می آیند، نظیر اداره صدور ویزه، باید در قلمرو قدرت آن ها هم پوشی ایجاد کرد و در مورد اداراتی نظیر

پست و حمل زباله ، می توان فرایند خدمت رسانی را از دو مجرای خصوصی و دولتی انجام داد. این دو راه ، دو شیوه متمایز برای رقابتی کردن عرصه خدمات تلقی می شود.

### **خصوصی سازی شفاف**

به میزانی که نخبگان قدرتمند بر تصمیمات و سیاست گذاری های دولت نفوذ دارند، عملی شدن یک بخش خصوصی شفاف، سالم ، رقابتی و عادلانه محدود شده و بدین ترتیب، توسعه اقتصادی همه جانبه به تعویق می افتد.

قابلیت تسلط بر دولت توسط منافع قوی اقتصادی را ، می توان از طریق زیر محدود کرد:

سیاست آزاد سازی اقتصادی؛

افزایش رقابت هر چه بیش تر ؛

اصلاحات قاعده مند؛

نظارت سالم؛

تشویق و ترویج اتحادیه های تجار تی ، انجمن های صنفی  
و احزاب مربوطه؛

همکاری های فرا ملی ؛

خصوصی سازی به عنوان یک راهکار برای مقابله با فساد در تمامی برنامه های مقابله و پیشگیری از فساد مورد توجه بوده است. خصوصی سازی می تواند با خارج کردن دارایی های خاصی از کنترل دولت و تبدیل اقدامات صلاح دیدی مقامات به انتخاب های مبتنی بر محرکه های بازار توسط بخش خصوصی ، از فساد بکاهد. اگر چه فرایند انتقال دارایی ها به مالک خصوصی همراه با فرصت های فاسد است. بسیاری از انگیزه های فاسد، قابل مقایسه با انگیزه های فاسدی است که از اعطای قرار داد ها و امتیازات دولتی به اشخاص خاصی ناشی می شوند. تجربه نشان داده است که هر چه دولت ها بزرگ تر و با اختیارات گسترده باشند، زمینه های فساد در آن ها بیش تر خواهد بود.

با کاهش دامنه فعالیت اقتصادی دولت، بسیاری از مفاسد نهفته در اختیار مقامات دولتی کاهش می یابد. مفاسد ناشی از مزایده، مناقصات بی حساب، تهیه و توزیع کالا، انتخاب و تامین



مالی پیمان کاری ها و موادی از این قبیل فروکش می کند. البته روند خود خصوصی سازی هم به نوبه خود می تواند آسیب هایی در این میان فراهم آورد؛ بنابراین باید شفافیت و ضوابط نظارتی و مقررات خصوصی سازی فقط رانت جویی را از بخش عمومی به بخش خصوصی منتقل می کند که خطرناک تر است. در واقع، در بسیاری از کشور های در حال توسعه به علت نبود مقررات لازم یا ضعف نهاد متولی، واگذاری انحصار های دولتی به انحصار های خصوصی تبدیل می شوند.

### **تعیین حقوق و دستمزد مناسب**

عادی ترین برنامه کنترل رشوه خواری ، از جمله استفاده از انگیزه های رسمی با پرداخت صرفاً دستمزد های ثابت بسیار بالا به بوروکرات هایی است که در معرض احتمال ارتکاب فساد هستند. این واقعیت اگر توأم با مجازات هایی همچون جریمه یا استخدام با دستمزد های پایین تر و احتمال توقیف خلافکاران باشد ، انگیزه های مناسبی برای انجام اعمال درست بوروکرات های دولتی به وجود خواهد آمد. این امر منشأ منطق پرداخت دستمزد های بالا در کل کشور های جهان است . هر چند رابطه مشخص بین دستمزد

و فساد سطح یک ، شاید قابل مشاهده نباشد، اما در دولت های جهان سوم بین فساد های سطح دوم و دستمزد ، رابطه کاملاً معنی دار مشاهده می شود. برخی ، حقوق مناسب در ایام بازنشستگی و حسن شهرت را نیز از جمله عواملی دانسته اند که مستخدمین را در نپیوستن به فساد کمک خواهد نمود. معمولاً انگیزه های غیر رسمی ، شکل علایق حرفه ای را در کار گزاران به خود می گیرد که درآمد و مشاغل آینده آنها وابسته به شهرتی است که در هنگام تصدی مقام به دست می آورند. مثلاً حقوق بازنشستگی یا شهرت را می توان به مثابه وجه الزامی تلقی کرد که (بخش عمومی) به نام سیاستمداران ثبت کرده و در زمان انجام هر اشتباه در طول دوره عقلانی شدن تقدم و اولویت بخش عمومی برای سیاستمدارانی که پس زمینه حیثیتی یا ارزشمندی دارند، تلقی شود.

نظام های مدیریت منابع انسانی در کشور های روبه انکشاف باید استخدام های جدید ، اعمال برنامه های بازنشستگی ، بازخریدی و حذف کارکنان ((شبح گونه )) را در دستور کار خود قرار دهند. همچنین می توانند شرایط شایسته سالاری را برای احراز شغل اعمال نموده و در کنار آن ، مقرراتی را برای مبارزه با پارتی بازی و رابطه بازی تنظیم نمایند.

همچنین با نظام های آموزش ورود و حین خدمت، به ترتیب کادر مستخدم همت گمارند. نظام های جبرانی را عملکردمدار و حرفه ای مدار کنند. ضمن آن که حد اقل معیشت کارکنان در نظر گرفته شود، با برقراری نظام پاداش ، اطمینان حاصل کرد که کارمندان شایسته فراهم شود. بخش از تأمین مالی این برنامه از طریق کاهش نیروی انسانی موجود و افزون بر درآمد کارکنان کار آمد و سالم امکان پذیر می شود. کشور غنا در این راستا در دهه ۱۹۸۰، یک سری اصلاحاتی را در بخش مالیاتی انجام داد و اکثر کارمندان خاطی را اخراج یا بازنشسته کرد. دستمزدها و شرایط کاری را نیز بهبود بخشید و برای سازمان مالیاتی اهداف درآمدی تنظیم شد که بر اساس آن، ۳/۵ در صد درآمد های مالیاتی ۲/۵ در صد از درآمد های گمرکی را به بخش مالیاتی اختصاص در نتیجه این اصلاحات ، درآمد های گمرکی و مالیاتی این کشور از ۶/۶ در صد ناخالص داخلی در ۱۹۸۴ به ۱۲/۳ در صد در ۱۹۸۸ افزایش داد.

## شفافیت در فعالیت های اقتصادی

فعالیت های اقتصادی دولت در کشور های روبه انکشاف غیر شفاف بوده و به تعبیری ، غالب تصمیمات اقتصادی و مالی در حاشیه و اتاق های دربسته صورت می گیرد. عدم دسترسی افراد به اطلاعات، یکی از نابرابری های مرسوم در کشور های توسعه نیافته بوده و زمینه ساز قدرتمند شدن نخبگان درون دولت و زدوبند آنها با بخش های اقتصادی نا سالم می باشد.

از این رو ، اقداماتی به شرح ذیل برای شفاف نمودن فعالیت ها ضروری است.

۱- آزادی مربوط به ضوابط و مقررات

۲- آزادی اطلاعات

## شفافیت در امور مالی و بودجه

شفافیت در امور مالی کارمندان دولت بسیار مهم است. در بسیاری از کشور ها ، این قانون وجود دارد که کارمندان عالی رتبه باید در بدو تصدی پست و در هنگام تحویل پست ، دارایی های خود را اعلام کنند. برخی از کشور ها نظارت سالانه در تحولات

دارایی ها کارمندان عالی رتبه را الزامی کرده اند. البته، گرچه این قوانین به طور شکلی در کشور های روبه انکشاف وجود داشته اما باز هم ، دسترسی عمومی به این اطلاعات و یا بررسی صحت و سقم ادعاهای مطرح شده خود مشکل جداگانه ای است.

### **سپردن کار به اهل کار**

یکی دیگر از استراتژی های مبارزه با فساد شامل اصلاحات در مدیریت داخلی منابع و تقسیمات دولتی است که فرصت ها و انگیزه های فساد را کاهش می دهد.

انتخاب مدیران توانمند و انتساب هایی که ناشی از خویشاوند سالاری ، حامی پروری و آقا زادگی نباشد، می توان از میزان فساد کاسته و مبارزه با آن را تسهیل نماید. ضعف مدیریت و ناکار آمدی آنان به فرض سالم بودن آنها ، منجر به عدم نظارت و کنترل می گردد. علاوه بر آن ، مدیران ضعیف خود به حلقه ای از زنجیره فساد دیوان سالاری تبدیل می گردند.

## **بلند بردن سطح تعلیمی و فرهنگی مردم**

کارکنان دولت باید در سطوح مختلف ، آموزش های لازم را فرا گیرند. به طوری که آنها را قادر به درک مفهوم فساد (از نظر دولت ها ) و همچنین قوانین جزا نماید. بالا بردن فرهنگ عمومی و نشان دادن این نکته که مبارزه با فساد ، نیازمند یک اهتمام عمومی بوده و ساختن فضای جامعه به نحوی که پدیده فساد به عنوان یک ناهنجاری و ضد ارزش در نزد همگان تلقی شود.

## **همکاریهای بین المللی**

امروزه از چند جهت ، فساد از مرز های ملی دولت ها فراتر رفته و اختیارات واحد های ملی در برخی موارد تکاپوی مقابله را نمی نمایند.

برخی از عوامل این پدیده ها عبارتند از :

- وجود رقابت بین شرکت های بزرگ تجاری و صنعتی ، میل به جذب مشتریان کشور های روبه انکشاف را از طریق ممکن افزایش می دهد.

- مقامات سیاسی ارشد در کشور های روبه انکشاف ، معمولاً حساب های بانکی یی در خارج از کشور بر قرار می سازند. این حساب ها بیش تر توسط شرکت های پیش گفته پر می شوند.
- مأموران خرید، که اکثر از کارمندان عالی رتبه می باشند، معمولاً با درخواست های پورسانت به سراغ شرکت های خارجی و عمدتاً جهان اولی می روند.
- تجارت مواد مخدر مرز های ملی را در نور دیده و یک تجارت کاملاً بدون مرز تلقی می شود.
- پدیده پولشویی به علت نظام بیمار اداری و سیستم های اقتصادی زیر زمینی و غیر کنترل شده ، عمدتاً در کشور های روبه انکشاف صورت می گیرد.

دلایل فوق وجود همکاری و تبادل اطلاعات فراملی را ضروری می سازد. به نظر فلورا لوئیس : (( یک همکاری بین المللی به منظور مبارزه با جرم که همانند تجارت ، مرزی نشناسد ، ضروری است . از آن جا که مسئله فساد در راس پول بوده و در این گونه کار ها ، پول های هنگفتی در جریان است، می توان به کمک شبکه های اطلاع رسانی ، نظارتی دقیق را اعمال کرد. چه این شبکه های اطلاع رسانی هر روز دوازده مرکز بزرگ مالی و د رمقیاسی جهانی

، بر داد و ستد هایی بالغ بر صد ها میلیارد دلار نظارت دارند. بدون شک برای شناسایی و پیگرد تمامی داد و ستد های مشکوک، ضروری است که توافقی میان دولت ها ، بانک های بزرگ و غول های صنعتی و تجاری انجام گیرد.<sup>۱</sup>

### تاثیر فساد بالای فعالیت های اقتصادی

فساد تمام عرصه های زنده گی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را متاثر ساخته و زمینه سرمایه گذاریها را چه در سکتور دولتی و چه در سکتور خصوصی کاهش میدهد. فساد سیاست های اقتصادی را از مسیر اصلی آن منحرف ساخته و به بیراهه سوق میدهد. فساد عواید و مصارف دولت و افراد را دیگرگون ساخته و به راه های نا مطلوب سوق میدهد که در ادامه به توضیح هر یک از این بخش ها پرداخته میشود.

### تاثیر فساد بالای پلان های انکشافی

بانک جهانی، فساد را بزرگ ترین مانع توسعه اجتماعی و اقتصادی تعریف کرده است . فساد با تحریف مقرارت قانونی، توسعه

---

<sup>۱</sup>- همان، ص ۱۱۲



را تخریب و بنیان های نهادینه ای را که رشد اقتصادی بدان وابسته می باشد، تضعیف می کند.

در تاثیر مخرب فساد، بیش ترین تأثیر بر روی مردم فقیر است که شدید ترین ضربه را از رکود اقتصادی متحمل می شوند. فساد همچنین ، مانع تحقق برنامه ها و سیاست های کاهش فقر است.

بررسی ها نشان می دهد که فساد، بر روند توسعه و برنامه های آن تاثیرات متفاوت داشته و در مجموع ، دست یابی به اهداف توسعه را دشوار تر می نماید.

مطالعه صورت گرفته در برنامه عمران ملل متحد، فساد اداری را مانع عمده رشد و توسعه ملی کشور ها به ویژه در ابعاد اقتصادی و انسانی قلمداد می کند. در همایش سه روزه ای که تحت عنوان سومین کارگاه یکپارچه گی حکومت در ممالک آسیایی در سال ۱۳۷۷ در کشور تایلند بر گزار شد ، تاثیرات فساد اداری به شرح ذیل معرفی گردید؛

- کاهش سرمایه گذاری داخلی؛
- کاهش سرمایه گذاری خارجی؛

- کاهش در آمد های دولت؛
- کاهش بهره وری سرمایه گذاری های عمومی؛
- کاهش سطح خدمات اجتماعی به ویژه برای افراد فقیر و کم در آمد؛
- افزایش هزینه زنده گی
- افزایش قیمت ها ؛
- کاهش رشد اقتصادی و جو رقابت اقتصادی
- افزایش بیش تر فساد<sup>۱</sup>

از سوی دیگر ، معمولاً همزمان با آغاز اقداماتی برای اجرای برنامه های توسعه و رشد اقتصادی، جامعه از جنبه های هنجاری و نوع نگاه ، دارای تحولاتی میگردد. ثروت در حجم و اشکال جدید در نهاد های دولتی، خصوصی و اجتماعی به گردش در آمده و طبقات نوین اقتصادی به وجود می آیند.

انجام پروژه های اقتصادی و عمرانی ، حضور سرمایه گذاران خارجی و گسترش داد و ستد تجاری با جهان خارج ، نیازمندی کشور های جهان سوم به وام های خارجی و سرمایه گذاری بانک

---

<sup>۱</sup>- شیرعلی، تزی، عوامل و پیامدهای اقتصادی فساد اداری، مجموعه مقالات سمینار عوامل فساد اداری و راه های بیرون رفت از آن، اکادمی علوم افغانستان، ۱۳۸۶، صص ۱۰۲-۱۳.

ها و موسسات مالی خارجی ، در کنار تمرکز و تصمیم گیری در نخبگان سیاسی و سپس کارمندان دولت و نیز اختیارات گسترده متصدیان دولتی و وجود مجوز های مختلف برای هر گونه فعالیت اقتصادی وموارد متعدد دیگری از این قبیل ، خود به خود زمینه های فساد آمیز مالی و اشکالی از فساد سیاسی را برای کارمندان عالی رتبه به وجود می آورند. به دنبال این زمینه ها ، کارکنان در رده های مختلف اداری نیز به نوعی خود را از این طریق متنفع می سازند.

### تاثیر فساد بر شکاف اجتماعی

دوگانگی اقتصادی و شکاف بین فقیر و غنی از جمله خصوصیات کشور های جهان سوم میباشد. مطالعات صورت گرفته در چند کشور توسعه نیافته حاکی است که فساد مالی این روند ها را عمیق تر و اختلافات را گسترده تر نموده در نتیجه فساد ، افراد بیشتری دچار محرومیت میگردند. این محرومیت میتواند ناشی از فشار دولت مردان فاسد بر اقشار پایین دست و گشاده دستی در مقابل افراد توانمند که با دادن رشوه از فشار های قانونی مانند مالیات و عوارض گوناگون فرار مینمایند، صورت گیرد. بر اثر هزینه

های فساد مالی ، سیاست های معقول توسعه و توزیع مجدد منابع و درآمد بین گروه ها و اقشار فرو دست به شدت تضعیف میگردد.

## تاثیر فساد بالای سیاست های اقتصادی

وقتی سخن از وجود دور باطل فساد و توسعه نیافته گی بوجود میاید ، بارز ترین وجه آن را در سیاست های اقتصادی توسعه نیافتگی و فساد ، میتوان مشاهده نمود.

کشور های جهان سوم بطور عمده با بهران های اجتماعی از قبیل بیکاری و فقر گسترده مواجه هستند. بیکاری با نرخ بالای ۱۵٪ و بهران های سیاسی ناشی از آن منجر به کار گیری غیر مفید و زاید در بخش های دولتی یا وابسته به دولت میگردد.

از سوی دیگر فقر اقشار وسیعی از مردم ، موجب اتخاذ سیاست های حمایتی و ارائه سوبسید میشود. سیاست های از قبیل چند نرخى بودن ارز ، محدود سازی واردات ، ارائه خدمات اجتماعی و فرهنگی با نرخ پایین و موارد از این قبیل ، موجب بروز فساد در سطوح اول و دوم میشود.

به عنوان مثال با توجه به اینکه نان گندم ، غذای اصلی اغلب کشور های روبه انکشاف است ، دولت های این کشور ها

سوبسید های قابل توجهی را به این امر اختصاص می دهند. نگاهی به فرایند سوبسید در گندم شاهد بسیار جالبی از فساد در هر دو سطح بدست می دهد.

در فساد سطح اول ، خریدار خارجی با پورسانت و خریدار داخلی با رشوه ناشی از تفاوت قیمت رو به رو میشوند. در فساد سطح دوم از سیلو های نگهدارنده تا آسیابان ، راننده گان حمل کننده و در نهایت نانوایان با فروش آرد های سوبسید دار به قیمت آزاد ، چرخه ای از فساد را تشکیل می دهند.

رابطه مستقیم بین فساد و رشد در کشور های روبه انکشاف قابل مشاهده است.

((از این منظور شکست در تحقق رشد را میتوان به یک یا دو بیمار گونگی زیر نسبت داد. یکی از آنها ، بیمار گونگی ((اقتصاد بسته )) است. که دولت ها از طریق کاهش دسترسی به سرمایه خارجی ، تجهیزات سرمایه ای و کالا های واسطه ای وارداتی ، موجب تضعیف پیشرفت تکنالوژی میشوند. دومین بیمار گونگی ((فساد)) است که رهبران سیاسی به حقوق مالکیت احترام نمی گذارند و آگاهانه شرایط را بخاطر ثروت اندوزی های خود و بسته گان شان آشفته و گل آلود

مینمایند. درمان های طبیعی این بیمار گونگی ها عبارت اند از :  
((آزادی اقتصادی و تدبیر بهتر)).

((اقتصاد زیر زمینی)) مفهومی است که در کشور های روبه  
انکشاف رایج بوده و این نوع اقتصاد به طور اجتناب نا پذیر با فساد  
مالی و سیاسی در هم تنیده میشوند.

منظور از اصلاح اقتصاد زیر زمینی. (( هر فعالیت اقتصادی  
است که در حاشیه قوانین جزایی ، اجتماعی و عملیاتی انجام گیرد  
، به عبارت دیگر فعالیت که در آمار درآمد سالانه ثبت نشود.)) این  
تعریف شامل دو نوع اقتصاد زیر زمینی است: اقتصاد پنهان ، و  
اقتصاد پایاپای و خود گردان.

اقتصاد پنهان شامل فعالیت های غیر قانونی بیشمار و  
متنوع سود آور همچون خرید و فروش مواد مخدر ، قاچاق، دلالی،  
فساد ، کلاهبرداری مالیاتی ، تقلب و غیره میباشد. در تمام موارد،  
این فعالیت ها که به دلیل غیر قانونی بودن پنهان ، و در مقابل پول  
ساز نیز هستند، با کلاهبرداری و فرار از مالیات ، وضعیت اقتصادی  
شخصی را که مبادرت به این کار ها نموده بهبود میبخشند. اقتصاد  
به اصطلاح پایاپایی از اقتصاد پنهان کاملاً متفاوت است.

چون بنابر تعریف ، فقط شامل فعالیت های قانونی بوده و تنها فصل مشترک آن با فعالیت های اقتصاد پنهان ، آن است، که در آمار گیری های اقتصاد رسمی وارد نمیشوند . زیرا در این فعالیت ها پول مبادله نمیگردد. فعالیت های اقتصاد پایاپای نیز متنوع است

دستمزد های نا مطمین ، شرایط اغلب دشوار کاری ، بی سوادی یا بر خور داری اندکی از آموزش ، همه و همه دام های اقتصاد غیر رسمی و زیر زمینی است. همچنین توسعه اقتصاد زیر زمینی با نوع عدم تعهد دولت همراه میشوند. اتخاذ چنین سیاست هایی کناره گیری دولت در کشور هایی که در آنها دموکراسی موجود نیست یا ضعیف است ، میتواند خطرناک باشد. به عبارت دیگر ، میتواند به قدرت یابی روز افزون گروه های مافیایی منجر شود، گروه هایی که قادرند هم به قدرت دولت آسیب رسانده و هم حقوق پایه ای شهروندان را زیر پا گذارند. مختصر آنکه ، اقتصاد زیر زمینی در فقیر ترین کشور ها تا حدود اشتغال زاست. و ضامن نوع همبسته گی و وحدت خانواده گی ، اما توسعه فزاینده آن ، چه برای اقتصاد و چه برای نظام سیاسی این کشور ها خطر واقعی به شمار میرود.

اقتصاد زیر زمینی در جهان سوم ، منجر به روند گردیده است که شبکه های مافیایی جهان اول و قاچاقچیان بین المللی ، در اقتصاد زیر زمینی موجود در جهان سوم برای پاک سازی دلار های حاصل از قاچاق مواد مخدر و فرار از پیگرد قانونی ، استفاده نمایند. شبکه ها و مدار های مالی بین المللی در این رابطه پدید آمده که در آنها بانکداران ، دلالان سهام ، تاجران ، وکیلان و سیاست مداران جهان سومی در گیر شده و نوعی از فساد سطح اول را به وجود آورده اند.

### **تاثیر فساد بر سرمایه گذاری**

فساد مالی و سیاسی از جنبه های مختلف به سرمایه گذاری در کشور های در حال توسعه تاثیر میگذارد. مهمترین تاثیر فساد را میتوان در این نتیجه از روند فساد آمیز مشاهده نمود که در میان مدت ، سرمایه گذاری های عمومی کاهش یافته و عمده سرمایه های موجود در جامعه ، به سوی بخش های فاقد بهره وری که زمینه اختلاس ، پول های باد آورده و فرار از پیچ و خم های ناشی از اعمال فساد در آنها بیشتر بدست میاید ، سوق داده میشوند.



تاثیر فساد مالی بر مخارج عمومی در چند پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. در نگاه اول، انتظار میرود که بالا بودن سطح فساد، کل فرایند تصمیم‌گیری مربوط به پروژه‌های سرمایه‌گذاری عمومی را مختل کند. تخصیص دهنده‌گان منابع ممکن است با ترجیح دادن پروژه‌های بزرگ و سرمایه‌بر و کنار گذاشتن پروژه‌های زیربنایی اجتماعی کوچکتر، فرصت‌های بهتری برای کسب درآمد‌های غیر قانونی بدست آورند. نمونه‌های واقعی این فرضیه را تایید میکند.

فساد در کنار قوانین نا کارآمد و مشکل‌ساز بطور مکمل عمل کرده و موجب پدید آمدن بخش‌های غیر شفاف، غیر رسمی و به اصطلاح زیر زمینی در اقتصاد میگردد. نخستین پیامد چنین اتفاقی، عدم سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد و عدم استقبال از سرمایه‌گذاری‌های تولیدی و صنعتی است.

سطوح بالای از فساد به سطوح پایین سرمایه‌گذاری و رشد مرتبط میشوند. فساد، کارآمد بودن سیاست‌های صنعتی را کاهش داده و فعالیت‌های اقتصادی را در بخش‌های غیر رسمی و آنهم به منظور نقض مالیات و قوانین نظم‌بخشی ترغیب میکند.

سرمایه گذاری مستقیم خارجی با وجود سطح بالای فساد کاهش میابد. اقتصاد های آسیایی مستثنی نیستند. آنهایی که سطوح بالای فساد دارند ، میتوانند سرمایه گذاری مستقیم خارجی بیشتری را جذب کنند. اگر ، فساد کمتر و سیاست های صنعتی کار آمد تری داشتند.

تاثیر فساد صرفاً بر سرمایه گذاران داخلی محدود نمیگردد، سرمایه گذاران خارجی که با کارمندان ذیربط در ارتباط میباشند معمولاً دچار سر در گمی بوده و در هر آن مترصد به هم خوردن قرار داد ها و زد و بند هایی که هزینه های زیادی بر آنها تحمیل خواهد نمود میباشند. روند تشدید کننده دیگر ، خروج سرمایه های بدست آمده ناشی از فساد ، توسط نخبه گان قدرت به خارج از کشور و خارج کردن آنها از چرخه تولید و سرمایه گذاری است. کارمندان سطوح پایین تر نیز درآمد های ناشی از فساد را بیشتر صرف تقاضا های کاذب خود خواهند نمود تا پس انداز .

بدون تردید اختلال های فوق روند سرمایه گذاری و رشد اقتصادی را کاهش میدهد. مورو طی بررسی که در سال ۱۹۹۷ م در مورد ۹۴ کشور انجام داد ، به این نتیجه میرسد ۲/۳۸ در صد کاهش در شاخص فساد ، سهم سرمایه گذاری در تولید ناخالص

داخلی را ۴ در صد افزایش میدهد. در بخش از گزارش بانک جهانی در خصوص توسعه اقتصادی جهان که در سال ۱۹۹۷ م منتشر شد فصل ، تحت عنوان (( جایگاه حکومت در یک جهان در حال تغییر )) به رابطه بین فساد و سرمایه گذاری میپردازد. و سطح فساد را به قابلیت پیش بینی پرداخت ها و پیامد ها مرتبط ساخته و بیان میکند که در کشور های که سطوح فساد بالا بوده اما قابلیت پیش بینی پرداخت ها و پیامد ها پایین است ، سرمایه گذاری کاهش شدید پیدا میکند. این وضعیت در کشور های رو به انکشاف به وفور مشاهده میشود.

### تاثیر فساد بر مصارف

وجود فساد باعث می شود هزینه های توسعه به دلایل مختلف افزایش یابد. در صورت پایین بودن با فقدان پدیده فساد ، به طور طبیعی پروژه های اقتصادی بیش تری فرصت اجرا می یابند. در صد قابل توجهی از بودجه جاری و عمرانی کشور های روبه انکشاف و نیز در آمد ارزی این کشور ها در روند فساد حیف و میل می گردند. از این رو فرصت های کم تری برای سرمایه گذاری پدید می آید. مسولان فاسد، اولویت خود را در انتخاب پروژه ها ، بر اساس میزان دست یابی خود به ثروت بیش تر قرار خواهند داد تا بر اساس

اولویت های صحیح اقتصادی و اجتماعی ، بر این سیاق، دستاورد های این گونه کشور ها و سرمایه گذاری های مجدد فراهم گردد، کاملاً ضعیف خواهد شد . پروژه های عمرانی و صنعتی از نظارت دقیق خارج شده و کارمندان فاسد با دریافت رشوه معمولاً صحنه بر اقداماتی می گذارند که دور از واقعیت بوده و یا هزینه هایی را مورد تایید قرار می دهند که واقعی نمی باشند. بدین شکل هزینه های توسعه بطور نامعقولی افزایش می یابد. آثار زیانبار این روند پس از اتمام پروژه ها بار دیگر نمایان شده و پروژه ها عمدتاً غیر اقتصادی ، زیان ده و غیر استاندارد ساخته و تمام می گرداند. سرمایه گذاران خارجی معمولاً در صد مشخص سود را برای مشارکت های خود در نظر می گیرند و هر چه میزان رشوه ((رشوت)) افزایش یابد، به طور طبیعی بر قیمت ها و هزینه های مشارکت تاثیر گذار خواهد بود . بدین شکل به نوعی دیگر، هزینه های توسعه فزونی میابد.<sup>۱</sup>

## تاثیر فساد بر فعالیت های سکتور خصوصی

فساد و ضعف حکومت از رشد اقتصادی کاسته و مانع پیشرفت بخش خصوصی کارآمد و سالم می شود . برای اثبات این

---

<sup>۱</sup> - شیرعلی، تیزی، عوامل و پیامدهای اقتصادی فساد اداری، مجموعه مقالات سمینار عوامل فساد اداری و راه های بیرون رفت از آن، اکادمی علوم افغانستان، ۱۳۸۶، ص ۱۰۶.

موارد به سه نمونه زیر استناد می شود: در سال ۱۹۹۵، در تحقیقی از ۲۰۰ شرکت تولیدی و تجاری پاکستان، مشاهده شد که فساد مالی و جنایت چهارمین مشکل عمده آن ها بوده است. ۷۸٪ افراد اظهار داشتند که به مقام ها رشوه داده اند مبلغ پرداخت شده به مقام ها از ۱۲۵۰۰۰ تا ۶۲۵۰۰۰ روپیه -حدود ۴۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰۰ دالر - در نوسان بوده است. مبالغ رشوه به عنوان بخشی از فروش نا خالص، برای شرکت های بسیار کوچک بیش ترین میزان (۲/۴۵ در صد)، برای شرکت های کوچک و متوسط کم تر و برای شرکت های بسیار بزرگ بیش تر بوده است. از تحقیق مزبور می توان چنین نتیجه گرفت که رشوه خواری مانع بزرگ برای شرکت های بسیار کوچک و نو پا بوده و در عین حال نوعی مالیات متناسب اما غیر مفید بر فروش شرکت ها در حال گسترش است.

بر پایه این تحقیق، دستگاه های اجرایی دولتی مانند دارایی، کار و گمرک، بیش ترین موانع را برای شرکت ها ایجاد کرده اند. فساد مالی و رشوه خواری ۸۰٪ مشکلات و آزار و اذیت، مجادله، کاغذبازی و مسامحه کارکنان، ۲۰٪ را تشکیل می داده است. سازمان دارایی و مالیات مزاحمت و درد سری به اندازه خود مالیات های دریافتی ایجاد کرده است. کارگزاران و مسولان اداره

کار افرادی تنگ نظر، تلف کننده وقت افراد و رانت جو تلقی شده اند. علاوه بر این، شرکت ها از تاخیر طولانی و بالا بودن نرخ حقوق و عوارض گمرکی شکایت داشته و معتقد بودند که این مشکلات بگرنج تر از فساد مالی و رشوه خواری است زیرا، رشوه خواری حد اقل راهی برای حل مشکلات و بر طرف کردن موانع است.

صاحب منصبان که پس از دوران استقلال در کشور های رو به انکشاف به قدرت رسیدند، معمولاً اقدام به دولتی کردن بخش های اقتصادی فعال در رژیم گذشته نمودند. حتی تعدادی از کشور های رو به انکشاف که کودتا و یا اتفاقات شبه انقلابی در آن ها رخ داد نیز در این روند اقدام نمودند. تعدادی از کشور ها یا پس از انقلاب های اجتماعی و یا بر اثر طرفداری از نظام های سوسیالیستی بلوک شرق، اقدام به دولتی کردن اقتصاد در کشور های رو به انکشاف نمودند. به طور کلی اغلب کشور های رو به انکشاف با اقتصادی تمرکز گرا و دولتی روبه رو هستند. حتی رژیم های خاندانی و پادشاهی نیز به رغم نزدیکی به جهان غرب، از این دور مستثنی نیستند. بدین ترتیب در فرایند توسعه، خصوصی سازی به عنوان یک برنامه متداول در کشور های رو به انکشاف مورد نیاز بوده و اجرا می گردد.

روند خصوصی سازی یکی از اشکال فساد آمیز در کشور های روبه انکشاف شناخته می شود. معمولاً وقتی که شرکت های بزرگ خصوصی می شوند، روش قابل اتکایی برای ارزش گذاری دارایی آنها وجود نداشته و رژیم مالیاتی و مقرراتی که از قبل حاکم بوده ممکن است مورد تخطی و اغماض واقع شوند. نا اطمینانی موجود در این فرایند، فرصت هایی را برای دادن امتیاز و مساعدت به مسولین و مقامات فاسد از طریق دادن اطلاعاتی که در اختیار جامعه نیست و ارائه اطلاعات پیش هنگام در مقابل پرداخت رشوه، یا بر خورداری ویژه ای با شرکت های فاسد در فرایند مزایده، فراهم می آورد. حتی فرایند ارزیابی های که روابط نزدیکی با شرکت های چند ملیتی دارند و در صدد ارائه پیشنهاد برای دارایی ها هستند آلوده به فساد شود. در موارد افراطی نه ارزیابی صورت گرفته و نه مزایده بر گزار می شود. بنگاه اقتصادی به سهولت به کسانی اعطا می شود که بهترین ارتباطات سیاسی را دارا باشند: ((فروش ها در قیمت های اعلام نشده، آن هم به خریداران مشکوک، همچون سیاستمداران حزب حاکم و کسانی که فاقد تجربه فعالیت های اقتصادی هستند، صورت گرفته اند.))

خصوصی سازی یک روند گریز ناپذیر بوده و برای خروج از بن بست تمرکز گرایی فساد آمیز، راهی به جز خصوصی سازی و کوچک کردن دولت وجود نخواهد داشت. از این رو خصوصی سازی را می توانیم به عنوان یک برنامه اصلاحی برای مقابله با فساد قلمداد نماییم. لکن این روند اصلاح آمیز خود وقتی به دست افراد فاسد صورت گیرد، به یک منبع بالقوه جدیدی برای ایجاد درآمد های فاسد تبدیل خواهد شد.<sup>۱</sup>

### تاثیر فساد بالای فعالیت های اقتصادی

فساد تمام عرصه های زنده گی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را متاثر ساخته و زمینه سرمایه گذاریها را چه در سکتور دولتی و چه در سکتور خصوصی کاهش میدهد. فساد سیاست های اقتصادی را از مسیر اصلی آن منحرف ساخته و به بیراهه سوق میدهد. فساد عواید و مصارف دولت و افراد را دیگرگون ساخته و به راه های نامطلوب سوق میدهد که در ادامه به توضیح هر یک از این بخش ها پرداخته میشود.

---

<sup>۱</sup> - همان، صص ۱۰۷-۱۰۸



## تأثیر فساد بالای پلان های انکشافی

بانک جهانی، فساد را بزرگ ترین مانع توسعه اجتماعی و اقتصادی تعریف کرده است. فساد با تحریف مقررات قانونی، توسعه را تخریب و بنیان های نهادینه ای را که رشد اقتصادی بدان وابسته می باشد، تضعیف می کند.

در تاثیر مخرب فساد، بیش ترین تأثیر بر روی مردم فقیر است که شدید ترین ضربه را از رکود اقتصادی متحمل می شوند. فساد همچنین ، مانع تحقق برنامه ها و سیاست های کاهش فقر است.

بررسی ها نشان می دهد که فساد، بر روند توسعه و برنامه های آن تاثیرات متفاوت داشته و در مجموع ، دست یابی به اهداف توسعه را دشوار تر می نماید.

مطالعه صورت گرفته در برنامه عمران ملل متحد، فساد اداری را مانع عمده رشد و توسعه ملی کشور ها به ویژه در ابعاد اقتصادی و انسانی قلمداد می کند. در همایش سه روزه ای که تحت عنوان سومین کارگاه یکپارچه گی حکومت در ممالک آسیایی در

سال ۱۳۷۷ در کشور تایلند بر گزار شد ، تاثیرات فساد اداری به شرح ذیل معرفی گردید؛

- کاهش سرمایه گذاری داخلی؛
- کاهش سرمایه گذاری خارجی؛
- کاهش در آمد های دولت؛
- کاهش بهره وری سرمایه گذاری های عمومی؛
- کاهش سطح خدمات اجتماعی به ویژه برای افراد فقیر و کم در آمد؛
- افزایش هزینه زنده گی
- افزایش قیمت ها ؛
- کاهش رشد اقتصادی و جو رقابت اقتصادی
- افزایش بیش تر فساد<sup>۱</sup>

از سوی دیگر ، معمولاً همزمان با آغاز اقداماتی برای اجرای برنامه های توسعه و رشد اقتصادی، جامعه از جنبه های هنجاری و نوع نگاه ، دارای تحولاتی میگردد. ثروت در حجم و اشکال جدید

---

<sup>۱</sup>- شیرعلی، تزی، عوامل و پیامدهای اقتصادی فساد اداری، مجموعه مقالات سمینار عوامل فساد اداری و راه های بیرون رفت از آن، اکادمی علوم افغانستان، ۱۳۸۶، صص ۱۰۲-۱۳.

در نهاد های دولتی، خصوصی و اجتماعی به گردش در آمده و طبقات نوین اقتصادی به وجود می آیند.

انجام پروژه های اقتصادی و عمرانی ، حضور سرمایه گذاران خارجی و گسترش داد و ستد تجاری با جهان خارج ، نیازمندی کشور های جهان سوم به وام های خارجی و سرمایه گذاری بانک ها و موسسات مالی خارجی ، در کنار تمرکز و تصمیم گیری در نخبگان سیاسی و سپس کارمندان دولت و نیز اختیارات گسترده متصدیان دولتی و وجود مجوز های مختلف برای هر گونه فعالیت اقتصادی وموارد متعدد دیگری از این قبیل ، خود به خود زمینه های فساد آمیز مالی و اشکالی از فساد سیاسی را برای کارمندان عالی رتبه به وجود می آورند. به دنبال این زمینه ها ، کارکنان در رده های مختلف اداری نیز به نوعی خود را از این طریق متنفع می سازند.

## تاثیر فساد بر شکاف اجتماعی

دوگانگی اقتصادی و شکاف بین فقیر و غنی از جمله خصوصیات کشور های جهان سوم میباشد. مطالعات صورت گرفته در چند کشور توسعه نیافته حاکی است که فساد مالی این روند ها

را عمیق تر و اختلافات را گسترده تر نموده در نتیجه فساد ، افراد بیشتری دچار محرومیت میگردند. این محرومیت میتواند ناشی از فشار دولت مردان فاسد بر اقشار پایین دست و گشاده دستی در مقابل افراد توانمند که با دادن رشوه از فشار های قانونی مانند مالیات و عوارض گوناگون فرار مینمایند، صورت گیرد. بر اثر هزینه های فساد مالی ، سیاست های معقول توسعه و توزیع مجدد منابع و درآمد بین گروه ها و اقشار فرو دست به شدت تضعیف میگردد.

### تاثیر فساد بالای سیاست های اقتصادی

وقتی سخن از وجود دور باطل فساد و توسعه نیافته گی بوجود میاید ، بارز ترین وجه آن را در سیاست های اقتصادی توسعه نیافتگی و فساد ، میتوان مشاهده نمود.

کشور های جهان سوم بطور عمده با بهران های اجتماعی از قبیل بیکاری و فقر گسترده مواجه هستند. بیکاری با نرخ بالای ۱۵٪ و بهران های سیاسی ناشی از آن منجر به کار گیری غیر مفید و زاید در بخش های دولتی یا وابسته به دولت میگردد.

از سوی دیگر فقر اقشار وسیعی از مردم ، موجب اتخاذ سیاست های حمایتی و ارائه سوبسید میشود. سیاست های از قبیل

چند نرخى بودن ارز ، محدود سازى واردات ، ارائه خدمات اجتماعى و فرهنگى با نرخ پايين و موارد از اين قبيل ، موجب بروز فساد در سطوح اول و دوم ميشود.

به عنوان مثال با توجه به اينكه نان گندم ، غذاى اصلى اغلب كشور هاى روبه انكشاف است ، دولت هاى اين كشور ها سوبسيد هاى قابل توجهى را به اين امر اختصاص ميدهند. نگاهى به فرايند سوبسيد در گندم شاهد بسيار جالبى از فساد در هر دو سطح بدست ميدهد.

در فساد سطح اول ، خريدار خارجى با پورسانت و خريدار داخلى با رشوه ناشى از تفاوت قيمت رو به رو ميشوند. در فساد سطح دوم از سيلو هاى نگهدارنده تا آسيابان ، راننده گان حمل کننده و در نهايت نانوايان با فروش آرد هاى سوبسيد دار به قيمت آزاد ، چرخه اى از فساد را تشكيل ميدهند.

رابطه مستقيم بين فساد و رشد در كشور هاى روبه انكشاف قابل مشاهده است.

((از اين منظور شكست در تحقق رشد را ميتوان به يك يا دو بيمار گونگى زير نسبت داد. يكى از آنها ، بيمار گونگى ((اقتصاد بسته ))

است. که دولت ها از طریق کاهش دسترسی به سرمایه خارجی ، تجهیزات سرمایه ای و کالا های واسطه ای وارداتی ، موجب تضعیف پیشرفت تکنالوژی میشوند. دومین بیمار گونگی ((فساد)) است که رهبران سیاسی به حقوق مالکیت احترام نمیگذارند و آگاهانه شرایط را بخاطر ثروت اندوزی های خود و بسته گان شان آشفته و گل آلود مینمایند. درمان های طبیعی این بیمار گونگی ها عبارت اند از : ((آزادی اقتصادی و تدبیر بهتر)).

((اقتصاد زیر زمینی)) مفهومی است که در کشور های روبه انکشاف رایج بوده و این نوع اقتصاد به طور اجتناب نا پذیر با فساد مالی و سیاسی در هم تنیده میشوند.

منظور از اصلاح اقتصاد زیر زمینی. (( هر فعالیت اقتصادی است که در حاشیه قوانین جزایی ، اجتماعی و عملیاتی انجام گیرد ، به عبارت دیگر فعالیت که در آمار درآمد سالانه ثبت نشود.)) این تعریف شامل دو نوع اقتصاد زیر زمینی است: اقتصاد پنهان ، و اقتصاد پایاپای و خود گردان.

اقتصاد پنهان شامل فعالیت های غیر قانونی بیشمار و متنوع سود آور همچون خرید و فروش مواد مخدر ، قاچاق، دلالی،

فساد ، کلاهبرداری مالیاتی ، تقلب و غیره میباشد. در تمام موارد، این فعالیت ها که به دلیل غیر قانونی بودن پنهان ، و در مقابل پول ساز نیز هستند، با کلاهبرداری و فرار از مالیات ، وضعیت اقتصادی شخصی را که مبادرت به این کار ها نموده بهبود میبخشند. اقتصاد به اصطلاح پایاپایی از اقتصاد پنهان کاملاً متفاوت است.

چون بنابر تعریف ، فقط شامل فعالیت های قانونی بوده و تنها فصل مشترک آن با فعالیت های اقتصاد پنهان ، آن است، که در آمار گیری های اقتصاد رسمی وارد نمیشوند . زیرا در این فعالیت ها پول مبادله نمیگردد. فعالیت های اقتصاد پایاپای نیز متنوع است

دستمزد های نا مطمین ، شرایط اغلب دشوار کاری ، بی سواد ی یا بر خور داری اندکی از آموزش ، همه و همه دام های اقتصاد غیر رسمی و زیر زمینی است. همچنین توسعه اقتصاد زیر زمینی با نوع عدم تعهد دولت همراه میشوند. اتخاذ چنین سیاست هایی کناره گیری دولت در کشور هایی که در آنها دموکراسی موجود نیست یا ضعیف است ، میتواند خطرناک باشد. به عبارت دیگر ، میتواند به قدرت یابی روز افزون گروه های مافیایی منجر شود، گروه هایی که قادرند هم به قدرت دولت آسیب رسانده و هم

حقوق پایه ای شهروندان را زیر پا گذارند. مختصر آنکه ، اقتصاد زیر زمینی در فقیر ترین کشور ها تا حدود اشتغال زاست. و ضامن نوع همبسته گی و وحدت خانواده گی ، اما توسعه فزاینده آن ، چه برای اقتصاد و چه برای نظام سیاسی این کشور ها خطر واقعی به شمار میرود.

اقتصاد زیر زمینی در جهان سوم ، منجر به روند گردیده است که شبکه های مافیایی جهان اول و قاچاقچیان بین المللی ، در اقتصاد زیر زمینی موجود در جهان سوم برای پاک سازی دلار های حاصل از قاچاق مواد مخدر و فرار از پیگرد قانونی ، استفاده نمایند. شبکه ها و مدار های مالی بین المللی در این رابطه پدید آمده که در آنها بانکداران ، دلالان سهام ، تاجران ، وکیلان و سیاست مداران جهان سومی در گیر شده و نوعی از فساد سطح اول را به وجود آورده اند.

## تاثیر فساد بر سرمایه گذاری

فساد مالی و سیاسی از جنبه های مختلف به سرمایه گذاری در کشور های در حال توسعه تاثیر میگذارد. مهمترین تاثیر فساد را میتوان در این نتیجه از روند فساد آمیز مشاهده نمود که



در میان مدت ، سرمایه گذاری های عمومی کاهش یافته و عمده سرمایه های موجود در جامعه ، به سوی بخش های فاقد بهره وری که زمینه اختلاس ، پول های باد آورده و فرار از پیچ و خم های ناشی از اعمال فساد در آنها بیشتر بدست میاید ، سوق داده میشوند.

تاثیر فساد مالی بر مخارج عمومی در چند پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است . در نگاه اول ، انتظار می رود که بالا بودن سطح فساد ، کل فرایند تصمیم گیری مربوط به پروژه های سرمایه گذاری عمومی را مختل کند . تخصیص دهنده گان منابع ممکن است با ترجیح دادن پروژه های بزرگ و سرمایه بر و کنار گذاشتن پروژه های زیربنایی اجتماعی کوچکتر ، فرصت های بهتری برای کسب درآمد های غیر قانونی بدست آورند. نمونه های واقعی این فرضیه را تایید میکند.

فساد در کنار قوانین نا کار آمد و مشکل ساز بطور مکمل عمل کرده و موجب پدید آمدن بخش های غیر شفاف ، غیر رسمی و به اصطلاح زیر زمینی در اقتصاد میگردد. نخستین پیامد چنین اتفاقی ، عدم سرمایه گذاری در بخش های مولد و عدم استقبال از سرمایه گذاری های تولیدی و صنعتی است.

سطوح بالای از فساد به سطوح پایین سرمایه گذاری و رشد مرتبط میشوند. فساد، کارآمد بودن سیاست های صنعتی را کاهش داده و فعالیت های اقتصادی را در بخش های غیر رسمی و آنهم به منظور نقض مالیات و قوانین نظم بخشی ترغیب میکند.

سرمایه گذاری مستقیم خارجی با وجود سطح بالای فساد کاهش میابد. اقتصاد های آسیایی مستثنی نیستند. آنهایی که سطوح بالای فساد دارند ، میتوانند سرمایه گذاری مستقیم خارجی بیشتری را جذب کنند. اگر ، فساد کمتر و سیاست های صنعتی کارآمد تری داشتند.

تاثیر فساد صرفاً بر سرمایه گذاران داخلی محدود نمیگردد، سرمایه گذاران خارجی که با کارمندان ذیربط در ارتباط میباشند معمولاً دچار سر در گمی بوده و در هر آن مترصد به هم خوردن قرار داد ها و زد و بند هایی که هزینه های زیادی بر آنها تحمیل خواهد نمود میباشند. روند تشدید کننده دیگر ، خروج سرمایه های بدست آمده ناشی از فساد ، توسط نخبه گان قدرت به خارج از کشور و خارج کردن آنها از چرخه تولید و سرمایه گذاری است. کارمندان سطوح پایین تر نیز درآمد های ناشی از فساد را بیشتر صرف تقاضا های کاذب خود خواهند نمود تا پس انداز .

بدون تردید اختلال های فوق روند سرمایه گذاری و رشد اقتصادی را کاهش میدهد. موروثی بررسی که در سال ۱۹۹۷ م در مورد ۹۴ کشور انجام داد ، به این نتیجه میرسد ۲/۳۸ در صد کاهش در شاخص فساد ، سهم سرمایه گذاری در تولید ناخالص داخلی را ۴ در صد افزایش میدهد. در بخش از گزارش بانک جهانی در خصوص توسعه اقتصادی جهان که در سال ۱۹۹۷ م منتشر شد فصل ، تحت عنوان (( جایگاه حکومت در یک جهان در حال تغییر )) به رابطه بین فساد و سرمایه گذاری میپردازد. و سطح فساد را به قابلیت پیش بینی پرداخت ها و پیامد ها مرتبط ساخته و بیان میکند که در کشور های که سطوح فساد بالا بوده اما قابلیت پیش بینی پرداخت ها و پیامد ها پایین است ، سرمایه گذاری کاهش شدید پیدا میکند. این وضعیت در کشور های رو به انکشاف به وفور مشاهده میشود.

### تاثیر فساد بر مصارف

وجود فساد باعث می شود هزینه های توسعه به دلایل مختلف افزایش یابد. در صورت پایین بودن با فقدان پدیده فساد ، به طور طبیعی پروژه های اقتصادی بیش تری فرصت اجرا می یابند. در صد قابل توجهی از بودجه جاری و عمرانی کشور های روبه

انکشاف و نیز در آمد ارزی این کشور ها در روند فساد حیف و میل می گردند. از این رو فرصت های کم تری برای سرمایه گذاری پدید می آید. مسولان فاسد، اولویت خود را در انتخاب پروژه ها ، بر اساس میزان دست یابی خود به ثروت بیش تر قرار خواهند داد تا بر اساس اولویت های صحیح اقتصادی و اجتماعی ، بر این سیاق، دستاورد های این گونه کشور ها و سرمایه گذاری های مجدد فراهم گردد، کاملاً ضعیف خواهد شد . پروژه های عمرانی و صنعتی از نظارت دقیق خارج شده و کارمندان فاسد با دریافت رشوه معمولاً صحه بر اقداماتی می گذارند که دور از واقعیت بوده و یا هزینه هایی را مورد تایید قرار می دهند که واقعی نمی باشند. بدین شکل هزینه های توسعه بطور نا معقولی افزایش می یابد. آثار زیانبار این روند پس از اتمام پروژه ها بار دیگر نمایان شده و پروژه ها عمدتاً غیر اقتصادی ، زیان ده و غیر استاندارد ساخته و تمام می گرداند. سرمایه گذاران خارجی معمولاً در صد مشخص سود را برای مشارکت های خود در نظر می گیرند و هر چه میزان رشوه ((رشوت)) افزایش یابد، به طور

طبیعی بر قیمت ها و هزینه های مشارکت تاثیر گذار خواهد بود .  
بدین شکل به نوعی دیگر، هزینه های توسعه فزونی میابد.<sup>۱</sup>

## تاثیر فساد بر فعالیت های سکتور خصوصی

فساد و ضعف حکومت از رشد اقتصادی کاسته و مانع پیشرفت بخش خصوصی کارآمد و سالم می شود . برای اثبات این موارد به سه نمونه زیر استناد می شود: در سال ۱۹۹۵ ، در تحقیقی از ۲۰۰ شرکت تولیدی و تجاری پاکستان ، مشاهده شد که فساد مالی و جنایت چهارمین مشکل عمده آن ها بوده است . ۷۸٪ افراد اظهار داشتند که به مقام ها رشوه داده اند مبلغ پرداخت شده به مقام ها از ۱۲۵۰۰۰ تا ۶۲۵۰۰۰ روپیه -حدود ۴۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ دالر - در نوسان بوده است . مبالغ رشوه به عنوان بخشی از فروش نا خالص ، برای شرکت های بسیار کوچک بیش ترین میزان (۲/۴۵ در صد)، برای شرکت های کوچک و متوسط کم تر و برای شرکت های بسیار بزرگ بیش تر بوده است. از تحقیق مزبور می توان چنین نتیجه گرفت که رشوه خواری مانع بزرگ برای شرکت های بسیار

---

<sup>۱</sup> - شیرعلی، تیزی، عوامل و پیامدهای اقتصادی فساد اداری، مجموعه مقالات سمینار عوامل فساد اداری و راه های بیرون رفت از آن، اکادمی علوم افغانستان، ۱۳۸۶، ص ۱۰۶.

کوچک و نو پا بوده و در عین حال نوعی مالیات متناسب اما غیر مفید بر فروش شرکت ها در حال گسترش است.

بر پایه این تحقیق ، دستگاه های اجرایی دولتی مانند دارایی ، کار و گمرک ، بیش ترین موانع را برای شرکت ها ایجاد کرده اند . فساد مالی و رشوه خواری ۸۰٪ مشکلات و آزار و اذیت ، مجادله ، کاغذبازی و مسامحه کارکنان، ۲۰٪ را تشکیل می داده است . سازمان دارایی و مالیات مزاحمت و درد سری به اندازه خود مالیات های دریافتی ایجاد کرده است. کارگزاران و مسولان اداره کار افرادی تنگ نظر، تلف کننده وقت افراد و رانت جو تلقی شده اند. علاوه بر این ، شرکت ها از تاخیر طولانی و بالا بودن نرخ حقوق و عوارض گمرکی شکایت داشته و معتقد بودند که این مشکلات بغرنج تر از فساد مالی و رشوه خواری است زیرا ، رشوه خواری حد اقل راهی برای حل مشکلات و بر طرف کردن موانع است.

صاحب منصبان که پس از دوران استقلال در کشور های رو به انکشاف به قدرت رسیدند، معمولاً اقدام به دولتی کردن بخش های اقتصادی فعال در رژیم گذشته نمودند. حتی تعدادی از کشور های رو به انکشاف که کودتا و یا اتفاقات شبه انقلابی در آن ها رخ داد نیز در این روند اقدام نمودند. تعدادی از کشور ها یا پس از

انقلاب های اجتماعی و یا بر اثر طرفداری از نظام های سوسیالیستی بلوک شرق، اقدام به دولتی کردن اقتصاد در کشور های روبه انکشاف نمودند. به طور کلی اغلب کشور های روبه انکشاف با اقتصادی تمرکز گرا و دولتی روبه رو هستند. حتی رژیم های خاندانی و پادشاهی نیز به رغم نزدیکی به جهان غرب ، از این دور مستثنی نیستند. بدین ترتیب در فرایند توسعه ، خصوصی سازی به عنوان یک برنامه متداول در کشور های رو به انکشاف مورد نیاز بوده و اجرا می گردد.

روند خصوصی سازی یکی از اشکال فساد آمیز در کشور های روبه انکشاف شناخته می شود. معمولاً وقتی که شرکت های بزرگ خصوصی می شوند، روش قابل اتکایی برای ارزش گذاری دارایی آنها وجود نداشته و رژیم مالیاتی و مقرراتی که از قبل حاکم بوده ممکن است مورد تخطی و اغماض واقع شوند. نا اطمینانی موجود در این فرایند ، فرصت هایی را برای دادن امتیاز و مساعدت به مسولین و مقامات فاسد از طریق دادن اطلاعاتی که در اختیار جامعه نیست و ارائه اطلاعات پیش هنگام در مقابل پرداخت رشوه ، یا بر خورداری ویژه ای با شرکت های فاسد در فرایند مزایده ، فراهم می آورد. حتی فرایند ارزیابی های که روابط نزدیکی با شرکت

های چند ملیتی دارند و در صدد ارائه پیشنهاد برای دارایی‌ها هستند آلوده به فساد شود. در موارد افراطی نه ارزیابی صورت گرفته و نه مزایده بر گزار می‌شود. بنگاه اقتصادی به سهولت به کسانی اعطا می‌شود که بهترین ارتباطات سیاسی را دارا باشند: ((فروش‌ها در قیمت‌های اعلام نشده، آن‌هم به خریداران مشکوک، همچون سیاستمداران حزب حاکم و کسانی که فاقد تجربه فعالیت‌های اقتصادی هستند، صورت گرفته‌اند.))

خصوصی‌سازی یک روند گریز ناپذیر بوده و برای خروج از بن‌بست تمرکزگرایی فساد آمیز، راهی به جز خصوصی‌سازی و کوچک کردن دولت وجود نخواهد داشت. از این رو خصوصی‌سازی را می‌توانیم به عنوان یک برنامه اصلاحی برای مقابله با فساد قلمداد نماییم. لکن این روند اصلاح آمیز خود وقتی به دست افراد فاسد صورت گیرد، به یک منبع بالقوه جدیدی برای ایجاد درآمد‌های فاسد تبدیل خواهد شد.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> - شیرعلی، تیزی، عوامل و پیامدهای اقتصادی فساد اداری، مجموعه مقالات سمینار عوامل فساد اداری و راه‌های بیرون رفت از آن، اکادمی علوم افغانستان، ۱۳۸۶، صص ۱۰۷-۱۰۸.



## فساد اداری در افغانستان

در کشور ما افغانستان در طول تاریخ فساد اداری به انواع و اقسام مختلف و به میزان متفاوت اعمال می شود که عمدتاً شامل موضوعات رشوت، اختلاس، سرقت اسناد رسمی، اتلاف اوراق و اسناد رسمی، تجاوز از حدود صلاحیت قانونی، سوء استفاده از موقف وظیفوی، ممانعت در روند یا اخلال تطبیق عدالت، استفاده از امکانات دولتی در اوقات رسمی در امور شخصی، امتناع و استنکاف از وظیفه بدون عذر قانونی، کتمان حقیقت، تزویر اسناد، اخذ هر نوع تحفه به منظور اجرا و یا امتناع کار در امور مربوط، تعلل در اجرای وظیفه محوله، عدم رعایت از قواعد و رفتار انسانی، دخیل ساختن مداخلات مسایل قومی، منطوقوی، مذهبی، گروهی، جنسی و شخصی در انجام وظایف محوله، اجرا و یا امتناع از اعمال مندرج استراتیژی مبارزه علیه فساد اداری و سایر امور، میباشد.

فساد اداری یک معضل و بزرگترین مانع در برابر اصلاحات در هر کشور و بزرگترین سد در برابر طرقي و پیشرفت میباشد. فساد اداری در رأس تمام فساد های معمول اجتماعی قرار دارد زیرا اداره پولی بین دولت و ملت و هیأت حاکمه از طریق ادارات با مردم رابطه بر قرار کرده، ادای مسؤولیت و خدمت می کند. هر گاه ویروس

فساد در دستگاه های اداری رخنه کرده و تار پود آنرا فرا گیرد ، اعتماد دولت نزد مردم خدشه دار گردیده و رژیم سیاسی حاکم به تدریج راه بسوی زوال خواهد پیمود . اما فساد ، در بعضی کشور ها کمتر و در بعضی به حدی گسترش پیدا نموده که تمام پیکره جامعه را به خطر نابودی مواجه نموده است. افغانستان از جمله کشور های است که فساد در آن به بالا ترین حد خود طی دو دهه اخیر رسیده است. همچنان این یک حقیقت غیر قابل انکار است که کشور های بعد از جنگ دچار یک سلسله بحران های سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی می گردند که در نتیجه آن سیستم های اداری غیر موثر می گردد. چنانچه نا به سامانی های سالهای بحران اثرات نا گوار در ساحات مختلفه مخصوصاً روی نظام اداری گذاشته و کشور را مواجه به یک چالش بزرگ نموده است. بدین معنی که نه تنها شالوده اداره عامه را مورد تهدید قرار داده بلکه امنیت ، ثبات ، حاکمیت قانون و ارزش های اخلاقی و دموکراسی را نیز به مشکل مواجه ساخته است. قانون مبارزه با ارتشا و فساد اداری افغانستان ، فساد اداری را ((عمل خلاف قانون می داند که توسط کارکنان و مؤظفین خدمات عامه به مقصد حصول اهداف و منافع شخصی و گروهی صورت می گیرد)) هم چنان قانون مذکور موارد دیگر چون اختلاس، غدر ، سرقت اسناد ، اتلاف اوراق و اسناد رسمی ، تجاوز

از حدود صلاحیت قانونی، استفاده از امکانات دولتی و اوقات رسمی در امور شخصی، امتناع و استنکاف از وظیفه بدون عذر قانونی، کتمان حقیقت، جعل و تزویر اسناد، وانمود ساختن صلاحیت اجرا و یا امتناع از امور که وظیفه مؤظف خدمات عامه نباشد، اخذ هر نوع تحفه به منظور اجرای کار در امور مربوط، تعلل بی مورد در اجرای وظیفه محوله، رویه سوء مؤظفین خدمات عامه در برابر افراد، التماس غیر قانونی و وابسته شدن، تطمیع، سفارش و در نهایت دخیل ساختن ملاحظات قومی، منطوقی، مذهبی، لسانی، حزبی، جنسی و شخصی، در انتخاب و استخدام، را نیز به عنوان فساد اداری بر شمرده است.<sup>۱</sup>

فساد اداری به مثابه یک پدیده شوم در رژیم های قبلی کشو رما هم وجود داشته که بعضاً جهت وقایع اداره از وجود آن تدابیر اتخاذ شده و بعضاً هم فساد اداری خود یکی از عوامل سر نگونی دولت بوده است. بنا بر آن لازم است تا مرور کوتاه تاریخی به فساد اداری در افغانستان داشته باشیم.

---

<sup>۱</sup>- احمد، مرتضی، پیشین، ص ۲۱۳

## بررسی تاریخی فساد اداری در افغانستان

چنانچه پیشتر اشاره شد فساد اداری در اکثر کشور های رو به توسعه و کشور های توسعه نیافته از عوامل باز دارنده بر سر راه پیشرفت و توسعه جامعه به شمار می رود. در کشور ما نیز طی سالیان متمادی فساد اداری صدمات جبران نا پذیر را بر سرعت چرخ توسعه جامعه ما وارد کرده است، بنا بر این امر فساد اداری در افغانستان یک پدیده بسیار طبیعی و در عین حال تاریخی و یک بیماری مزمن است که ساختار ضعیف دولتی و موازی به آن موجودیت فساد اداری در مقاطع مختلف تاریخی از جمله معضلاتی بوده اند که توانمندی و ظرفیت کاری نظام های حاکمه افغانستان را آسیب پذیر کرده اند.

مطالعه گذشته تاریخی کشور ما نشان می دهد که ساختار دولت های افغانستان با ارگان های متشکله آن نهایت ابتدایی بوده که در امر تاثیرات نظام های جهانی که به دلیل وقوع دو جنگ جهانی از ثبات و استحکام لازم بهره مند نبوده اند، مؤثر است. با انکشاف و پیشرفت تغییرات قابل ملاحظه در ساختار دولت ها به میان آمد اما افغانستان با رشد بطنی ناشی از اقتصاد ضعیف و نا به سامان نتوانست انکشاف را وارد نظام دولت داری نماید . و ما شاهد

هستیم که نظام در مبارزه با فساد اداری آسیب پذیر و نا توان بوده است . فساد اداری و پیشینه تاریخی آن در بی ثباتی و اضمحلال نظام ها نقش به سزای داشته و مبارزات کم و بیش از جانب دولت های حاکم صورت گرفته که کافی و ثمر بخش نبوده و تا امروز از این ناحیه مشکلات جدی فرا راه دولت قرار دارد. در کتاب دارلقضا که توسط عزیزالدین پوپلزی تألیف گردیده ذکر شده که در دوره احمد شاه بابا برای جلوگیری از فساد در قضا در بین دایره مهر های قضا و محاکم آیات قرانکریم را نقش می کردند تا قضاات به طرف هوای نفس ، فساد و رشوت نروند.<sup>۱</sup> میرغلام محمد غبار در کتاب خویش ( افغانستان در مسیر تاریخ ) در باره دولت امیر عبدالرحمن خان می نویسد : (( سردار محمد سرور خان والی میمنه به جرم فساد اداری ، معزول و به کابل مطالبه شد او آنقدر دارایی از رشوت اندوخته بود که امیر امر کرد که ۲۸۵ رأس اسب ، یک گله گاو ، ۱۲ شتر و ۳۸ بار اشتر اموال او را در شهر مزار ظبط کنند و بفروشند.)) میر محمد صدیق فرهنگ در جلد سوم کتابش افغانستان در پنج قرن اخیر می نگارد که: ((امیر حبیب الله خان پولی را که مأمورین از اعمال شکنجه ، از تجار و طبقه متوسط مردم

---

<sup>۱</sup> - سید احمد، محمود، فساد اداری در افغانستان و راه های حل آن، مرکز ملی تحقیقات پالیسی، پوهنتون، ۱۳۹۱، صص ۱۷-۱۸

به زور بدست آورده بودند یک حصه آنرا به خزانه دولت سپرد.) در ادامه میخواهم مکث کوتاهی به انواع فساد اداری در افغانستان داشته باشم.

## انواع فساد اداری

بر شماری مصادیق فساد ، در کشور مثل افغانستان کارچندان ساده نیست زیرا در این کشور انواع فساد اداری و سیاسی دیده میشود. چون از یک نگهبان گرفته تا مقامات بلند پایه را شامل می شود. و آنهم فساد اداری دارای عناصر و مصادیق زیادی از جمله مداخله مأمور اداری در امور قضایی و قانون گذاری ، مداخله یک مأمور اداری در کار های مأمور اداری دیگر ، سوی استفاده و فساد ناشی از عدم رعایت تشریفات اداری ، فساد ناشی مخالف بودن موضوع تصمیم اداری با قانون ، رشوه ، اختلاس ، دزدی ، تقلب ، سوی استفاده از امکانات دولتی به نفع دیگری و تحمیل مخارج و مبالغ هنگفت بر بودجه دولتی ، اضافه کاری بی اساس ، پاداش و امتیازات بی جا و.... میباشد. اما تعیین دقیق مصادیق فساد اداری کار دشوار می باشد . فساد اداری در کشور ما گذشته از اخذ رشوه بصورت مستقیم یا با واسطه های پیدا و پنهان شیوه های گوناگونی

دارد. بسیاری از مأمورین دولتی به خصوص در ولایات و ولسوالی های دور دست از مرکز با نام های واقعی و جعلی خود و دیگران چند و چندین معاش دریافت می نمایند. برخی از مسؤولان خرید به طرف معامله کرده اجناس را گران می خرند و جنس نا مرغوب خریداری مینمایند. بعضی از مأموران در برابر ارائه خدمات یا تسهیلات پول دریافت می نمایند. خویش خوری ، فامیل بازی و دوست گزینی معمول شده و بسیاری از ادارات با پرداخت پول تحت عنوان اضافه کاری، اما بدون انجام کار مفید ، به اندازه معاش یا حتی بیشتر از آنرا به مأمورین و کارمندان می پردازند<sup>۱</sup>. کم کاری و ضیاع وقت برای مأمورین و رؤسا معمول پنداشته می شود . فرار از پرداخت محصول در گمرک های کشور یکی از رایج ترین وجوه فساد اداری و مالیاتی در کشور است. نظام فساد در معاملات دولت با کشور ها و شرکت های خارجی به مراتب بالاتر از میزان فساد در بخش خصوصی است. به جرأت میتوان گفت که اگر دولت بتواند محصول گمرکی و مالیات های را که اشخاص حقیقی و حکمی مکلف به پرداخت آن هستند بصورت کامل جمع آوری و به عواید دولت تسلیم نماید قسمت اعظم بودجه دولت از این مدرک تمویل

---

<sup>۱</sup> Paolo.mauro, 'corruption, finance and development' march, 1998.-

گردیده و از کسر بی رویه بودجه که متکی به کمک های خارجی می باشد کاسته میشود. متأسفانه کمتر از پنجاه فیصد عواید دولت جمع آوری گردیده قسمت بیشتر آن را فساد اداری می بلعد بدین معنا که به جیب اشخاص و افراد می رود. بنا بر آن فساد را میتوان به انواع ذیل طبقه بندی نمود:

## **فساد اداری**

فساد اداری عبارت از عمل کرد نا معقول کارمندان دولتی برای بدست آوردن منفعت شخصی بوده که ظوابط پذیرفته شده اداره را نقض می کند، در اداره انحراف و تخطی از قوانین و مقررات عدم تعمیم اصول اداری باعث ایجاد فساد اداری می گردد عمدتاً در اداره اعمال ذیل فساد محسوب میگردد.

اخذ رشوت و اختلاس و تزویر اسناد؛

سرقت و سوء استفاده از اسناد رسمی و صلاحیت ها؛

ایجاد موانع در جریان تطبیق عدالت، و حاکمیت روابط بر

ظوابط ؛

امتناع و استنکاف از وظیفه بدون عذر قانونی؛



اخذ هر نوع تحفه به منظور اجرای کار در امور مربوطه؛  
تعطل بی مورد در اجرای وظایف محوله ؛  
بر خورد نا سالم موظفین خدمات عامه در برابر افراد جامعه  
؛  
تطمیع ، سفارش ، التماس، غیر قانونی و واسطه شدن؛  
دخیل ساختن ملاحظات قومی، منطقوی، مذهبی، حزبی،  
جنسی و شخصی در انتخاب و استخدام موظفین و کارمندان، کتمان  
حقایق.

## **فساد اقتصادی**

فساد اقتصادی عاملی است که اقتصاد جامعه را ضعیف ساخته و مانع انکشاف دیگر سکتور ها می گردد، وجود فساد اقتصادی قیمت های اموال وارداتی را افزایش میدهد. و باعث عدم توازن توسعه و انکشاف میان ولایات و ساحات مختلف کشور می گردد.

فساد اقتصادی باعث گشودن راه ها برای سوء استفاده کننده گان شده باعث عقد قرار داد های غیر مجاز در جامعه می گردد و کیفیت خدمات عامه را پائین می آورد<sup>۱</sup>، همچنان فساد سبب کاهش عواید و افزایش مصارف غیر واقعی دولت میگردد.

استفاده شخصی از اموال دولتی، کم کاری، صرف و بیهوده ساختن وقت در اداره، سرقت اموال عامه از طرف کارکنان، ترجیح روابط بر ضوابط ، قانون شکنی، عدم توجه به حفاظت اموال دولتی، انجام فعالیت های غیر اقتصادی در اداره، سوء استفاده از اموال دولتی و تمام افعال که مغایر قوانین اقتصادی باشد، از جمله فساد اقتصادی میباشد.

## فساد اجتماعی

عمدتاً این نوع فساد باعث عدم تطبیق قوانین و مقررات دولت، ایجاد فجایع، جنایات، دزدی، قتل، سرقت ، قطاع الطریقی ،

---

<sup>۱</sup> Peter.jones 'combating fraud and corruption in the public sector 'chapman and hall,1993.

قاچاق ، کشت ، زرع و ترافیک مواد مخدر، بیکاری ، بد اخلاقی می گردد و اعمال عمده فساد اجتماعی باعث ایجاد دیگر فساد اجتماعی نیز می گردد از مانند :

۱- عدم تطبیق و رعایت از قوانین و مقررات: عدم تطبیق قوانین و مقررات باعث نا کامی ادارات و موسسات در کار های مربوطه آنها می گردد.

۲- بیسوادی و بی خبری مردم از قوانین و مقررات: بی خبری از قوانین و مقررات باعث خود سری ها و عدم احساس مسوولیت در وظایف کارمندان دولت می گردد، کار برد قوانین و مقررره های سابقه و کهنه تاریخی که به شرایط امروزی هماهنگی نداشته باشد باعث کار شکنی در امور محوله می گردد.

۳- کمبود اشخاص متعهد و پرهیزگار: نبود اشخاص متعهد و مخلص در اداره سبب بی تفاوتی ، عدم احساس مسوولیت در وظایف می گردد. که میتوان این گرایش را از طریق تعلیم و تربیت اشخاص متعهد و با ایمان تا حد زیادی محدود ساخت.

۴- نداشتن روحیه حسابدهی و باز پرسی: اگر کارمند بیم و ترس از اعمال خود نداشته باشد و بداند که از عملکرد وی پسران

نمی‌گردد ایجاد انگیزه برای سوء استفاده‌ها از راه‌های مختلف می‌گردد.

۵- تجمل پرستی بیش از حد و رقابت‌های غیر سالم: تجمل پرستی و رقابت‌های غیر سالم اقتصادی و عنعنوی کارمندان دولت را که معاش کم و ثابت دارند وادار میسازد تا از طریق غیر مشروع عواید بدست آرند.

۶- عدم سیستم خوب گزارشدهی و کم شنیدن شکایات: بر خورد مسوولین با عاملین فساد و کم شنیدن شکایات مردم از فساد اداری، اعتماد و اعتقاد مردم را به مقابل دستگاه اداری کمتر میسازد.

- فساد اجتماعی باعث خسارات و اضرار دسته جمعی گردیده و مردم را به مشکلات متعددی روبرو می‌سازد.

## **فساد سیاسی**

عمدتاً این نوع فساد در سطوح بالای سلسله مراتب اداری و در امور پالیسی‌ها و سیاست‌ها واقع می‌گردد.

عدم حساب‌دهی و شفافیت در فعالیت‌های دولتی در برابر ملت مسایل قروض و امداد‌های داخلی و خارجی و ایجاد روابط و عقد

قرار داد های غیر قانونی در جمله عوامل عمده فساد سیاسی محسوب می گردد. عدم تطبیق یکسان مواد قانون بر فاعلین و متخلفین فساد: عدم تطبیق یک سیستم مکافات و مجازات باعث می شود تا عده ای از کارمندان بدون احساس خوف و هراس از آینده خود ، موجب دستبرد زدن و بی تفاوتی در انجام کار های محوله شان گردد.

اعمال عصبیت ها یعنی اعمال قدرت و نفوذ قومی، نژادی ، زبانی، گروهی، مذهبی ، و منطقوی ایجادگر انگیزه ها به سوی فساد است، که بالای همه ابعاد فساد تاثیر گذار میباشد.

فساد سیاسی مشروعیت حکومت را از بین برده و فاصله میان دولت و مردم را افزایش میدهد.

فساد از اندازه اثر بخشی و مشروعیت دولت ها میکاهد ، امنیت و ثبات جوامع را به خطر مواجه میسازد. فساد جایگاه و حیثیت حقوقی، اقتصادی ، اخلاقی ، فرهنگی جامعه را زیر سوال می آورد.

فساد باعث عدم موفقیت در پروسه صلح می گردد و مخالفین دولت را تقویت می بخشد.<sup>۱</sup>

## عوامل فساد اداری در افغانستان

عوامل و زمینه های که در بروز و ظهور فساد نقش عمده دارند عوامل و زمینه های گوناگون اند که بصورت بلقوه و بالفعل در بوجود آوردن ، گسترش و ترویج فساد اداری نقش دارند . در کشور های نظیر افغانستان ، دلایل ویژه را برای فساد اداری و یا ظهور و بروز بیش از حد آن بر شمرده اند. قسمی که قبلاً تذکر یافت تداوم جنگ های تحمیلی علاوه بر اثرات نا گوار در عرصه های سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی ، دستگاه های اداری کشور را از مسیر وظایف اصلی یعنی عرضه خدمات مناسب به سوی اجزآت متکی به روابط کشانده است. تأثیر عوامل گوناگون در کشور ما به روند شکل گیری فساد ماهیت پیچیده داده است . مشکل فساد اداری در کشور تنها به حیف و میل کمک های بین المللی خلاصه نمی شود . بلکه فساد در دستگاه حکومت، ادارات قضایی و سارنوالی ، ادارات عایداتی ، گمرکات ، ارگان های امنیتی ، استخدام و گزینش

---

<sup>۱</sup> - شیرعلی، تزی، عوامل و پیامدهای اقتصادی فساد اداری، مجموعه مقالات سمینار عوامل فساد اداری و راه های بیرون رفت از آن، اکادمی علوم افغانستان، ۱۳۸۶، صص ۲۳۱.

افراد نیز به مشاهده میرسد. بصورت عموم عوامل ذیل را در بروز و گسترش فساد اداری در کشور می توان بر شمرد :

۱. عدم درک و شناخت عمیق از نیازمندی های جامعه افغانی و عدم اتخاذ تدابیر حقوقی مناسب در جهت انکشاف متوازن برای رفع نیازمندی های متذکره توسط طراحان و قانون گذاران.
۲. فقدان اراده سیاسی و اجتماعی در امحای فساد؛
۳. پایان بودن سطح مسؤولیت پذیری مسؤولین نظارت از تطبیق قانون ، چشم پوشی از عمل کرد افراد استفاده جو و ناقض قانون در دستگاه اداری که منجر به پایان آمدن اعتبار ملی و بین المللی اداره کشور شده است؛
۴. عدم تطبیق یکسان قانون در عرصه های مختلف نوع دیگر از فساد اداری در کشور بوده که باعث ایجاد فاصله بین مردم متضرر و حکومت می گردد؛
۵. فقدان نظارت صحیح به اجرای بودجه؛
۶. کتمان حقیقت در شناسایی مجرمین اصلی ، عدم رسیده گی سریع و قاطعانه مراجع قضایی؛

۷. فقر و محرومیت و معاش اندک و متفاوت  
کارمندان و افراد و نهاد ها و مؤسسات؛
۸. جعل و تزویر اسناد مربوط به خرید و فروش  
ملکیت های عامه مثلی زمین ، خانه ، موتر ، تاسیسات  
صنعتی ، زراعتی و غیره؛
۹. نا دیده گرفتن رشد سرسام آور سرمایه گذاری ها  
و ثروت مند شدن یک عده مأمورین در آغاز وظیفه دفتر  
سوانح آن نشان دهنده فاقد ملکیت بودن آنها می باشد؛
۱۰. بی تفاوتی در برابر سوء استفاده افراد مسلح در  
قضایایی خارج از وظیفه مانند دخالت در قضایایی  
ترانسپورتی ، ترافیکی ، استخراج معادن ، مسایل اجتماعی  
و خانواده گی و غیره؛
۱۱. موجودیت تبعیض و جانب داری در روند  
استخدام ، ارزیابی ، اجراءات ، اعطای مکافات و مجازات؛
۱۲. اشغال پست های معین اداری توسط اشخاص  
معین به صورت دایم؛
۱۳. موجودیت بیروکراسی و تشریفات طولانی اداری  
ناشی از سیستم تمرکز؛



۱۴. در نظر نه گرفتن اصل شایسته سالاری در اداره؛(۹)  
(۵۹ :
۱۵. حاکمیت روابط بر ظوابط؛
۱۶. عدم استقلالیت نظام و وابسته گی های معیین  
خارجی؛
۱۷. بر هم خورد سیستم اقتصادی و نظم بازار در حوزه  
تجارت خارجی؛
۱۸. خصوصی سازی اقتصاد ملی و ایجاد حاکمیت انجو  
ها؛
۱۹. عدم توجه و اهتمام کافی به رعایت ارزش های  
دینی در سطوح مختلف اداره؛
۲۰. بیکاری روز افزون نیروی کار و نبود زمینه مناسب  
استخدام و اشتغال ، و عدم کنترل بازار؛
۲۱. عدم امنیت و ادامه خشونت و جنگ؛
۲۲. عدم توجه به مشکلات مرزی؛
۲۳. تزئید روز افزون واردات و تنقیض در سطح  
صادرات کشور؛
۲۴. تورم تشکیلاتی و آسب آن بالای عرضه خدمات  
عامه؛

۲۵. عدم هماهنگی بین ادارات؛

۲۶. ارتباط نزدیک بعضی از مقامات با نیروی های

مسلح؛

۲۷. موجودیت نیروی های خارجی و ارتباط بعضی از

مقامات دولتی ، مؤسسات بین المللی با آنها و تهدید

قوت ها و شخصیت های ملی ذریعه آنها؛

۲۸. تأثیرات منفی مهاجرت ها و پناهنده گی های

سیاسی ، بالای بعضی از مقامات؛<sup>۱</sup>

۲۹. غارت سرمایه های ملی و عدم احترام به ملت؛

۳۰. موجودیت تعداد کثیر مشاوریناعم از داخلی و

خارجی در ادارات؛

## **پیامد های فساد اداری در افغانستان**

یکی از مباحث مهم مربوط به فساد ، تأثیرات منفی بر

سطوح مختلف سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی و اقتصادی جامعه

---

<sup>۱</sup> - همان، ص ۲۳۱

است. بدین معنی که فساد اداری پیامد ها و عواقب خطرناکی دارد که میتواند حیثیت و وقار کشور را زیر سوال ببرد<sup>۱</sup>.

فساد اداری پیامد های فراوان دارد که از جمله میتوان به مواردی ذیل اشاره نمود :

- ۱- سبب نام ناکامی دولت در تطبیق پروسه ملی می گردد؛
- ۲- کاهش قدرت چانه زنی دولت در روابط بین المللی را موجب می گردد. چون دولت های که دچار مرض فساد هستند ، از پشتوانه کافی مردمی برخوردار نمیباشند. بناء نمیتوانند در عرصه بین المللی از منافع ملی خود دفاع نمایند؛
- ۳- فساد از میزان اثر بخشی و مشروعیت دولت بخصوص سیستم عدلی می کاهد؛
- ۴- امنیت و ثبات جامعه را به خطر انداخته سبب تشنج و تقویه مخالفین دولت می گردد؛
- ۵- ارزش های دینی پامال گردیده فساد و فجایع جای ارزش ها را می گیرد؛

---

<sup>۱</sup> Donatella.dellaporta, unesco courier ,jun 1996, vol 49 ,  
issue

- ۶- فساد اداری مانع بزرگ ترقی و پیشرفت می باشد یعنی جلو  
رشد ، انکشاف ، تکامل و باز سازی را می گیرد؛
- ۷- فساد سبب اتلاف منابع و سرمایه ها می شود؛
- ۸- مانع رشد رقابت مثبت و موجب خنثی شدن تلاش ها در  
جهت کاهش فقر و تبعیض اجتماعی می شود؛
- ۹- کاهش امکان برنامه ریزی و سیاست گذاری های واقع بینانه را  
باعث می گردد. زیرا در صورت فساد هیچ آماری درست در دست نمی  
باشد. و چون آمار صحیح در دست نیست ، سیاست گذاری ها غلط از  
آب در می آید؛
- ۱۰- فساد به افزایش معاملات منجر و مانع توسعه پایدار می گردد؛<sup>۱</sup>
- ۱۱- سرمایه گذاری های انجام شده روی منابع انسانی را به هدر  
داده در سازمان ارزش های منفی را به وجود می آورد؛
- ۱۲- فساد موجب تضعیف اعتماد مردم به توانایی و اراده سیاسی  
دولت شده و نیز باعث قطع امید مردم به آینده بهتر می گردد؛
- ۱۳- سبب تضعیف و از بین رفتن ارتباطات اجتماعی می گردد؛
- ۱۴- زرع مواد مخدر ، پروسس و قاچاق آن انکشاف یافته ، ساحه  
فعالیت مافیای بین المللی گسترش می یابد؛

---

<sup>۱</sup>- همان، ص ۱۵۱

- ۱۵- ارزش های حقوق بشری پایمال و اختطاف عمومیت می یابد؛
- ۱۶- باعث رکود خدمات عامه می گردد؛
- ۱۷- سبب تقویت تفاوت های اجتماعی و طبقاتی می گردد؛
- ۱۸- گسترش تخدیر افکار عامه؛
- ۱۹- مانع سرمایه گذاری های خارجی می گردد؛
- ۲۰- باعث می گردد تا کشور زیر بار قروض سنگین قرار گرفته حتا نسل های آینده قادر به تادیه آن نخواهند بود؛
- ۲۱- انواع خیانت را ترویج می کند؛
- ۲۲- مشروعیت حکومت را زیر سوال می برد. از انجائیکه هدف تشکل حکومت ، حرکت در راستای اهداف تعیین شده است لذا وقتی مردم میبینند که حکومت به سمت دیگر روان است، در قالب های مختلف نا رضایتی خود را اعلام و واکنش نشان خواهند داد؛
- ۲۳- اعتماد بالای قوانین و مقامات را از بین میبرد؛
- ۲۴- ارزش های دموکراسی و اخلاقیات جامعه را مخدوش می سازد؛

## روش های مبارزه با فساد در افغانستان:

عوامل بازدارنده فساد اداری به دو گروه تقسیم می شود. یک گروه عبارت است از مجموعه اقداماتی که نهادهای دولتی نظیر سازمانهای بازرسی و حسابرسی برای مبارزه با فساد اداری انجام می دهند. گروه دیگر مجموعه نهادهای، قوانین و محدودیت هایی است که جامعه بر مجموعه دولت تحمیل می کند و مانع سوء استفاده سیاست مداران و کارمندان از منابع دولتی می شود. نمونه بارز این نهادها مطبوعات آزادی و آزادی فعالیت سیاسی است که سبب می شود یک حزب مخالف برای نظارت و افشای فساد اداری دولت، انگیزه و آزادی عمل داشته باشد. در بحث روش های مبارزه با فساد اداری می توان به بعضی از روش های مؤثر اشاره کرد.

۱- اصلاح ساختار نظام اداری و اقتصادی؛

۲- مقررات زدایی و خصوصی سازی؛

۳- احیای اخلاق؛

۴- نظارت بر ثروت، مصرف و سطح زندگی کارمندان دولت

در بخش های اداری و اقتصادی؛

۵- جلوگیری از فساد استخدامی؛

۶- پاکسازی گروهی و جمعی نظام اداری؛

- ۷- ایجاد نهادهای مستقل و دائمی برای مبارزه با فساد اداری و اقتصادی؛
- ۸- سیاست‌زدایی نظام اداری و اقتصادی؛
- ۹- تشویق کارمندان و شهروندان به ارسال اطلاعات و افشاگری؛
- ۱۰- آزادی و مصونیت مطبوعات در ارائه گزارش و افشاگری فساد اداری و اقتصادی؛
- ۱۱- آموزش مدیران دولتی در مورد فساد اداری و مالی؛
- ۱۲- حساب‌کشی و پاسخگویی در بخش عمومی بخصوص شرکت‌های وابسته به دولت؛
- ۱۳- افزایش حقوق و مزایای کارمندان دولت؛
- روی هم‌رفته فساد یکی از پدیده‌های همه‌گیر بوده که همه کشورها اعم از روبه‌انکشاف و انکشاف یافته به نحوی از انحا به آن مواجه و باید بصورت پیگیر و دوامدار علیه آن مبارزه صورت گیرد.

## فصل چهارم

### نتیجه گیری

از مطالعه فساد اداری در کشور های روبه انکشاف به این نتیجه رسیدم که : فساد اداری پدیده همه گیر و سراسری بوده و تمام کشور های جهان اعم از پیشرفته و عقب مانده به شکل از اشکال به آن مواجه بوده و از پیامد های آن رنج میبرند.

فساد به انواع و اشکال مختلف بروز کرده و زمینه فعالیت های اقتصادی را کند و بطی میسازد. و فاصله دولت با ملت را افزایش میدهد، اعتماد مردم به دولت را می کاهد. عوامل فساد متعدد بوده و مبارزه با فساد به شکل تنها و مجرد در یک اداره و یا نهاد و حتا در یک کشور ممکن نیست. مبارزه با فساد باید بصورت هماهنگ، گسترده و مداوم صورت گیرد تا حد اقل به تدریج زمینه کاهش فساد مهیا گردد.

در کشور عزیز ما افغانستان طی دو دهه اخیر فساد با تمام ابعاد آن گسترش یافته و ایجاب مبارزه خسته گی نا پذیر ، مصمم و قاطع را می نماید.

مبارزه با فساد بصورت نصیحت ، تبلیغ و عذر ممکن نیست، بلکه ایجاب یک پلان ملی روشن و استراتژیک را برای سالم سازی جامعه می نماید و مبتنی بر آن یک دستگاه قضایی سالم،



مسلمان، نیرومند و مقتدر، پاک نفس و بی طرفی توان آنرا دارد تا این پروسه مشکل و برگشت نا پذیر را بصورت دوامدار و پیگیر به پیش برد، برای این کار ضرورت است تا از طریق وضع و تطبیق بلااستثنای قوانین سخت گیرانه جزایی علیه آن مبارزه کرد. در غیر این صورت هیچگاهی موفق به کاهش فساد نشده و پیوسته هزینه مبارزه با فساد افزایش خواهد یافت.

هر گاه شخص و یا شرکتی تصمیم به سرمایه گذاری و یا سایر فعالیت اقتصادی میزند فساد آنقدر هزینه این اقدام را افزایش میدهد که سرمایه گذار را از سرمایه گذاری منصرف میسازد و در کل فعالیتهای اقتصادی متأثر ساخته و به گندی مواجه میسازد. بنابر آن نباید فساد را یک پدیده عادی تلقی نموده و در مبارزه علیه آن مسامحه صورت گیرد.

## منابع و مأخذ

۱. آکرمن، سوزان زر، فساد و دولت، علت ها، پیامد ها و اصلاح، مترجم، منوچهر صبوری، تهران، ۱۳۸۵
۲. ابوی، محمد صالح، عوامل فساد اداری و راه های بیرون رفت از آن، کابل، اکادمی علوم افغانستان، ۱۳۸۶
۳. احرار، محمد احرار، فساد اداری و نحوه مبارزه علیه آن، مشاور حقوقی کابل بانک، عقرب ۱۳۸۷ (۱۲ صفحه)
۴. اقتداری، محمد علی، اداره امور استخدامی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۴
۵. تزری، شیرعلی، عوامل و پیامد های اقتصادی فساد اداری، مجموعه مقالات سمینار عوامل فساد اداری و راه های بیرون رفت از آن، اکادمی علوم افغانستان، کابل، ۱۳۸۶.
۶. ربیعی، علی، زنده باد فساد، چاپ سوم، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۳.
۷. رفیع پور، فرامرز، توسعه و تضاد، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۷۹.
۸. زادگان، سید عباس، فساد اداری، دفتر پژوهشهای فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳
۹. ستانکزی، محمد ناصر، مقاله های علمی، تحقیقی، اداری و اقتصادی افغانستان، انتشارات سعید، ۱۳۹۴
۱۰. ستانکزی، محمد ناصر، اداره و مدیریت، چاپ چهارم، کابل، انتشارات سعید، ۱۳۸۷
۱۱. شکر الاهی، مسعود، ظرفیت سازی برای سلامت نظام اداری، کابل، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۸۷
۱۲. صادقی، میر محمد حسین، فساد اداری، نشر میزان، چاپ چهارم، ۱۳۸۳.

۱۳. عباس زادگان، سید محمد، فساد اداری، دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳.  
 ۵.
۱۴. غبار، میر غلام محمد، افغانستان در مسیر تاریخ، کابل، مطبوعه دولتی، ۱۳۴۶.
۱۵. فرهادی نژاد، محسن، فساد اداری و شیوه های کنترل آن، مجموع مقالات دومین همایش علمی و پژوهشی نظارت و بازرسی در کشور، چاپ اول، انتشارات دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
۱۶. کاکس، رابرت و ... دولت، فساد و فرصت های اجتماعی، نظریه هایی در اقتصاد سیاسی توسعه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۱.
۱۷. کی، جین، آرویند، اقتصاد سیاسی فساد، مترجم، علی بختیار زاده، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۶.
۱۸. محمود، سید احمد نجیب (و دیگران)، فساد اداری در افغانستان و راه های حل آن، مرکز ملی تحقیقات پالیسی، پوهنتون کابل، ۱۳۹۱.
۱۹. مرتضی، احمد، مبارزه با فساد اداری در کشور های در حال توسعه، چهارمین اجلاس بازرسان کل آسیا، تهران، ۱۳۸۷.

## ب: مقاله

- ۱- آقای، رضا، مقایسه تطبیقی کنوانسیون های بین المللی، نشریه راهبر، دفتر، مطالعات اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ش، ۱، تهران، ۱۳۸۶ه.
- ۲- اندریا، مبلومبارف، رشل، فساد و آشنا بازی، ترجمه افشین جهان دیده، پیام یونسکو، ش، ۳۱۳، ۲۵، تهران، ۱۳۷۵ه.
- ۳- تانزی، ویتو، مسال، فساد، فعالیت های دولتی و بازار آزاد، ترجمه بهن آقای، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش، ۱۴۹، ص، ۱۵.

- ۴-دوناتلا، لاپورتا، فساد ودموکراسی، ترجمه، افشین جهان دیده ، پیام یونسکو، ش، ۲۵، ۳۱۳، تهران، ۱۳۷۵ه.
- ۵-لونیر، فلورا، فساد مالی پدیده جهانی، ترجمه بدری نیک فطرت، پیام یونسکو، ش، ۳۱۳، تهران، ۱۳۷۵ه..
- ۶-رشل آندریا، مبلومیادانا، فساد و آشنا بازی ، پیام یونسکو، شماره ۳۱۳ آذر، ۱۳۷۵.
- ۷-ویتوتانزی، مساله فساد ، فعالیت‌های دولتی و بازار آزاد، بهن آقایی، اطلاعات ساینس اقتصادی شماره، ۱۴۹، ۱۵۰.

## ج: منابع لاتین

1. Donatella.dellaporta, unesco courier ,jun 1996, vol 49 , issue. 1-
2. Francis,lui, "three aspects of corruption, contemporary. Economic policy, july, 1996,2
3. Paolo.mauro, 'corruption, finance and development' march,1998.3-
4. Peter.jones 'combating fraud and corruption in the public .sector 'chapman and hall,1993.
5. James c.sscott, comparative political corruption' prentice hall, inc,1972.5-



**The effects of administrative corruption  
On economic activities in developing  
countries**

Shabnam"bakhtari

2024